

فتوت

نشریه فرهنگی ترویجی فتوت
شماره اول / شعبان ۱۴۴۶ (خرداد ۹۶) / صفحه ۸۰

پرونده ویژه: نماز و جوانان

نماز تعطیلی ندارد

بازاریابی نماز



نماز در سینمای ایران

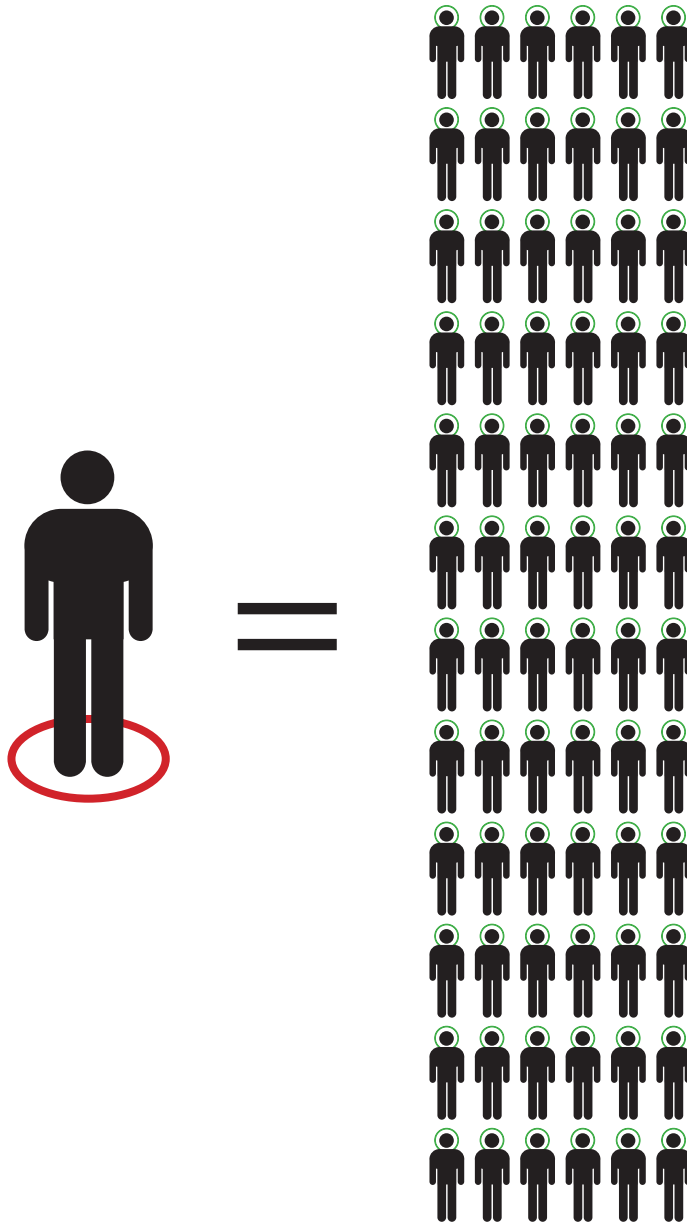
نماز صبح با سرعت صد کیلومتر در ساعت

تمام فرزندان نمازخوان من!

آیا جوانان بی نماز شده‌اند؟



توصیه مؤکد این جانب به همه،
به ویژه جوانان،
آن است که خود را با نماز مأنوس
و از آن بهره مند سازند؛
یعنی اینکه نماز را با توجه به معنی
و با احساس حضور
در محضر پرودگار متعال - جَلَّتْ عَظَمَتُهُ -
به جای آورند و این کار را
با تمرین بر خود هموار و آسان سازند
تا بتوانند نوافل،
مخصوصاً نافله نمازهای صبح و مغرب
را نیز ادا کنند.



رسول اکرم ﷺ: مَا مِنْ شَابٍ يَدْعُ لَذَّةِ الدُّنْيَا وَ لَهْوَهَا وَ أَهْرَمَ شَبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ صَدِيقًا
جوانی که دامن خودش را پاک نگه می‌دارد، از شهوات مادی دوری می‌گزیند،
در پیش خدای متعال اجر هفتاد و دو صدیق را دارد. (مجموعه ورام؛ ج: ۲؛ ص: ۶۰)



قنوت

نشریه فرهنگی ترویجی
شماره اول / خرداد ۱۳۹۴

کاری از:
مرکز تخصصی نماز

تهیه:
واحد پژوهش و مطالعات راهبردی

مدیر مسئول:
محمدصادق کفیل

سردبیر:
ابوالفضل علی آبادی

همکاران تحریریه:
حمیدرضا اسلامی، محمد کاظمی،
محمدرضا نظری، هادی عجمی،
مهدی کریمی و زهره شریعتی

سرویس معارف و مهارت:
مهدی اخلاقی

سرویس هنر و رسانه:
مهدی بهرامی

پرونده ویژه:
علی بانسی

مدیر اجرایی:
سید میثم مرادخانی

مدیر هنری:
سید مهدی هاشمی

ویرایش:
جعفر مروجی

نشانی:
قم، خیابان شهدا (صفاثیه)، کوچه

آمار، ساختمان ستاد اقامه نماز

تلفن تماس: ۰۲۵۳۷۷۴۹۲۰
سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۴۱۴۵

www.qunoot.net
qunoot@chmail.ir

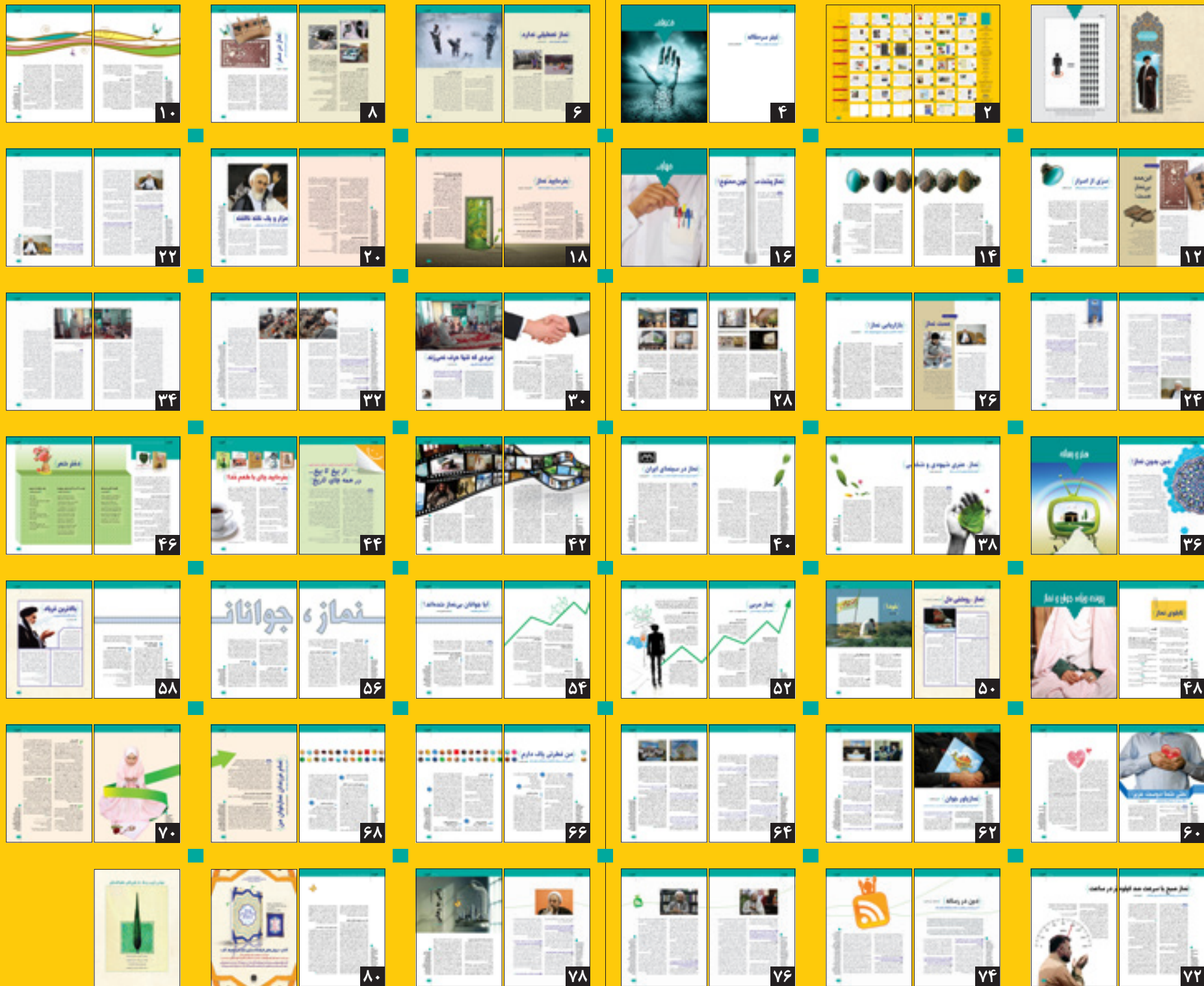


• با تشکر از تمامی عزیزانی که ما را
در تهیه قنوت یاری کردند.

• قنوت در ویرایش و کوتاه کردن
مطالب آزاد است.

• آثار مندرج در نشریه بیانگر نظرات
نویسندگان آنهاست.

• نقل، تکثیر و توزیع قنوت برای
تمامی افراد آزاد است.



فهرست مطالب

جوان و هویت دین مدار ۴

معارف

نماز تعطیلی ندارد ۶

نماز در سفر ۹

این همه بی نماز هست ۱۲

سری از اسرار ۱۳

نماز پشت ستون ممنوع! ۱۶

مهارت

بفرمایید نماز ۱۸

هزار و یک نکته ناگفته ۲۱

همت نماز ۲۶

بازاریابی نماز ۲۷

مردی که فقط حرف نمی زند ۳۱

دین بدون نماز! ۳۶

هنر و رسانه

نماز: هنری شهودی و شخصی ۳۸

نماز در سینمای ایران ۴۱

از بیخ تا بیخ ۴۴

بفرمایید جای با طعم خدا! ۴۵

دفتر شعر نماز ۴۶

تابلوی نماز ۴۸

پرونده ویژه: جوان و نماز

نماز، روشنی دل ۵۰

خودآ ۵۱

نماز مری ۵۲

آیا جوانان بی نماز شده اند؟ ۵۵

بالاترین فریاد ۵۹

حتی شما دوست عزیز ۶۰

نماز باور جوان ۶۲

من فطرتی پاک دارم ۶۶

تمام فرزندان نماز خوان من ۶۹

نماز صبح با سرعت صد ۷۲

دین در رسانه ۷۴

راهی به راهی ۷۹

معارف



سخن سر دبیر { جوان و هویت دین مدار }

ابوالفضل علی آبادی

در مقابل عوامل بی‌هویتی نسل جوان و دیگر افراد جامعه می‌سازد. بازدارندگی از انحراف، جهت بخشیدن به زندگی و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری از آثار روان‌شناختی نماز است که موجب هویت‌بخشی به جوانان خواهد شد.

● بی‌نوشت
۱. «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ وَنَمَازٌ رَا بِهٖ جَاىَ أَرُ كَهٗ هَمَانَا نَمَازٌ اَزْ هَرْ كَارِ زَشْتِ وَ مَنكَرِ بَا زَمِى دَارِدُ». عنكبوت: ۴۵.

گمگشته جوانان عصر مدرنیته، هویت است. بحران هویت، یعنی عدم توانایی فرد در هر رده سنی، برای قبول نقش‌هایی که جامعه از او انتظار دارد. این معضل در جنبه هویت اجتماعی ظهور و بروز بیشتری دارد. ناتوانی در یافتن شغل، رها کردن تحصیل، دوری از فضای جامعه و ... از پیامدهای بحران هویت اجتماعی جوانان است. در این میان ترسیم آینده‌ای روشن، یکی از دغدغه‌های اصلی نسل جوان محسوب می‌شود. هویت اجتماعی سالم، جوان را همواره در برقراری روابط اجتماعی، موفق می‌سازد. پایبندی به دین، هویتی به فرد می‌بخشد که می‌تواند خود را از بحران‌های ادوار مختلف زندگی، به‌ویژه جوانی، به سلامت برهاند و از آشفتگی فکر و عمل دور سازد. جوان با چنین هویتی، از راه‌های رسیدن به کمال آگاه می‌شود و در نتیجه هویت واقعی خود را می‌یابد.

- شکل‌گیری هویت جوان از خانواده شروع می‌شود و در مرحله بعد، عوامل محیطی چون مراکز آموزشی و رسانه‌ها در استحکام یا تخریب آن می‌توانند مؤثر باشند. ارزش‌گذاری به شخصیت جوان بر مبنای امور دینی همچون نماز در محیط خانه از سویی، و برنامه‌ریزی مدیران در فضای جامعه از سویی دیگر، گامی مؤثر در ساختن هویت دینی وی است. آثار تربیتی نماز در ابعاد فردی و اجتماعی، سد محکمی

کمی تأمل
 نهاد خانواده تا چه اندازه با ابعاد تربیتی این فریضه مهم آشنا بوده و نسبت به تبیین آن جهت تربیت جوان خود اهمیت قائل می‌شود؟
 نهادهای مرتبط در تبیین این فریضه مهم دینی، آن‌هم به عنوان یک راهکار هویت‌ساز، چه اقداماتی صورت داده‌اند؟





{ نماز تعطیلی ندارد }

جایگاه و اهمیت نماز | اصغر آیتی



اهمیت و جایگاه نماز در مقایسه با دیگر عبادات

خدای حکیم در انجام برخی از این دستورها، اجازه ترک نداده (یعنی واجبات) و در برخی دیگر، اجازه ترک داده (یعنی مستحبات) و خود این دو نوع دستور، اهمیت قسم اول را به خوبی نشان می‌دهد. در این میان نیز برای انجام برخی از آنها شرایطی مقرر نموده که با نبودن آن شرایط، تکلیف را از روی دوش انسان برداشته است. توضیح اینکه برخی از واجبات، همانند حج، در طول عمر یکبار واجب شده و بعضی دیگر، همانند خمس و زکات، در سال یکبار و برخی، همانند روزه، در سال یک ماه و بعضی دیگر، مانند جهاد، ممکن است در طول عمر یکبار هم برای انسان واجب نشود. برای انجام هر کدام از این واجبات، شرایطی را مقرر کرده که با نبود آنها نه تنها تکلیف ساقط می‌شود، بلکه گاهی انجام آن نیز حرام شمرده می‌شود.^۱

هدف خلقت

همه این‌ها نشان از ظرفیت و قابلیت بسیار مستعد و بالای انسان دارد و اکنون زمان آن رسیده که انسان این استعدادها را به مرحله ظهور و بروز برساند و به سعادت و کمال نهایی رسیده و مایه مباهات خداوند متعال شود.

خدای مهربان که به صلاح و فساد انسان آگاهی کامل و جامعی دارد، در این مرحله نیز انسان را به حال خود رها ننموده و با شناختی که از او و راه پیش رویش دارد، برای رشد و کمالش، راههایی را از روی حکمت به انسان معرفی کرده و فرموده هدف از خلقت، انجام این امور است.^۲ دستورهایی حکیمانه خدای متعال مبنی بر انجام این امور، می‌تواند راهگشای انسان در سریع‌تر رسیدن به مقصد و هدف آفرینش باشد.

خلقت انسان

یکی از مهم‌ترین معجزات خلقت، خلق شگفتی‌ترین مخلوق، یعنی انسان است. هم او که خدای متعال برای شرافتش، از روح خود در او دمید^۳ و سپس به ملائکه امر کرد بر او سجده نمایند.^۴ پس از آن بود که او را به عنوان خلیفه و جانشین خویش در زمین معرفی کرد.^۵ خدای متعال که «احسن الخالقین»^۶ است، برای رفاه و آسایش احسن و اشرف مخلوقاتش همه چیز را در اختیار او قرار داد و فرمود: «من همه چیز را برای تو آفریده و در اختیار تو قرار دادم»^۷ و «تو را برای خودم آفریدم».^۸ باز برای اتمام نعمت بر این موجود بی نظیر بود که خدای حکیم از میان مخلوقاتش، او را به ویژگی‌هایی ممتاز نمود و به خاطر همین اختصاصات است که ملائکه نیز یارای رسیدن به مقام، منزلت و جایگاه انسان را ندارند.^۹

خلأ اساسی

تحقیقات میدانی^۱ بیانگر این مطلب است که یکی از مهم‌ترین دلایل کم‌رنگ بودن نماز در جامعه اسلامی، عدم تبیین جایگاه نماز در بین معارف و دستورهای اسلامی است. چنانچه اهمیت و جایگاه واقعی نماز برای مخاطبان به خوبی بیان شود، گام بزرگی در جهت گرایش سست‌نمازان و بی‌نمازان، به این فریضه الهی برداشته می‌شود. بدیهی است اگر به خوبی اهمیت مطلبی برای مخاطب بیان شود، او نیز با جان و دل پذیرای آن می‌شود؛ لذا بنا داریم در چند شماره، از دریچه‌های جدید، شاخصه‌های اهمیت نماز را بررسی کنیم. امید است به وسیله این کار بتوانیم قدم بزرگی در ترویج معارف و دعوت به نماز برداشته باشیم.



نماز در سفر

مروری بر احکام نماز مسافر

روح... حبیbian

صحبت می‌کند و برای او شعرهای من درآوردی ایش را می‌خواند. پشت سر مرد، خانم جوان خانه درحالی‌که به اصرار شوهر کلاه ایمنی او را بر سر دارد، یک دستش را روی دوش شوهر گذاشته تا هم تعادل خود را حفظ کند و هم لحظات با شوهر بودن را عمیق‌تر درک کند و از آن لذت بیشتری ببرد. با دست دیگر نوزادش را در آغوش گرفته و علاوه بر این تلاش می‌کند سبد غذایی را که پشتش قرار دارد، نگه دارد و البته در خنده و شادی خانواده شریک است. این خانواده سفری کوتاه به بیرون شهر دارند تا آخر هفته را دور هم و در طبیعت خدا خوش باشند.

این تصویرهای متفاوت را حتماً شما هم بارها و بارها دیده‌اید. انسان این وقت‌ها به یاد جمله معروف سهراب سپهری می‌افتد که «دل خوش

تصویر اول: مرد محکم‌تر از فشاری که به پدال گاز ماشین چند صد میلیون‌اش می‌دهد، بر سیگارش پُک می‌زند و دودش را از دریچه سقف ماشین بیرون می‌دهد. همسرش هم با آرایش غلیظ در کنار شوهر، اما در دنیایی دیگر با هدفون حرفه‌ای‌اش مشغول گوش دادن به جدیدترین آهنگ‌های خواننده محبوبش است. دختر خانواده هم در صندلی عقب با اخم‌های درهم، سر در گوشی غول‌پیکر خود فرو برده، مشغول روکم‌کنی از دوستان مجازی در شبکه‌های اجتماعی است. این خانواده در حال مسافرت رفتن به ویلایشان در شمال برای رسیدن به آرامش و نشاط هستند.

تصویر دوم: پدر خانواده با خنده‌ای که از لبش جدا نمی‌شود، با پسر چهارساله‌اش که روی باک موتور نشسته و با کیف به منظره روبه‌رو می‌نگرد،



می‌کند، شیطان طاقت دیدن نازل شدن چنین رحمتی را بر انسان ندارد. امیر مؤمنان حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «إِذَا قَامَ الرَّجُلُ إِلَى الصَّلَاةِ أَقْبَلَ إِلَيْهِ إِبْلِيسُ يَنْظُرُ إِلَيْهِ حَسِداً لِمَا بَرَى مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ الَّتِي تَغْشَاهُ»^{۱۶} هنگامی که انسان به نماز می‌ایستد شیطان نزدیک انسان می‌شود و به‌خاطر رحمتی که از ناحیه‌ی خدای متعال انسان نمازگزار را در بر می‌گیرد حسرت می‌خورد».



نماز تعطیلی ندارد

در بین واجبات، عملی وجود دارد که نه‌تنها باید هر روز بر انجام آن همت گمارد، بلکه روزانه در پنج نوبت باید اقامه گردد و به‌خاطر اهمیت و گستره‌ی اثربخشی آن، تحت هیچ شرایطی اجازه ترک آن از ناحیه خدای حکیم صادر نشده و حتی در سخت‌ترین وضعیت^{۱۱} نیز انسان موظف به انجام آن شده است.^{۱۲} همه‌ی این دستورها و تأکیدها، انسان را متوجه این مطلب می‌کند که اگر جایگاه و اهمیت نماز، جایگاه ویژه و خاصی نبود، تأکید این‌چنینی لازم نداشت و نیز نماز، بهترین،^{۱۳} کامل‌ترین^{۱۴} و مهم‌ترین عبادت^{۱۵} در بین عبادات نامیده نمی‌شد. خود این اهتمام و تعبیر، نشانگر این مطلب است که نماز در رساندن انسان به هدف خلقت، نقش بسیار حساس و مهمی را ایفا می‌کند.

مطلب آخر اینکه چون نماز رحمت الهی را سرازیر می‌کند و همین رحمت است که انسان را در مسیر رشد و تعالی قرار داده و به هدف خلقت نزدیک

بی‌نوشت

۱. به عنوان کارشناسی که پنج سال است درباره نماز مشغول فعالیت هستم و تقریباً به تمام استان‌های کشور مسافرت‌هایی را در این خصوص داشته‌ام، به این مسئله مهم و اساسی دست یافته‌ام.
۲. حجر: ۲۹.
۳. اسراء: ۶۱.
۴. بقره: ۳۰.
۵. مؤمنون: ۱۴.
۶. بقره: ۲۱۲ و ۲۹ و ۱۶۶؛ ابراهیم: ۳۲ و ۳۳ و ۳۴؛ نحل: ۱۲.
۷. شیخ حر عاملی، الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه، ص ۷۱۰.
۸. نجبه: ۸ - ۱۸؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۸۲.
۹. ذاریات: ۵۶.
۱۰. مانند روزه.
۱۱. رک: شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، باب صلاه العریق و المتوجّل و المضطر بغیر ذلک، ص ۱۷۴.
۱۲. بقره: ۲۳۹؛ نساء: ۱۰۲.
۱۳. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۶۴.
۱۴. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۴۷۲.
۱۵. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۳۷.
۱۶. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۰۷.



یکی از مسائل مهمی که در همه تکالیف دینی و از جمله نماز باید به آن توجه شود، وضعیت خاص و اضطراری است؛ یعنی موقعیتی که انسان مجبور می‌شود دست از وظیفه خود بکشد یا تکلیف اولیه خود را به تکلیف ثانویه تبدیل کند و وظیفه خود را به گونه‌ای غیر از حالت عادی انجام دهد.

سیری چند؟» در هر حال سفر چه از نوع اول باشد و چه از نوع دوم، برای خود اقتضائاتی دارد.

سفر و دغدغه‌های نمازی

در ایام سفر خیز سال معمولاً هر صنف و گروه یا نهاد و مرکزی، از خدمتگزاران عرصه بهداشت و سلامت گرفته تا مسئولان امنیت جاده‌ها و حتی کارشناسان محیط زیست و هواشناسی و... در مورد سفر توصیه‌ها و پیشنهادهایی دارند. انجام وظایف و تکالیف دینی در طول سفرهای کوتاه و بلند نیز نیازمند توصیه‌ها و تمهید مقدماتی است که جا دارد به جامعه مؤمن و متعهد ما گوشزد شود.

از آنجا که در میان همه وظایف دینی، نماز به عنوان یکی از مهم‌ترین تکالیف دینی حضوری پررنگ و مستمر در زندگی روزانه ما دارد، معمولاً در تمام سفرها - هرچند سفری کوتاه و نیم‌روزی باشد - باید به مسائل و احکام این تکلیف واجب توجه داشت تا سفرمان با دغدغه و نگرانی ضایع شدن تکالیف الهی همراه نباشد.

ما در شماره قبل مقدماتی کلی درباره این مسئله بیان کردیم و از این شماره، ان‌شاءالله به نکات و احکام خاص مرتبط با نماز در سفر خواهیم پرداخت و از همه نکات و پیشنهادهای مخاطبان محترم نیز

کمال استقبال را خواهیم نمود.

با اختیار، بی‌اختیار

یکی از مسائل مهمی که در همه تکالیف دینی و از جمله نماز باید به آن توجه شود، وضعیت خاص و اضطراری است؛ یعنی موقعیتی که انسان مجبور می‌شود دست از وظیفه خود بکشد یا تکلیف اولیه خود را به گونه‌ای غیر از حالت عادی انجام دهد. مثلاً کسی که نمی‌تواند نماز را ایستاده بخواند، موظف است که نماز خود را نشسته بخواند یا کسی که امکان وضو ندارد، باید با تیمم طهارت خود را حاصل کند.

اما سخن اینجا است که آیا انسان می‌تواند بدون ضرورت کاری را انجام دهد که منجر به اضطرار و عدم امکان انجام تکلیف اولیه شود؟

مثلاً ما می‌دانیم راننده یک وسیله نقلیه با کمال تأسف، خودش نماز نمی‌خواند و حاضر نیست در وقت نماز ماشین را متوقف کند؛ در نتیجه کسی که شب سوار ماشین او شود، یا باید قید نماز را بزند یا نماز صبحش را نشسته و بدون وضو و رعایت قبله بخواند. حال اگر مسافرت ما مستلزم حضور در چنین وضعیتی بود، تکلیف چیست؟

در این مسئله دقیق باید چند محور را مورد توجه قرار

داد؛ از جمله اینکه بین وضعیت ترک تکلیف با تغییر وظیفه از شکل اولیه به ثانویه تفاوت وجود دارد. مثلاً اگر شما در روز ماه رمضان به مکانی بروید که حفظ روزه در آن ممکن نیست و برای مثال باید سر خود را به زیر آب ببرید یا به زور شما را مجبور به خوردن غذا می‌کنند، این امر قطعاً صحیح نبوده و مورد قبول هیچ کارشناسی نیست؛ زیرا این اضطرار به واسطه عملی اختیاری و عمدی انجام شده است و شما با اختیار خود باعث باطل شدن روزه‌تان شده‌اید.

اما در مورد اموری مانند نماز که به هیچ وجه قابل‌ترک نیستند و در بدترین وضعیت و حتی بدون امکان وضو و تیمم و کمترین حرکت بدن هم می‌توان آن را انجام داد، باید گفت قرار گرفتن در وضعیت ترک وظیفه اولیه دو حالت دارد: یا این عمل ما قبل از دخول وقت و اذان انجام می‌شود یا بعد از آن. مثلاً شما بعد از نماز مغرب سوار ماشینی می‌شوید که می‌دانید تا نیمه‌شب برای خواندن نماز توقفی ندارد. در این صورت نیز قرار دادن اختیاری خود در موقعیتی که انسان مجبور شود به تکلیف اضطراری عمل کند، جائز نیست؛ در نتیجه مسافرت با خطوط هوایی که ساعات پرواز آنها با وقت نماز هماهنگی ندارد؛ مثلاً در ابتدای اذان باید در گیت پرواز حاضر شد و بدون خواندن نماز در موقعیت

تشریفات پرواز قرار گرفت، صحیح نیست. بر این اساس باید بی‌خیال سفر با پرواز چارتر با قیمت استثنائی شد یا عای تورهای تفریحی و ارزان‌قیمت را که حاضر به رعایت ضوابط الهی نیستند، به لقایشان بخشید. اما اگر مسئله به شکل دیگری بود، یعنی اقدام به سفر و قرار گرفتن در موقعیت اضطراری قبل از اذان انجام شود، تکلیف چیست؟

قربان فقه و فقاقت

به نظر بسیاری از بزرگان دین، تکلیف واجب برای انجام هر عمل در زمان خاص خودش به عهده مکلفان قرار می‌گیرد و این طور نیست که مثلاً با رسیدن به سن تکلیف، تمامی نمازهای تا آخر عمر بر ما واجب شود؛ بلکه هر نماز زمانی بر انسان واجب می‌شود که وقت اذان همان نماز فرا برسد. بر اساس این قاعده فقهی اگر انسان قبل از واجب شدن یک نماز کاری کند که امکان انجام شکل اولیه نماز را نداشته باشد، در بسیاری از موارد اشکالی ندارد؛ مثلاً کوه‌نوردانی که در کوه‌پیمایی‌های چندروزه باید از کمپی به کمپ دیگر حرکت کنند و در بین مسیر به هیچ وجه امکان وضو گرفتن ندارند، اگر قبل از اذان حرکت کرده باشند، می‌توانند



{سری از اسرار}

نگاهی به اسرار الصلاة در بیان بزرگان | صدرا یزدی

آیت حق عارف ربانی، آقا میرزااجواد ملکی تبریزی سعادت ظاهری و باطنی در طهارت است.^۲ برخی دیگر از این بزرگان نیز طهارت دائمی (دائم الوضو بودن یا عدم تأخیر غسل واجب) را از امور ضروری یک سالک دانسته‌اند.^۳ علامه حسن‌زاده آملی طهارت انسان را از جمله شروط تأثیر اذکار و اوراد وارد شده می‌داند^۴ و سید بحر العلوم حتی طهارت مکان را نیز به این شروط اضافه کرده است.^۵

مراتب طهارت

عده‌ای از بزرگان برای طهارت چهار مرتبه قائلند که طهارت هر مرتبه به حسب خود آن مرتبه است:^۶

۱ پاک نمودن ظاهر از چرک و نجاسات و ... در این مرحله نجاست هر چیز با پاک‌کننده مخصوص خود پاک می‌شود که در کتاب‌های فقهی بیان شده و معمولاً این پاک‌کننده، آب است.

۲ پاک کردن اعضای بدن از اعمال خلاف شرع. پاک‌کننده در این مرحله، توبه نصح و اطاعت از اوامر و نواهی الهی است.

۳ تطهیر قلب از رذایل اخلاقی. اهمیتش بیشتر و دشوارتر است؛ زیرا تا باطن انسان را آلودگی‌های معنوی احاطه نموده، لایق مقام

گفته‌اند که نماز ستون دین است، ذکر خدا است، معراج مؤمن است و...^۷ اولیای دین صدها اثر و فایده برای نماز برشمرده‌اند که نشان از بزرگی این فریضه روح‌بخش دارد. یک مسلمان در طول عمر خود بارها این فریضه را انجام می‌دهد، ولی کم مسلمانانی پیدا می‌شود که به دنبال کشف اسرار این عمل عبادی باشد؛ عملی که از نظر کمیت، مختصر است، ولی از نظر کیفیت، هم‌سنگی برای آن نیست. توجه به همین واقعیت بود که بسیاری از علمای علم اخلاق و عرفان را برآن داشت تا کتاب‌هایی تحت عنوان اسرار الصلاة، سر الصلاة، آداب الصلاة و کتاب‌هایی از این‌دست را به رشته تحریر و تألیف درآورند. در این سلسله از یادداشت‌های کوتاه در نشریه، بر آئیم با نگاهی گذرا به بخش‌هایی از این کتاب‌ها، سری از اسرار نماز و متعلقات آن را از قول علمای عامل بازگو کنیم. باشد تا مورد توجه خوانندگان محترم واقع شود.



طهارت

طهارت و پاکی از آلودگی‌های ظاهری و باطنی در اسلام اهمیت بالایی دارد؛ به طوری که اهل طهارت و پاکان، محبوبان خداوند خطاب گرفته‌اند.^۱ به گفته

کوتاه

این همه بی‌نماز هست!



می‌خواست برگرده جبهه پهنش گفتم: پسرم! تو به اندازه سنت خدمت کردی، بذار اونایی برن جبهه که نرفته‌اند. چیزی نگفت و ساکت یه گوشه نشست... وقت نماز که شد، جانمازم رو انداختم که نماز بخونم، دیدم اومد و جانمازم رو جمع کرد... خواستم پهنش اعتراض کنم که گفت: این همه بی‌نماز هست! اجازه بدید کمی هم بی‌نمازا، نماز بخونند. دیگه حرفی برای گفتن نداشتم. خیلی زیبا، بجا و سنجیده جواب حرف بی‌منطق من رو داد. ■



در مسیر بدون وضو و با تیمم نمازشان را بخوانند. به همین نسبت قرار گرفتن در موقعیتی که امکان خواندن نماز به شکل کامل و با رکوع و سجود عادی و با رعایت قبله در آن ممکن نباشد، مانند سفر با کشتی در صورتی که قبل از اذان انجام شود، طبق نظر بیشتر مراجع منعی ندارد.

البته بدیهی است که در این مسئله هم مانند هر مسئله دیگر اختلافاتی وجود داشته باشد و برخی از مراجع، این مبنا را قبول نداشته و مثلاً به کسی که مقدار کمی آب دارد و نمی‌تواند آب تهیه کند، اجازه نمی‌دهند که قبل از وقت اذان این آب را بی‌دلیل بریزد تا بعد از اذان برای نمازش تیمم کند. به عبارت روشن‌تر، یعنی اجازه فعل اختیاری برای از دست رفتن مصلحت تکلیف اولیه را نمی‌دهند. در نتیجه نفس این قانون که در دیدگاه دسته اول مراجع وجود دارد، در بسیاری از موارد راهگشا و حلال بسیاری از دغدغه‌ها خواهد بود. ■



قدس نمی‌شود؛ بلکه مبدأ گناهان ظاهری، ملکات فاسد باطنی است و اگر سالک به توبه موفق شود، استقامت در آن که از مهمات است، برایش میسر نمی‌شود و این مرتبه با آراسته شدن به فضائل اخلاق و برترین‌های ملکات حاصل می‌گردد.

۴ تطهیر درون از غیر خدا؛ یعنی عدم توجه به مخلوق در تمام شئون زندگی که این قسم مخصوص انبیاء و صدیقین است. اساسی‌ترین مرتبه است؛ زیرا تا ریشه تعلق قلب به غیر خدای متعال و توجه به خود و حب نفس و حب دنیا که بالاترین خطاها و مادر همه امراض است، در قلب سالک وجود دارد، سیر او به سوی نفس و شیطان است.^۷

علمای بزرگ و عرفای وارسته از پاکی جسم و وجوب پاک نگهداشتن آن، به ویژه هنگام اعمال عبادی، به وجوب پاک نگه داشتن نفس انسانی از آلودگی‌ها و رذایل اخلاقی و مطهر کردن حقیقت انسان به فضائل اخلاقی پی برده‌اند و سالکان راه را به واسطه همین تذکرات از خواب غفلت بیدار کرده‌اند. چگونه است که هنگام نماز بدن باید از هرگونه خباثت و نجاست تطهیر شود، ولی انسانی که همواره در محضر خداوند است، نفس و روحش

آکنده از رذایل و آلودگی‌های نفسانی باشد؟ شهید ثانی (ره) می‌فرماید: لازم است انسان برطرف کردن نجاسات، تطهیر قلب از نجاسات و زشتی‌های اخلاقی را یادآور شود.^۸ برای مثال وقتی برای قضای حاجت می‌رود، نقص و قصور خود را به نظر آورد و خود را تصور کند که چگونه اندرون او آکنده از آلودگی است و چون به فراغت از قضای حاجت سبک‌بار گردد، اخلاق ناپسند خود را یاد آورد که نجاسات باطنیه هستند و در باطن او جمع گشته‌اند و متوجه باشد که اگر آنها را از خود دور کند، جان او به راحتی می‌افتد و دل او از چرکینی آنها پاک می‌شود و شایستگی وصول به حرم قرب الهی را می‌یابد.^۹ پس همان‌گونه که در بیرون کردن نجاست‌های ظاهری برای راحت کوتاه مدت دنیوی سعی می‌کند، سزاوار است که در اخراج پلیدی‌های باطنی و نجاست‌های درونی که در عمق وجود او فرو رفته و تباہ‌کننده است، بکوشد تا روح و بدن او در دنیا و آخرت برای همیشه استراحت کند.^{۱۰} همچنین آدمی باید تأمل کند که آنچه از غائط و نجاست که از او دفع شده، همان خوراک‌های لذیذی بود که در طلب آنها حرص می‌ورزید و هر چه لذیذتر باشد، بدبویی آن بیشتر است. پس چیزی که عاقبت آن

این باشد، باید از اینکه آن را از حرام به دست آورد و به سبب آن تا ابد در عذاب باشد، بپرهیزد.^{۱۱}

وضو

وضو به ظاهر یک یا دو دقیقه به طول می‌انجامد، ولی علاوه بر طهارت بدن از حدث اصغر، باعث زدوده شدن گناهانی می‌شود که انسان با چشم و دست و پاهایش انجام داده است.^{۱۲} مرحوم نراقی بر همین اساس می‌فرماید: در وضو ابتدا امر به شستن صورت شده است؛ زیرا اکثر حواش ظاهری که دنبال تمایلات دنیوی هستند، در آنجا قرار دارند. بعد از آن، تکلیف به شستن دست‌ها شده است؛ زیرا آدمی بیشتر امور دنیوی را به کمک آنها انجام می‌دهد. سپس به مسح سر امر شده که منبع اکثر خیالات فاسده است. پس به مسح پاها که واسطه حرکت به سوی بسیاری از خواهش‌های دنیوی هستند، [امر] گردیده است.^{۱۳} بنابراین هدف از وضو فقط شستن اعضا نیست؛ بلکه پاکیزه ساختن ظاهر و باطن آدمی از هرگونه پلیدی جسمی و معنوی است.^{۱۴}

با توجه به این مطالب به یاد داشته باشیم که هنگام

وضو نهنه‌تها باید به دنبال پاکیزگی ظاهری بود، بلکه باید به این امر نیز توجه داشت که اعضای صورت، دست‌ها، سر و پاها هر کدام به نحوی انسان را در مسیر آلودگی‌های نفسانی قرار می‌دهند و توجه به این آلودگی‌ها و بازگشت حقیقی به سوی پروردگار هدف اصلی انسان در طهارت باشد و تکرار و تذکر به این امر نیز در تعالی روحی و عدم بازگشت به سمت گناه بسیار موثر خواهد بود. ■

● پی‌نوشت

۱. بقره: ۲۲۲.
۲. میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، اسرار الصلاة، ص ۹.
۳. سید بحر العلوم، رساله سیر و سلوک (تحفة الملوک)، ص ۵۲.
۴. حسن حسن‌زاده آملی، نور علی نور، ص ۶۲.
۵. سید بحر العلوم، رساله سیر و سلوک (تحفة الملوک)، ص ۱۶۱.
۶. شیر سیدعبدالله، الاخلاق، ترجمه محمدرضا چپاران، ص ۵۲.
۷. ر.ک: موسوی خمینی، آداب الصلاة، ص ۵۶ - ۶۱.
۸. سیدعبدالله شیر، الاخلاق، ص ۵۳.
۹. احمد نراقی، معراج السعاده، ص ۸۳۹.
۱۰. محمد مهدی نراقی، علم اخلاق اسلامی: ترجمه جامع السعادات، ترجمه مجتبی، ج ۳، ص ۳۹۲.
۱۱. همان.
۱۲. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ص ۱۶۱.
۱۳. احمد نراقی، معراج السعاده، ص ۸۴۰.
۱۴. میرزا جواد ملکی تبریزی، اسرار الصلاة، ص ۱۱۴.

مهارت



به کوشش: اصغر آیتی

نکته‌های از عالم

نماز پشت سر تون ممنوع!



حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی در خصوص اهمیت نماز اول وقت، خاطره‌ای بدین مضمون از علامه طباطبائی نقل کردند:

هنگامی که علامه طباطبائی برای عمل جراحی چشم به خارج سفر کردند، در راه، نماز را در هواپیما خواندند و از این جهت خیلی غمگین و ناخرسند شدند. پس از عمل، جراح به ایشان گفت: «خوشبختانه جراحی چشم شما با موفقیت همراه بود». علامه فرمودند: «اما من بسیار ناراحتم!». طیب علت ناخرسندی ایشان را پرسید. علامه گفتند: «هنگام آمدن، نماز را در هواپیما خواندم و نتوانستم آن‌گونه که شایسته بود، آن را به‌جا آورم. از اینکه در بازگشت هم باید نماز را در هواپیما بخوانم، افسرده‌ام». آن پزشک با شرکت هواپیمایی گفتگو می‌کند تا شرکت، پرواز را تنظیم و در جایی توقف کند که علامه نمازشان را روی زمین بخوانند؛ اما شرکت پاسخ می‌دهد که چنین چیزی برایش ممکن نیست. پزشک بار دیگر با یک شرکت هواپیمایی خصوصی صحبت می‌کند و آنان می‌پذیرند که در میان راه، در فرودگاهی توقف کنند تا علامه طباطبائی نمازشان را روی زمین و آن‌گونه که می‌پسندند، به‌جا آورند.

اهمیت دادن صاحب تفسیر المیزان به نماز اول وقت باعث شد تا شرکت هواپیمایی

انگلیس به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که علامه طباطبائی نماز خود را در یکی از فرودگاه‌ها اقامه کند.

این عمل علامه نشان از اهمیت فوق‌العاده نماز اول وقت دارد. اما متأسفانه وضع نماز در کشور ما، شایسته نام آن نیست؛ مثلاً بازار ابوسفیان در مکه برای نماز تعطیل می‌شود، ولی بازار امام رضا علیه السلام در مشهد باز است، در آموزش و پرورش، شصت هزار گروه سرود داریم، ولی گروه اذان نداریم.

معتاد و شرابخوار را از اداره بیرون می‌کنیم، اما با تارک‌الصلوه هیچ برخوردی نمی‌کنیم. چه کسی جوابگو است؟ اینکه اتاق رئیس قشنگ‌تر از نمازخانه است، چه معنایی دارد؟ باید نماز را از غربت بیرون بیاوریم.

تبلیغ نماز به اندازه‌ای تأثیر دارد که خلبان شهید عباس بابایی، با اقامه آن بر استاد خود در آمریکا تأثیر گذاشت، و یک کشاورز الجزایری نیز با نماز خواندن در مزرعه خود، یک دانشمند فرانسوی را مسلمان کرد.

قرائتی افزود: اقامه نماز آن است که به صورت علنی خوانده شود. متأسفانه فوتبالیست‌های ما پشت ستون نماز می‌خوانند، ولی در کشورهای دیگر، مسلمانان فوتبالیست، در زمین چمن نماز می‌خوانند.

این وضعیت، شایسته کشور جمهوری اسلامی ایران و مردم ما نیست.

بفرمایید نماز

مقاله

مخاطب‌شناسی در دعوت به نماز

سیدعبدا... بحرینی

انسان برای رسیدن به هدف خلقت و رشد انسانی، به عبودیت و بندگی نیاز دارد و با آرامش روحی، روانی و بهداشت اجتماعی می‌تواند به رشد، کمال، اهداف عالی، فضایل و سجایای اخلاقی برسد. از سوی دیگر، سلامتی روحی و روانی در صورتی تأمین می‌شود که از علل و عوامل بیماری‌زای آن پیشگیری شود. اگر ریشه‌های انحراف اخلاقی و فساد اجتماعی را در جامعه خود بررسی کنیم، به یکی از علل آن می‌رسیم که «ضعیف بودن ارتباط انسان‌ها با خدا و اقامه نکردن نماز» است. از آنجا که نماز دارای آثار دنیوی و اخروی، مادی و معنوی فراوان است، می‌توان آن را از بهترین عوامل و موانع معنوی در برابر انحرافات دانست؛ اما متأسفانه بعضی افراد به این منبع پر فیض اهمیت نمی‌دهند و به آن بی‌توجهی می‌کنند که این مسئله

حاصل چند عامل است:
 الف) ناآگاهی از آثار و اهمیت نماز؛
 ب) نداشتن انگیزه قوی برای خواندن و اقامه نماز؛
 ج) فراهم نبودن زمینه عاطفی و محیطی برای برگزاری نماز؛
 د) وجود موانعی که انسان را از فیض نماز محروم می‌کند؛
 ه) عدم آگاهی از پیامدهای ترک نماز و دوری از یاد خدا؛
 و) نداشتن مهارت‌های لازم جهت دعوت و هدایت به نماز.

راهکارهای مؤثر و عملی دعوت به نماز

در این شماره از مجله و دیگر شماره‌ها به معرفی و تبیین این راهکارها پرداخته می‌شود.



لزوم و ضرورت شناخت مخاطب با استفاده از

قرآن و سیره معصومین

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «ما گروه پیامبران مأموریم با مردم به اندازه عقل و خرد آنها سخن گوییم»^۱. در قرآن کریم نیز در برخورد و تعامل با دیگران از نکات قابل توجهی استفاده شده است. برای مثال: السف) نقطه شروع ارتباط با مخاطب با گفتگوی صمیمانه: در برخورد با فرعون، خداوند چنین دستور می‌دهد: «فقولا له قولاً لئیناً»^۲ پس با نرمی با او سخن بگویید». حتی با سرکش‌ترین افرادی نیز باید با نرمی و لطافت سخن گفت.

ب) در نظر گرفتن ظرفیت مخاطب: «الآن خفف الله عنکم و علم ان فیکم ضعفاً»^۳ اکنون خداوند (در امر جهاد) بر شما تخفیف داد. «باید حالات روحی مردم را در نظر گرفت و دستوری فوق طاقت یا فهم و عقل آنان صادر نکرد.

احکام اسلام هماهنگ با توان و امکانات انسان است و هیچگاه عسر و حرج به دنبال ندارد؛ چنان‌که برای بیمار، تیمم را به جای وضو قرار داده، نماز را در هر حالتی که می‌تواند بخواند، تکلیف کرده، روزه را از او برداشته و به جای آن کفاره قرار داده است.

ج) در نظر گرفتن گرایش مخاطب: از عصای حضرت موسی ﷺ معجزات مختلفی نمایان شد، مثل اژدها شدن و شکافتن آب دریا،^۴ به سنگ خوردن و چشمه‌های آب از آن جوشیدن.^۵ عصاره حضور خود موسی ﷺ مار کوچک و پرتحرکی شد و موسی فرار کرد،^۶ در حضور مردم مانند مار معمولی حرکت می‌کرد^۷ و در حضور فرعون ماری بزرگ و



بنده متقدم قبل از هر چیز باید مسئولان جامعه مورد خطاب قرار گیرند؛ زیرا رسول اکرم (ص) در روایتی فرموده‌اند که اگر حاکمان و عالمان اصلاح شوند، به دنبال آن افسار مختلف جامعه نیز اصلاح می‌شوند. با توجه به این روایت، کسانی که در صدر امور حکومتی و اجرایی هستند و زمامداری بخش‌های مختلف کشور را بر عهده دارند، اگر نگاه ویژه‌ای به «نماز» داشته باشند، قسمت عمده مشکلات نماز در جامعه حل خواهد شد.

هزار و یک نکته ناگفته

گفتگو با حجت‌الاسلام حسین دیلمی | مرتضی ناصحی

درباره نماز، کتاب اذان، گلبانگ توحید را به تألیف رساند و در کنار تحصیل و تدریس دروس جوزوی، چندین کتاب و کتابچه دیگر نیز مانند نکته‌های نورانی و نماز شب به چاپ رساند. به گفته ایشان نگارش اولیه جلد دوم کتاب هزار و یک نکته درباره نماز نیز آماده شده است که به زودی به انتشار خواهد رسید.

همچنین تألیف و انتشار مداوم «سالنامه غدیر» در ده سال گذشته که سرشار از نکات مفید در باب ترویج معارف دینی است و در هر جلد آن بیش از دو هزار نکته بیان شده، از دیگر فعالیت‌های

حجت‌الاسلام حسین دیلمی از طلاب نویسنده و پژوهشگر حوزه علمیه قم است که از سال ۱۳۷۴ به صورت جدی در حوزه نماز شروع به پژوهش و مطالعه نموده است. حاصل دو سال مطالعه مستمر ایشان کتاب هزار و یک نکته درباره نماز است که به عنوان کتاب برگزیده نخستین جشنواره کتاب نماز نیز شناخته شد و تاکنون پانزده نوبت به چاپ رسیده است.

حجت‌الاسلام دیلمی به صورت ویژه به مسئله نماز پرداخته و تاکنون همواره در این موضوع به پژوهش مشغول بوده است. پس از کتاب هزار و یک نکته

او نقش دوربین عکاسی را بازی می‌کند و از همه جریان‌ها و صحنه‌ها عکس برمی‌دارد. گوش او همچون دستگاه ضبط صدا هر چه را بشنود، ضبط می‌کند، اگرچه مفاهیم آن را در نیابد. سایر حواس او نیز این‌گونه است.

توان تقلید از ماه چهارم ولادت به صورت بسیار ضعیف در کودک ظاهر می‌شود؛ ولی در اواخر این مرحله شدیداً قوت می‌گیرد. کودک دوست دارد از والدین - مخصوصاً از مادر و سپس از پدر خود - تقلید کند. از این رو به اعمال عبادی مادر و به خم و راست شدن او هنگام نماز حساس است.

حیات در کودک صورتی فعال دارد و با تمام قوا پیوسته در حرکت است. کودک شدیداً مقلد است و دامنه تقلیدش دائماً وسیع‌تر می‌شود. هفت سال نخست مرحله اعتماد و اطمینان است؛ اطمینان به پدر و مادر و هرکسی که به او محبت کند. هر سخنی که از آنها بشنود، به منزله وحی منزل است و آن را درست می‌پندارد؛ بنابراین میل به همانندسازی در او قوی است؛ لذا دوست دارد مثل پدر یا مادرش باشد. اگر والدین را اهل عبادت و نماز ببیند، دوست خواهد داشت مانند آنان عمل کند.

در یادداشت‌های بعدی نکات دیگری را درباره امر دعوت به نماز مطرح خواهیم کرد. ■

● پی‌نوشت

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۴۰.
۲. طه: ۴۴.
۳. انفال: ۶۶.
۴. شعراء: ۶۳.
۵. بقره: ۶۰.
۶. نمل: ۱۰.
۷. طه: ۲۰.
۸. اعراف: ۱۰۷.
۹. ابراهیم: ۴.
۱۰. محمدجواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل‌بیت (علیهم السلام)، ص ۱۲۹.

اژدها شد.^۸

بنابراین در تبلیغ و تربیت و دعوت، باید نوع و گرایش مخاطب را در نظر گرفت و هر کدام را با توجه به موقعیت خودش قانع کرد.

د) آشنایی با زبان و فرهنگ مخاطب: «ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه»^۹ هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر به زبان قومش». مراد آسان و قابل فهم گفتن است به گونه‌ای که مردم پیام الهی را بفهمند. با توجه به نکات فوق و مواردی که در آینده می‌آید، می‌توان به ضرورت شناخت مخاطب در دعوت به نماز پی برد.

دعوت به نماز غیر از وجوب نماز است. بدین معنی که برخی می‌پندارند برای مثال فرزند را باید از نه یا پانزده سالگی به نماز دعوت کرد، درحالی‌که نماز یکی از مهم‌ترین آموزه‌های تربیت دینی است و اگر زمینه‌های لازم پیش‌بینی و رعایت نشود در دعوت به این فریضه الهی به مشکل برمی‌خوریم.

با توجه به بحث ضرورت شناخت مخاطب و لزوم توجه و برنامه‌ریزی در جهت تربیت دینی، دین کامل اسلام مهم‌ترین دوره شکل‌گیری شخصیت انسان را به سه دوره تقسیم می‌کند: ۱. هفت سال اول؛ ۲. هفت سال دوم؛ ۳. هفت سال سوم.

بخش عمده پیروزی‌ها و موفقیت‌ها، و شکست‌ها و نابسامانی‌های دوره بزرگ‌سالی، در کمال یا سوء تربیت دوره کودکی و نوجوانی ریشه دارد.^{۱۰}

ویژگی‌های هفت سال اول

در این دوره کودک حیاتی اتکالی دارد و تحت حضانت و ولایت است؛ لذا القائات و تلقینات دیگران در او شدیداً تأثیر دارد و از خود طرح و فکر و بینشی ندارد. کودک شدیداً رنگ‌پذیر و بسیار انعطاف‌پذیر و در مسیر تشکیل و تکون شخصیت است. چشم و

کودک شدیداً مقلد است و دامنه تقلیدش دائماً وسیع‌تر می‌شود. هفت سال نخست مرحله اعتماد و اطمینان است؛ اطمینان به پدر و مادر و هرکسی که به او محبت کند. هر سخنی که از آنها بشنود، به منزله وحی منزل است و آن را درست می‌پندارد؛ بنابراین میل به همانندسازی در او قوی است؛ لذا دوست دارد مثل پدر یا مادرش باشد. اگر والدین را اهل عبادت و نماز ببیند، دوست خواهد داشت مانند آنان عمل کند.



پژوهشی حجت‌الاسلام دیلمی است. دو دهه فعالیت علمی و پژوهشی در باب نماز، ما را بر آن داشت که در نشستی صمیمانه با ایشان به مسئله نماز و ابعاد مختلف آن در جامعه بپردازیم.

انگیزه شما از تألیف کتاب هزار و یک نکته درباره نماز چه بود و این کتاب چه ویژگی بارزی دارد؟

بنده در درجه اول به عنوان یک طلبه و سرپای امام زمان عج و وظیفه خود می‌دانستم که در حوزه نماز فعالیت پژوهشی انجام دهم؛ چراکه یکی از مهم‌ترین وظایف طلاب، مطالعه در مورد نماز و البته به تألیف رساندن پژوهش‌ها و مطالعاتشان است. نماز، اگر مهم‌ترین دغدغه نباشد، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که هر مسلمانی باید در مورد آن مطالعه و پژوهش نماید؛ زیرا در آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيُعْبُدُونِ» خداوند علت خلقت جن و انسان را عبادت بیان کرده و یکی از مهم‌ترین جلوه‌های پرستش و عبادت، «نماز» است. اگر بخواهیم نماز را از زندگی و رابطه انسان و خدا حذف کنیم، هیچ چیزی برای انسان نمی‌ماند. همچنین با توجه به آیه «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^۲ یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های یاد خداوند، نماز است؛ لذا این موضوع را برای اولین و مهم‌ترین پژوهش خود انتخاب و نکاتی را در این باره تقدیم جامعه کردم.

اما در مورد ویژگی‌های بارز این کتاب، ابتدا باید تأکید کرد که جامعیت موضوعی این کتاب درباره داشت؟

وضعیت عمومی جامعه، فرهنگ، اقتصاد، مسوولان و ... در مسئله ریش نمازگران تأثیرگذار هستند. وقتی اختلاف طبقاتی در جامعه به بیشترین حد خود می‌رسد و مهم‌تر آنکه برخی از مسوولان کشور از طبقات مرفه جامعه هستند، چگونه می‌توان از جوانان جامعه که مهم‌ترین دغدغه آنها اقتصاد است، توقع نماز خواندن داشت؟

نماز، مهم‌ترین ویژگی آن است که شامل فهرستی موضوعی در مورد تمام مسائلی است که با نماز مرتبط می‌باشد. جامعیت این کتاب به این معنی است که تمامی مسائل ریز و درشت نماز، مانند کودکان و نماز، جهان هستی و نماز، و الگوهای نماز بررسی شده است که البته به دلیل پربار بودن این نکات و ظرفیت کار و پژوهش بیشتر در مورد آنها، بنده این کتاب را کامل نمی‌دانم؛ از این رو تصمیم به تألیف جلد دوم آن گرفتم.

«روانی قلم و پرهیز از نکات تخصصی» از دیگر ویژگی‌های مهم این کتاب است. نکته دیگر آنکه در مقایسه با کتاب‌هایی که بزرگان و اهل فن درباره نماز نوشته‌اند، از مطالب کاربردی بیشتری برخوردار است.

سومین ویژگی این کتاب عمومی بودن است که باعث شده است عامه مردم از نوجوانان گرفته تا کهن سالان، بتوانند از مطالب آن استفاده لازم را ببرند.

فهرست اعلام و فهرست موضوعی، دیگر ویژگی این کتاب است که البته لازمه هر کتابی است و کمک بسیار خوبی به مطالعه‌کننده و محقق می‌کند.

به نظر شما جای چه مباحثی در این کتاب خالی است که در کتاب‌های دیگر باید به آنها پرداخته شود؟

یکی از خلأهای این کتاب که در زمان تألیف آن نیز از آن غافل نبودم، وجود نکاتی است که به طور خیلی خلاصه و مختصر در مورد آنها مطالب و نکاتی نوشته شده است. با وجود این ضعف، مهم‌ترین دلیل بنده برای انتشار کتاب، ادامه این کار و نوشتن جلد دوم هزار و یک نکته درباره نماز بود.

دومین مطلبی که می‌توان آن را کمبود یا ضعف کتاب قلمداد کرد، «پیام‌های کاربردی» در مسائل است که در این کتاب به طور مختصر درباره هر نکته از این پیام‌های کاربردی، سخنی گفته شده است که جا دارد به این پیام‌ها به طور مستقل و مفصل پرداخته شود که در آینده قصد تألیف این کتاب را

نیز دارم.

سومین مسئله پرداختن به نکات تحلیلی این کتاب و ارتباط هر نکته با دیگر نکات کتاب است. بسیاری از نکات این کتاب با موضوعات متعددی مرتبط است که خواننده برای رسیدن به این ارتباط، به زحمت می‌افتد. برای مثال «پیامبر در مسجد نماز جماعت می‌خواندند که صدای گریه کودکی را شنیدند. پیامبر نماز خود را به سرعت تمام کرد و وقتی اصحاب از ایشان علت را جویا شدند، فرمودند: مگر صدای کودک را نشنیدید؟» اولاً این روایت با چند موضوع مرتبط است: کودکان و نماز، زنان و نماز، پیامبر و نماز و موضوعات مختلف دیگر. نکته دوم اینکه اگر به طور تفسیری تحلیل شود، برداشتهای مختلف و پندهای بسیاری در زمینه‌های گوناگون دارد که به چند نکته تحلیلی از این روایت اشاره می‌کنم:

اولاً پیامبر رهبر امت اسلام است و حضورشان در مسجد و برگزاری نماز جماعت در مسجد نکته‌ای است که جای تحلیل و تفسیر بسیار دارد و می‌توان از آن برای امور سیاسی - اجتماعی استفاده کرد؛ چراکه بسیاری از نهادهای جمهوری اسلامی نمازهای روزانه خود را به جای مسجد، در نمازخانه برگزار می‌کنند. مطلب بعد حضور زنان در مسجد است که به تبع آن، بچه در آن مسجد گریه می‌کرد. سومین نکته تحلیلی این روایت آوردن کودکان و تأثیرات تربیتی - پرورشی آن است.

چهارمین نکته، وظیفه امام جماعت در وضعیت‌های مختلف است. از این نکات می‌توان پی برد که هر نکته در این کتاب، می‌تواند چندین تحلیل و تفسیر مختلف داشته باشد که باید در سال‌های آینده روی آنها به طور مستقل کار شود.

به نظر شما آیا تألیفات حوزه نماز پاسخ‌گوی نیاز مخاطبان جامعه در سنین مختلف، شهرهای مختلف، قومیت‌های مختلف و ... هست؟

قطعاً نمی‌توان مدعی شد که تألیفات و فعالیت‌های مختلف در حوزه نماز، نیازهای موجود

جامعه را کفایت می‌کند. بدون شک جای کار بسیار بیشتری وجود دارد. در مورد تنوع تألیفات نماز باید تصریح کرد که نه تنها باید به اقشار و سنین مختلف جامعه در فعالیت‌ها و تألیفات توجه شود، بلکه ضروری است که متناسب با قشر، فرهنگ، جنسیت و سنین مختلف، کتاب‌ها و جزوات متنوع تألیف شود. مهم‌ترین مسئله در این باره، نگارش کتابچه‌های مختصر و در کنار آنها کتاب‌های مفصل در مورد هر موضوعی است؛ چراکه در موضوعات مختلف دینی تألیف کتاب‌های مفصل به‌تنهایی جواب‌گوی نیاز جامعه نیست. بیشتر جوانان رغبتی به مطالعه کتاب‌های قطور و حجیم ندارند. چنانچه به هر موضوعی به طور خلاصه و در قالب یک کتابچه پرداخته شود، بدون شک استقبال بهتر و بیشتری صورت خواهد گرفت.

مقام معظم رهبری نیز فرموده‌اند: «از کتاب‌های معارف دانشگاه و پیش از دانشگاهی در موضوعات فقهی و احکام به صورت جزوه و پیام‌های صوتی و تصویری استفاده شود». البته باید بعد برون‌مرزی و بین‌المللی را نیز در نظر بگیریم. قطعاً با این روش‌های متنوع موفق خواهیم شد؛ زیرا همان‌طور که باید انقلاب اسلامی را صادر کرد و بُعدی بین‌المللی به آن داد، به معارف دینی، به خصوص مسائلی چون نماز نیز باید بُعدی برون‌مرزی و برون‌دینی بخشید.



در خصوص همکاری بنده با ستاد اقامه نماز، شاید زمینه‌ای برای همکاری وجود نداشته که ستاد اقامه نماز تاکنون از بنده دعوت به همکاری نکرده است.



پیامبر ﷺ واگذار شد که خانواده خود را ابتدا ارشاد کرده، سپس به تدریج اطرافیان و جامعه را به این مسئله واقف بنماید. وقتی از طرف خداوند مأموریتی القا می‌شود، باید آن مأموریت تمام و کمال انجام شود. مسئولان کشور نیز باید همانند پیامبر، نماز را گسترش و مردم را به سمت آن سوق دهند. البته امر به نماز به این معنا نیست که با اجبار جامعه را به آن سمت هدایت کنند؛ چراکه نماز به عنوان «معروف» شناخته می‌شود و روش‌های خاص خود را دارد که در این مختصر توضیح آن نمی‌گنجد.

۱۱ به عنوان یک پژوهش‌گر در حوزه نماز، تا چه اندازه با ستاد اقامه نماز در ارتباط بوده‌اید؟ آیا از فعالیت‌های ستاد اطلاع دارید؟ آیا ستاد اقامه نماز تا به حال از شما به عنوان یک نویسنده موفق در این حوزه دعوت کرده تا از تجربیات و دیدگاه‌های شما استفاده کند؟

بند به طور مستقیم با این نهاد هیچ ارتباطی نداشته‌ام؛ اما از بیشتر فعالیت‌های آن اطلاع داشته و از آن استفاده می‌کنم؛ به خصوص در حوزه نشر و برگزاری اجلاس نماز که تاکنون بیش از بیست نشست برگزار شده است. همچنین تجهیز مساجد و نمازخانه‌ها و ارتباط با ائمه جماعات از دیگر فعالیت‌های ستاد است که کم‌وبیش از آنها مطلع هستم. اما در خصوص همکاری بنده با ستاد اقامه نماز، شاید زمینه‌ای برای همکاری وجود نداشته که ستاد اقامه نماز تاکنون از بنده دعوت به همکاری نکرده است.

۱۲ چه انتقادی به ستاد اقامه نماز یا سایر ارگان‌های فرهنگی فعال در این عرصه وارد است؟

اگر بخواهم به نهادهای مرتبط با نماز، به خصوص ستاد اقامه نماز، انتقادی وارد کنم، باید تصریح کنم که حضور نهادهای حوزه نماز در میان مردم بسیار کم‌رنگ است. باید این ارتباط و حضور و نقش بیشتر شود تا جامعه به مسئله نماز اهمیت بیشتری دهد.

البته باید توجه داشت این مسئولیت فقط بر عهده ستاد اقامه نماز نیست؛ بلکه تک‌تک مسلمانان و در

و ... در مسئله ریزش نمازگزاران تأثیرگذار هستند. وقتی اختلاف طبقاتی در جامعه به بیشترین حد خود می‌رسد و مهم‌تر آنکه برخی از مسئولان کشور از طبقات مرفه جامعه هستند، چگونه می‌توان از جوانان جامعه که مهم‌ترین دغدغه آنها اقتصاد است، توقع نماز خواندن داشت؟

پیامبر اکرم ﷺ مردم را تشویق به نماز و گاهی متخلفان را توبیح می‌کرد. با این حال در زمان ساخت مسجد در کنار امت خود بود و همراه آنان برای مسجد خشت می‌ساخت. اما امروز کدام مسئولی را در مورد مسائل دینی و به خصوص نماز، دوش به دوش ملت و مردم می‌توان دید؟ مسئولان باید طوری زندگی کنند که مردم آنها را در کنار خود و همدرد خود بدانند.

وقتی مردم جامعه بین خود و تعداد قابل توجهی از مسئولان فاصله بسیار زیادی حس کنند - آن‌هم با وجود انقلاب اسلامی که یکی از مهم‌ترین شعارهای آن عدالت بود - دیگر رغبت و میلی به امور دینی نخواهند داشت. این مسئله به اندازه‌ای اهمیت دارد که رسول اکرم ﷺ در روایتی فرمودند: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا»^۳ نزدیک است که فقر به کفر انجامد». وقتی فقر بیاید، کفر نیز به همراه آن می‌آید. امروزه افراد زیادی از جامعه زیر خط فقر هستند؛ بنابراین طبیعی است که شاهد رویگردانی اشخاص از دین باشیم.

۱۳ به نظر شما آیا باید حکومت موانع نماز خواندن را برطرف کند یا اینکه علاوه بر رفع موانع، امر به نماز را هم در دستور کار قرار دهد؟

امر و تشویق جامعه به نماز یکی از مأموریت‌های خداوند به مسلمانان است. در ابتدا این امر به

را بر عهده دارند، اگر نگاه ویژه‌ای به «نماز» داشته باشند، قسمت عمده مشکلات نماز در جامعه حل خواهد شد.

توجه مسئولان کشور به نماز، موجب صرفه‌جویی در هزینه و نیرو می‌شود. علاوه بر این، وقتی مسئولی برای مسئله نماز به طور ویژه اهمیت قائل شده و از جان و مال و آبروی خود برای ترویج فرهنگ نماز و گسترش آن هزینه می‌کند، اقشار مختلف جامعه نیز تحت تأثیر رفتار آن مسئول، جذب نماز خواهند شد.

اولویت بعدی والدین هستند. زمانی که بتوان والدین را به نقطه‌ای از باور رساند که هر پدر و مادری به عنوان وظیفه باید فرزندان اهل نماز داشته باشند، جامعه‌ای نمازگزار خواهیم داشت و این کار والدین، باقیات الصالحاتی برای آنان خواهد بود که قطعاً آثارش هم در دنیا و هم در آخرت نصیب آنها خواهد شد.

سومین گروه مخاطب معلمان، استادان و مربیان است. قطعاً اگر نهادهای مرتبط با ترویج فرهنگ نماز، مانند ستاد اقامه نماز و مرکز رسیدگی به امور مساجد، بتوانند این قشر از جامعه را به سمت تربیت و پرورش در حوزه نماز هدایت و حمایت کنند، وضعیت بهتری را در این زمینه شاهد خواهیم بود.

۱۴ آیا جناب عالی قائل به افزایش افراد بی‌نماز در جامعه هستید؟ به نظر می‌رسد تعداد خانواده‌های مذهبی که فرزندان بی‌نماز دارند، متأسفانه رو به رشد است.

بند نیز به این مسئله واقف و معتقد هستم که تعداد افراد تارک الصلاه یا کم‌توجه به نماز در جامعه رو به رشد است؛ اما نکته مهم اینکه به هیچ عنوان نمی‌توان گفت تعداد افراد بی‌نماز از نمازگزاران بیشتر است.

البته طرح سؤال و یافتن پاسخ مشکلی را حل نمی‌کند و معضل ریزش تعداد نمازگزاران با بیان آمار و ارقام، حل نخواهد شد. باید عوامل آن را یافت و برای جلوگیری از آن، راه‌های کاربردی و مناسب ارائه و اجرا کرد.

وضعیت عمومی جامعه، فرهنگ، اقتصاد، مسئولان

۱۵ نظر شما در مورد موازی‌کاری نهادهای مختلف که در حوزه معارف دینی و با هدف و دغدغه‌های مشترک فعالیت می‌کنند، چیست؟

یکی از دلایل مهمی که موجب شد دست به چنین تألیفی بزنم، وجود کتاب‌های متعدد و گوناگون در حوزه نماز بود که مطالب تکراری و مشترکی را بیان می‌داشتند. این در حالی بود که در آن زمان، یعنی سال ۱۳۷۴ انتشار کتاب به مقیاس امروز بسیار کمتر بود و به سختی می‌شد مطلبی نو و کاربردی در حوزه نماز یافت.

امروزه این موازی‌کاری در تألیفات بیشتر شده است. هر نوع موازی‌کاری، نیرو و سرمایه را اتلاف می‌کند و این تکرارها بیشترین آسیب را به عرصه تألیفات دینی خواهد زد؛ لذا این روند باید دگرگون شود تا به جایگاهی برسیم که تمامی نهادهای مرتبط، به شکلی همدمند و نتیجه‌بخش، فعالیت‌های نو و مفیدی انجام دهند.

۱۶ به نظر شما فعالان فرهنگی در حوزه نماز، باید به کدام دسته از مخاطبان بیشتر توجه کنند؟

بند معتقدم قبل از هر چیز باید مسئولان جامعه مورد خطاب قرار گیرند؛ زیرا رسول اکرم ﷺ در روایتی فرموده‌اند که اگر حاکمان و عالمان اصلاح شوند، به دنبال آن اقشار مختلف جامعه نیز اصلاح می‌شوند. با توجه به این روایت، کسانی که در صدر امور حکومتی و اجرایی هستند و زمامداری بخش‌های مختلف کشور



کوتاه

{ همت نماز }



رأس آنها تمام مسئولان موظف به بها دادن و اهتمام به این مسئله مهم هستند. با نگاهی سطحی به نهادهای مختلف جامعه، از جمله صدواسیما، می‌توان دریافت که هنوز توجه ویژه و مناسب به نماز صورت نگرفته است؛ چراکه ما تاکنون هیچ برنامه تخصصی یا فیلم و انیمیشنی ندیده‌ایم که با محتوایی خوب و قوی به نماز پرداخته باشد؛ در صورتی که برای القای یک مسئله و تشویق جامعه به آن، باید تمامی زیرساخت‌ها در راستای حصول به آن به کار گرفته شود. در رسانه تصویری فقط چند صحنه در فیلم‌ها و سریال‌ها به نماز اختصاص داده می‌شود. در دیگر رسانه‌ها که ابزاری بسیار مناسب برای ترویج این مقوله مهم دینی است، هیچ استفاده مناسب و کاربردی از نماز نمی‌شود؛ در صورتی که هزاران معارف در خصوص نماز و مباحث مربوط به آن وجود دارد که می‌توان از هر کدام پیام‌های گوناگون برداشت کرد. ■



همسر شهید حاج محمد ابراهیم همت می‌گوید: «ابراهیم بعد از چند ماه عملیات به خانه آمد. سر تا پا خاکی بود و چشم‌هایش سرخ شده بود. به محض اینکه آمد، وضو گرفت و رفت که نماز بخواند. به او گفتم: حاجی لااقل یک خستگی در کن، بعد نماز بخوان. سر سجاده‌اش ایستاد و در حالی که آستین‌هایش را پایین می‌زد، به من گفت: من باعجله آمدم که نماز اول وقت از دست نرود. این قدر خسته بود که احساس می‌کردم، هر لحظه ممکن است موقع نماز از حال بروم.»^۱

● بی‌نوشت

۱. مریم برداران، یادگاران، کتاب همت، ص ۴۲.

● بی‌نوشت
۱. تازیات: ۵۶، ۲. طه: ۱۴، ۳. محمد محمدی ری‌شهری، منتخب میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، ص ۴۴۸.

{ بازاریابی نماز! }

← قواعد حاکم بر مدیریت تبلیغ با رویکرد نماز | میثم کریمانی |

مقدمه

وقتی از تبلیغ و مدیریت آن یا قواعد تبلیغات سخن به میان می‌آید، به احتمال زیاد آنچه در بدو امر به ذهن خواننده متبادر می‌شود، قواعد تبلیغات و بازاریابی (marketing) و تبلیغ کالا است. اما بحث ما در این نوشتار چیزی متفاوت از قواعد تبلیغ و بازاریابی است. پرسشی که به آن خواهیم پرداخت، این است که آیا قواعد ترویج و تبلیغ کالاها را می‌توان عیناً همان قواعد ترویج و تبلیغ امور دینی، همچون نماز دانست؟ آیا ترویج نماز با تبلیغ کالاها تفاوتی دارد؟ اگر پاسخ مثبت است، این تفاوت در کجا است؟ آیا علم تبلیغات و بازاریابی می‌تواند به ما در امر ترویج نماز کمکی نماید؟ پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند به ما کمک فراوانی در انتخاب استراتژی‌های تبلیغی و همچنین تاکتیک‌های تبلیغاتی نماید؛ زیرا اگر تفاوتی وجود داشته باشد، آن تفاوت در انتخاب پیش‌زمینه تبلیغی یا فراهم آوردن پیش‌زمینه مزبور بسیار اثرگذار خواهد بود.

اقتصاد دین و قواعد تبلیغات دینی

یکی از رویکردهای مطالعاتی جدید در حوزه دین، رویکردی است با عنوان اقتصاد دین.^۱ این رشته جدید مطالعاتی درصدد بررسی دین با توجه به

قواعد اصلی علم اقتصاد است. این رشته بر آن است تا با تمسک به قواعد اصلی علم اقتصاد، یعنی قواعد عرضه و تقاضا، از نحوه گسترش دین تبیینی ارائه نماید. سؤالی که در این رویکرد مطالعاتی مطرح است، این است: گرایش و تقاضای مردم جامعه به دین تحت چه قواعدی است؟ در چه زمان و وضعیتی اقبال مردم به دین بیشتر می‌شود؟ در علم اقتصاد اعتقاد بر این است که گرایش مردم به یک کالا تابع قواعد عرضه و تقاضا است. هر چه عرضه بیشتر باشد، تقاضا کمتر بوده و در نتیجه قیمت کالا پایین‌تر خواهد آمد. هر چه عرضه کمتر باشد، تقاضا افزایش یافته و قیمت نیز به دنبال آن بالاتر خواهد رفت. به باور کسانی که در رشته اقتصاد دین فعالیت می‌نمایند، تقاضای مردم و جامعه نسبت به دین نیز تابع همین قواعد عرضه و تقاضا است؛ اما نه دقیقاً به همین صورت؛ بلکه به نحوی دیگر. در این رویکرد، به دین و امور دینی به صورت یک کالا نگاه می‌شود و مفهومی به نام کالای دینی در این رویکرد مطالعاتی، کاربرد زیادی دارد.

برای ما پاسخ به این پرسش که آیا گسترش دین نیز تابع همین قواعد است، چندان مهم نیست؛ بلکه معرفی این رویکرد به این دلیل بود تا بدانیم عده‌ای از دانشمندان، قواعد علمی را که محصول علوم تجربی است، به عنوان قواعدی فراگیر، در عرصه

یکی از

رویکردهای مطالعاتی جدید در حوزه دین، رویکردی است با عنوان اقتصاد دین. این رشته جدید مطالعاتی درصدد بررسی دین با توجه به قواعد اصلی علم اقتصاد است. این رشته بر آن است تا با تمسک به قواعد اصلی علم اقتصاد، یعنی قواعد عرضه و تقاضا، از نحوه گسترش دین تبیینی ارائه نماید. سؤالی که در این رویکرد مطالعاتی مطرح است، این است: گرایش و تقاضای مردم جامعه به دین تحت چه قواعدی است؟ در چه زمان و وضعیتی اقبال مردم به دین بیشتر می‌شود؟

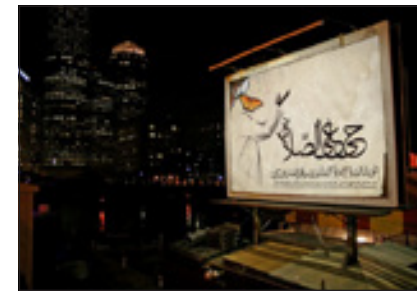
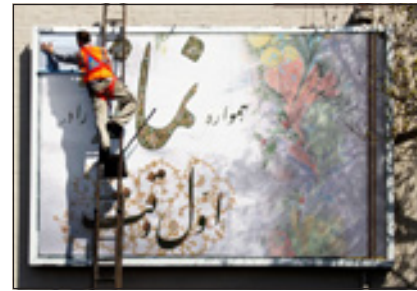


رضای علیه السلام بر این قضیه صحه می‌گذارند که بخشی از تبلیغ دین، برابر است با ترویج جذابیت‌ها و محاسن آن که در کلام اهل بیت نهفته است؛ لذا می‌توان گفت قاعده نشان دادن جذابیت‌ها و محاسن و نیکو نشان دادن دین و امور دینی، امری است که هر چند از جمله قواعد تبلیغات و بازاریابی است، پذیرش و تأیید درون‌دینی نیز دارد.

اشکالات نگاه بازاریابی به امور دینی

اولین اشکال وارد بر قواعد بازاریابی این است که افرادی که از این قواعد بهره می‌برند، به هر وسیله ممکن می‌خواهند کالایشان را جذاب و مطلوب نشان دهند. به همین جهت ممکن است از ابزارهای غیراخلاقی همچون بدن‌عریان یا نیمه‌عریان زنان استفاده نمایند. این چنین تبلیغ و ترویجی نه در مرام دین است و نه در مرام متدینان؛ زیرا یکی از مأموریت‌های اصلی دین، ترویج اخلاق است. استفاده از ابزارهای غیراخلاقی در ترویج دین و امور دینی، نوعی پارادوکس و تناقض است. به همین

نیز صادق است یا خیر؟ آیا می‌توان این اصول را در تبلیغ دین و امور دینی به کار برد؟ پاسخ ما این است که این قواعد به نحوی که بیان نمودیم و به نحو قضیه موجب کلیه، در امور دینی چندان پذیرفته شده نیست. یعنی چنین نیست که ما بتوانیم و مجاز باشیم از هر وسیله‌ای در راه تبلیغ دین بهره ببریم. اما آیا مطلوب و جذاب نشان دادن دین نیز مورد تأیید نیست. پاسخ این است که اتفاقاً مطلوب و جذاب نشان دادن دین یکی از اهداف اصلی تبلیغ دین است و این مسئله تأییدات درون‌دینی نیز دارد. در روایتی از امام رضا علیه السلام چنین آمده است: «رَحِمَ اللهُ عَبْدًا أَحْيَا أُمَّرْنَا [قال الراوي:] فَقُلْتُ لَهُ: فَكَيْفَ يُحْيِي أُمَّرَكُمْ؟ قَالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ، فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلِمَاتِنَا لَاتَّبَعُونَا؛^۲ خداحمت کند بنده‌ای را که امر ما را احیاء کند. راوی می‌گوید: پرسیدم چگونه امر شما را احیاء کند؟ امام در پاسخ گفتند: علوم ما را بیاموزند و به دیگران یاد دهند. اگر مردم خوبی‌ها و جذابیت‌های کلام ما را بدانند، از تبعیت خواهند کرد». در این روایت شریف، امام



به هر وسیله ممکن - باید کاری کرد که کالای مورد نظر ما نزد مشتری جذاب، مطلوب و مورد نیاز به نظر برسد؛ به نحوی که افراد با مواجهه با تبلیغات ما نتوانند از احساس نیازی که به کالای مورد نظر پیدا کرده‌اند، صرف نظر نمایند». به همین دلیل صاحبان صنایع و تولیدکنندگان محصولات متعدد، هر روزه به دنبال راهی هستند تا محصول خود را با آب و رنگی جذاب‌تر و توصیفی مشتری‌پسندتر به مشتریان عرضه کنند، شاید حس خوشایندی در افراد نسبت به محصول خود ایجاد نموده یا در مرحله‌ای بالاتر، به مشتری بقبولانند که این محصول بی‌هیچ تردیدی از جمله نیازهای وی محسوب می‌شود. آنها هر ترفندی را به کار می‌گیرند تا به بهترین نحو محصول خود را به فروش برسانند و در این راه اگر از دستشان برآید، به هر ترفند اخلاقی یا غیراخلاقی متوسل می‌شوند. با این توضیحات نگاهمان را دوباره به سمت دین و امور دینی می‌گردانیم و این پرسش را مطرح می‌کنیم که: آیا این قاعده کلی در مورد دین و امور دینی مانند نماز

دین نیز صادق می‌دانند. کسانی که این رویکرد را باور دارند، پاسخشان به پرسش‌های مطرح شده در بخش مقدمه، مثبت خواهد بود. دانشمندانی که با این رویکرد به مطالعه دین و امور دینی می‌پردازند، قواعد مطالعه دین را همانند قواعد علوم تجربی می‌دانند و معتقدند امور دینی نیز می‌تواند تحت قواعد علوم تجربی تبیین شود. این عده به دین نیز به عنوان پدیده‌ای بشری در کنار پدیده‌های دیگر می‌نگرند.

قواعد بازاریابی و امور دینی

با توجه به رویکرد علمی مذکور به صورت یک نتیجه منطقی، امر تبلیغ و ترویج دین چیزی جدا از قواعد بازاریابی و تبلیغاتی همچون تبلیغات سایر کالاها نخواهد بود. قواعدی که در امر ترویج کالاها جاری می‌تواند مفید باشد، در امر ترویج و تبلیغ دین و امور دینی‌ای همچون نماز نیز باید به کار رود. از جمله قواعد کلی و اولیه بازاریابی و تبلیغ کالا این است که «به هر وسیله‌ای - تأکید می‌کنم نخواهد بود.

مهم‌ترین اشکال این است که دین امور دینی در این نگاه، کالایی همچون دیگر کالاها در نظر گرفته می‌شود؛ در حالی که دین چیزی فراتر از یک کالای صرف است. یک کالا بدون اینکه به چیز دیگری وابسته باشد، همیشه یک کالا است و در هر مکان یا زمانی می‌تواند مورد نیاز هر کسی یا هر دین و مسلکی باشد. اما امور دینی همچون نماز، در یک نظام اعتقادی و ارزشی خاص، معنا و مفهوم دارد و هر کسی نیز طالب آن نخواهد بود.



مردی که فقط حرف نمی‌زند

مهدی رزاقی

گفت‌وگو با مهدی تقی‌پور

داستان آنچه شما به عنوان سلسله اقدامات فرهنگی به آن دست زدید، از کجا آغاز شد؟ دلیل این همه تلاش جان‌فرسا برای مهدی تقی‌پور چه بوده است؟

شروع این دغدغه برای من از دوران جوانی و طلبگی بود. همیشه می‌خواستیم هر آنچه را تحت تعالیم دینی می‌آموختیم، به جامعه انتقال دهیم. دوست نداشتم انبان علمی باشم که فقط عنوان آور بود. مهدی تقی‌پور می‌خواست کاری انجام دهد؛ اما قبل از انجام هر کاری، روی آن خیلی فکر کردم که چه کاری باید انجام دهیم که یک تغییر اساسی بر پایه آن رخ دهد. این البته غیر از آن بود که پیش

مهدی تقی‌پور پیش از آنکه به قول خودش حجت‌الاسلام باشد، در شناخت زیر و بم مسائل فرهنگی جامعه خودش ملأ است؛ یعنی آن قدر از آنچه در زیر پوست شهر می‌گذرد، آگاه است که دلش می‌سوزد و دردش می‌آید فرزندی به خاطر عدم درک خانواده‌اش از نماز، از سعادت خواندن این فریضه دلنواز الهی محروم باشد. هر آنچه باید خانواده‌های بکنند که نمی‌توانند یا نمی‌داند چگونه آن را انجام بدهد، او برای تک‌تک فرزندان محله و شهر خود با عشق انجام می‌دهد. برای مهدی تقی‌پور پیش از هر عنوانی باید نوشت: «ملای عامل عرصه فرهنگ». به بهانه نماز، با او از هر دری یا چه می‌دانم از هر دری سخن گفتم که خواندنش ساده بگویم، خیلی خوب است؛ به همین سادگی.

جهت دین استفاده از ابزارهای غیراخلاقی را در ترویج و تبلیغ خود بر نمی‌تابد.

دومین و مهم‌ترین اشکال این است که دین و امور دینی در این نگاه، کالایی همچون دیگر کالاها در نظر گرفته می‌شود؛ درحالی‌که دین چیزی فراتر از یک کالای صرف است. یک کالا بدون اینکه به چیز دیگری وابسته باشد، همیشه یک کالا است و در هر مکان یا زمانی می‌تواند مورد نیاز هر کسی با هر دین و مسلکی باشد. اما امور دینی همچون نماز، در یک نظام اعتقادی و ارزشی خاص، معنا و مفهوم دارد و هر کسی نیز طالب آن نخواهد بود. این نوع وابستگی به یک نظام اعتقادی - ارزشی خاص، شیوه تبلیغ و استراتژی‌های تبلیغی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ چراکه شما برای امری مانند نماز نمی‌توانید بدون توجه به ایمان دینی و دیگر مفاهیم اعتقادی - ارزشی تبلیغ نمایید. در این حالت گاهی برای به دست آوردن نتیجه مطلوب در تبلیغ نیازمند این هستیم که اول زمینه اعتقادی ارزشی را در مرحله اول تقویت کنیم، آنگاه برای تبلیغ امری

همچون نماز اقدام نماییم.

استراتژی اول: ترویج نماز و نظام اعتقادی - ارزشی

هر مبلغ یا مدیری که در جهت ترویج نماز فعالیت می‌کند، لازم است به این مطلب توجه نماید که ترویج نماز بدون در نظر گرفتن نظام اعتقادی - ارزشی وابسته‌اش هیچ معنایی ندارد. لذا در مرحله اول برای مبلغ یا مدیر لازم است به نوعی سنجش پیش‌زمینه را نیز داشته باشد تا اگر در نظام اعتقادی - ارزشی خللی وجود دارد، در جهت رفع آن فعالیت کرد. در بررسی علل عدم گرایش افراد به نماز، در بسیاری از موارد می‌توان نقص در ایمان دینی یا خلل‌های اعتقادی را یافت که از مهم‌ترین علل عدم گرایش به نماز است.

بی‌نوشت

1. Economy of religion.

۲. ری‌شهری، میزان الحکمه، چ ۸، ص ۱۳۹۷.



ما در قم نمادیم، رفتیم در دل مشکلات مردم. ما به خانه دانش آموزان رفتیم. خیلی‌ها نماز خوان شدند، چرا؟ چون حضور شیخ را احساس کردند. خیلی‌ها ایشان می‌گفتند که ما در خیابان شیخ که می‌دیدیم، مسخره‌اش می‌کردیم؛ اما هیچ وقت به فکرمان هم خطور نمی‌کرد که یک روز همین شیخ خانه ما بیاید. الان به خاطر بچه‌های خودمان هم که شده نماز می‌خوانیم. اگر نماز نخوانیم این بچه آبروی ما را می‌برد. بی‌نمازی مایه تمسخر و ضعف است، نه نماز خواندن. ما کاری کردیم که در برخی خانواده‌ها پدر جلو می‌ایستد، مادر و بچه‌ها پشت سرش نماز می‌خوانند.

از هر اقدامی باید خودم را بنا می‌کردم. این اعتقاد دینی ما است که تا خودمان را نسازیم، جامعه ساخته نمی‌شود.

بر این مبنا سعی کرده‌ام خودم را از دیگران کوچک‌تر و پایین‌تر بینم تا بتوانم در عرصه‌های تربیتی حرفی بزنم که تأثیرگذار باشد. معمولاً جامعه قبل از اینکه دست به هر کاری دینی بزند، به مدعی دین نگاه می‌کند. آنها از مدعیان دین چه می‌خواهند؟ تواضع، اخلاق و محبت می‌خواهند. حتی جلوتر از سواد، اقدام و شاخصه‌ای، مردم از مدعی دین مردم‌داری می‌خواهند؛ بنابراین مردم‌داری را کلیدواژه رفتار تربیتی خودم در وهله اول قرار دادم.

❑ مقدمه خوبی بود برای اینکه ملموس‌تر وارد عرصه فعالیت‌های شما شویم. ایرادی ندارد که از یک صبح با حجت‌الاسلام مهدی تقی‌پور آغاز کنیم؟
 ☑ نه؛ من هم موافقم. بنده اگر کارهای روزانه خودم را بگویم، شما می‌توانید تمامش را در قالب یک سلسله اعمال تربیتی برای خوانندگان قنوت به شکل یک گزارش ارائه کنید.

❑ مطمئناً همین‌طور است ...

☑ اجازه بدهید به جای من بگویم ما؛ همین «من»‌ها ما را بیچاره کرده است.

❑ بفرمایید حاج آقا ...

☑ صبح اول وقت که از خواب بلند می‌شویم، بعد از نماز صبح مستقیم می‌آییم مدرسه. برای خودمان وظیفه دانسته‌ایم که در تمام طول سال تحصیلی، دم در مدرسه بایستیم؛ یعنی یک روحانی دم در



مدرسه می‌ایستد و به تمام دانش‌آموزان دست می‌دهد، با همه احوال‌پرسی می‌کند و آنها این‌گونه به مدرسه می‌آیند؛ یعنی خانواده‌ها با من سلام و علیک می‌کنند. اولیاء، بچه‌ها را تحویل من شیخ می‌دهند و من با چند شوخی و خوش و بش، فرزند و عزیز مردم را وارد مدرسه می‌کنم. این کار اولیه ما است.

برای صبحگاه هر روز برنامه‌ریزی ویژه داریم و برای این کار یک دفترچه برنامه صبحگاهی طراحی کرده‌ایم؛ با وجود اینکه کتاب‌های مختلفی از آموزش و پرورش و ستاد اقامه نماز هست، اما برای ما دلچسب نبود و سعی کردیم بهترش را طراحی کنیم. بر اساس این دفترچه، برنامه تمام صبحگاه‌های ما مشخص است. هر هفته به یک نام خاص نامگذاری شده و برنامه هر روز با روز دیگر تفاوت دارد. یعنی هر روز بدون استثنا یک دعای خاص، یک دانستنی اخلاقی یا تربیتی خاص، یک قصه کوچک و همچنین صلوات خاصه امام رضا (علیه السلام) را داریم.

این ارتباط مستقیم در زنگ‌های تفریح هم برقرار است و بدون استثناء بنده در این موقعیت هم مستقیم و بی‌واسطه کنار بچه‌ها هستم.

این را به برنامه هدفمند دو ساعت تدریس هفتگی در کلاس برای مقاطع مختلف تحصیلی اضافه کنید.

با خودمان گفتیم بچه‌ای که از پیش دبستانی می‌آید پیش ما تا آخر دبیرستان، باید سالی بیست آداب زندگی یاد بگیرد. این آداب زندگی را تعریف کردیم؛ مثلاً امسال آداب شوخی کردن، خوردن، خوابیدن، مطالعه، نماز، آداب احترام به پدر و مادر، خرید و فروش را یاد بگیرد. برای این منظور سراغ زبان داستان رفتیم؛ زیرا به دانش‌آموز در سنین ابتدایی اصلاً نمی‌شود دستور داد. او اصلاً نمی‌داند بهشت و جهنم یعنی چه و معنا و مفهوم تقدسی خدا و پیغمبر را نمی‌داند. برای این منظور از شیوه تربیتی به‌کار رفته در قرآن که زبان داستان است استفاده کردیم.

کتاب مقدس ما با ذکر داستان به همه فهمانده که راحت‌ترین مسیر یاد دادن و یادگیری، قصه‌گویی است. به جرئت می‌گویم که بنده بهترین سبک کاری که در مدرسه انجام می‌دهم، سبک قصه‌گویی است. البته قصه دینی برای کودک در جامعه بسیار کم است که این هم برای خود دردی است.

بعد اتمام قصه، بچه‌ها همان را تئاتر بازی می‌کنند و به من هم نقشی می‌دهند.

منبع این آموزه‌های اخلاقی که به صورت داستان درمی‌آید، کتاب‌هایی مثل حلیه‌المتقین است که آموزه‌های آن، در قالب تئاتر، قابل درک و محسوس می‌شود.

این کلاس آن‌قدر جذاب می‌شود که بچه‌ها دوست

ندارند زنگ تفریح بخورد. این مفاهیم را ما به شیوه حضرت زهرا (علیها السلام) به خانه بچه‌ها هم وارد می‌کنیم. شیوه ایشان این‌گونه بود که حسنین را می‌فرستادند مسجد و توصیه می‌کردند آنها هرچه پیامبر می‌گویند، بیاموزند تا در بازگشت برای آن حضرت بگویند. سپس ایشان برای آنها چهارتا بالش می‌گذاشتند و مخاطب حسنین می‌شدند و حضرت زهرا (علیها السلام) آموزه‌های پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) را از بچه‌ها می‌گرفت تا برای آنها ملکه شود.

ما همین سبک تربیتی را اجرا کردیم؛ به این صورت که خانواده‌ها موظف هستند امروز آنچه بچه‌ها در کلاس من حاج آقا یاد گرفته‌اند، در خانه از بچه‌ها بپرسند. چهارصد دانش‌آموز دارم، با چهارصد تا پدر و مادر، می‌شود هشتصد نفر. پس روزانه هشتصد نفر در روز آداب اسلامی را از من یاد می‌گیرند؛ نه از بنده حقیبر که از آن بزرگواران می‌آموزند.

❑ نماز به طور مشخص در برنامه تربیتی شما کجا قرار می‌گیرد؟

یکی از اصول تربیتی مهم برای من، بحث نماز است. نظرهای مختلفی در تثبیت اهمیت نماز آورده می‌شود. عده‌ای می‌گویند اگر می‌خواهید نماز جا بیفتد، بهترین روش کار روی نماز والدین است. نظر ما هم همین است. طبیعی است که اگر پدر و مادر اهل نماز باشند و بر نماز اول وقت تأکید کنند، خودبه‌خود بچه‌ها نمازخوان می‌شوند. به خاطر اینکه در خانواده‌ها بفهمیم چه کسانی نماز می‌خوانند یا نمی‌خوانند، اهمیت می‌دهند یا نه، بر خودمان واجب کردیم من شیخ به عنوان روحانی و مدیر این مدرسه که مدیریت چهارصد دانش‌آموز

نماز مواهبی دارد و ما را به جاهایی رسانده که از آن غافل بوده‌ایم. لایلای ترغیب خانواده‌ها به نماز به موانعی برمی‌خوریم که این روزها به حرف زیاد و به عمل کم درباره آن کاری می‌کنیم. نماز ما را به ماهواره و آسیب‌های اجتماعی آن رساند و باورنات نمی‌شود که چه بر من می‌گذرد تا به خانواده‌ای بفهمانم که ماهواره یا فرزندانش چه‌ها که نمی‌کند. خدا به من عنایت داشت که توانستم از مسیر تلاش برای نماز از اول مهر تا به حالا، ۱۳۷ ماهواره را توسط خود خانواده‌ها جمع کنیم.



نشریه شما وابسته به ستاد اقامه نماز است درست است؟

بله ...

پس خوب دقت کنید، یکی از شیوه‌هایی که برای خود ما هم جالب بود و برای پیگیری آن اقدام کردیم، استفاده از کتاب‌های آقای قرائتی است. در مدرسه طبیعی است که اجبار نمی‌کنیم، اما شرایط ویژه‌اش را فراهم می‌آوریم. از این کتاب‌ها استفاده‌های زیادی می‌کنیم؛ مخصوصاً تمثیلاتش. به نظر من چیزی که آقای قرائتی را عزیز کرده، تمثیلاتش بوده است. البته قرآن آدم را عزیز می‌کند؛ ولی شیرینی تمثیلات خیلی برای رساندن بعضی مطالب به نسل امروز مهم است. قرآن چقدر از تمثیلات استفاده کرده است؟ فراوان! ما از طریق همین تمثیلات به خانواده‌ها موضوع نماز جماعت، اینکه در جمع بخوانند، چه فوایدی دارد و مطالب مختلف تربیتی را بیان کردیم. حتی کتاب‌های مختلفی راجع به نماز عرفاء، علما و آدم‌هایی که به درجاتی رسیده‌اند، طرح کرده‌ایم. خلاصه با بحث نماز تمثیلاتی برخورد کردیم. برای مثال بهترین مکان مدرسه ما، نمازخانه‌مان است؛ تمیزترین، شیک‌ترین و خوشبوترین مکان. شما نمی‌دانید چه ذوقی می‌کند دانش‌آموز وقتی وارد نمازخانه

که شده نماز می‌خوانیم. اگر نماز نخوانیم این بچه آبروی ما را می‌برد. بی‌نمازی مایه تمسخر و ضعف است، نه نماز خواندن. ما کاری کردیم که در برخی خانواده‌ها پدر جلو می‌ایستد، مادر و بچه‌ها پشت سرش نماز می‌خوانند. بیشتر خانواده‌هایی که الان من می‌شناسم، اگر خانه‌شان فاصله با مسجد داشته باشد و نتوانند به مسجد بروند، حتماً در خانه نماز جماعت می‌خوانند.

شما به دنبال این هستید که چطور می‌شود کسی را نماز خوان کرد، یکی از بهترین روش‌ها همین نماز جماعت خواندن در خانه است. چرا؟ چون مثل جریان مطالعه کردن می‌ماند. کسانی که در شیوه‌های مطالعه نظر می‌دهند، می‌گویند اگر قرار باشد به بچه‌ها انگیزه مطالعه دهید، باید یک ساعت خاصی در خانه، ساعت مطالعه باشد. پدر، مادر و همه اعضای در حال مطالعه باشند، اگر پدر مشغول تماشای تلویزیون و مادر در حال آشپزی و ... باشد و به بچه‌ها بگویند درس بخوان، نمی‌شود. نماز هم همین طور است. چنانچه در ساعت خاصی همه وضو بگیرند و نماز بخوانند، فرزندان آن خانواده نمازخوان خواهند شد.

الان از این چهارصد دانش‌آموز می‌توانم به یقین بگویم دویست نفر در خانه، نماز جماعت می‌خوانند. طبق آن پرونده‌هایی که ما داریم و پیگیری می‌کنیم.

را دارم، در طول سال دو مرتبه خانه هر کدامشان بروم. برنامه‌ریزی شده است که هر روز خانه چهار نفر می‌روم؛ خانه دو دانش‌آموز قبل از اذان مغرب و عشا و خانه دو تا بعد از نماز مغرب و عشا، البته در حد نیم ساعت. همه نزد من پرونده دارند و مسائل مرتبط با آنها نوشته می‌شود و روی آنها فکر می‌کنم. فضای صمیمانه و رفاقتی ایجاد می‌شود. درست است که هدف ابتدایی بررسی نماز خانواده‌ها است، اما خیلی از مسائل دیگر هم در این دیدارها حل می‌شود. اگر زن و مرد بین خودشان اختلاف دارند، در روش تربیت فرزندان اشتباهی هست و مشکلاتی که با بچه‌هاشان دارند، اگر هم برای ما عیان نکنند، ما به در می‌گوییم که دیوار بشنود.

نماز مواهبی دارد و ما را به جاهایی رسانده که از آن غافل بوده‌ایم. لابلای ترغیب خانواده‌ها به نماز به موانعی برمی‌خوریم که این روزها به حرف زیاد و به عمل کم درباره آن کاری می‌کنیم. نماز ما را به ماهواره و آسیب‌های اجتماعی آن رساند و باورتان نمی‌شود که چه بر من می‌گذرد تا به خانواده‌ای بفهمانم که ماهواره با فرزندانش چه‌ها که نمی‌کند. خدا به من عنایت داشت که توانستم از مسیر تلاش برای نماز از اول مهر تا به حالا، ۱۳۷ ماهواره را توسط خود خانواده‌ها جمع کنیم.

ما در قم نمائیم، رفتیم در دل مشکلات مردم. ما به خانه دانش‌آموزان رفتیم. خیلی‌ها نمازخوان شدند، چرا؟ چون حضور شیخ را احساس کردند. خیلی‌هایشان می‌گفتند که ما در خیابان شیخ که می‌دیدیم، مسخره‌اش می‌کردیم؛ اما هیچ‌وقت به فکرمان هم خطور نمی‌کرد که یک روز همین شیخ خانه ما بیاید. الان به خاطر بچه‌های خودمان هم

می‌شود. از طرف دیگر ما نماز را ساده کرده‌ایم. چگونه یک معلم ریاضی یک معادله را ساده می‌کند تا آن را برای بچه‌ها حل کند؟ ما هم همان کار را کرده‌ایم. برای نماز خواندن در مدرسه در ایام نیمه سرد سال، در مدرسه آب گرم آماده می‌کنیم. نمونه دیگری از این تسهیل که شاید جالب باشد، اینکه بچه‌ها را که اردو می‌بردیم، جای سردسیری بود. ما برای اینکه نماز را باب طبع آنها کنیم، قبول می‌کردیم تیمم کنند و وضو نگیرند. این طور خیلی راحت دین را جلو دادیم. یا دانش‌آموزی را که می‌گوید امروز واقعاً خسته‌ام، ورزش کرده‌ام و نمی‌توانم نماز بخوانم، به زور به نمازخانه نمی‌برم. می‌گویم اشکال ندارد. ولی از طرف دیگر همین بچه‌ها را از طریق زبان داستان و تمثیل طوری با آیات قرآن و روایات معصومین آشنا کردیم که حتی اگر خسته هم باشند، نماز بخوانند؛ با عشق هم بخوانند. اجر و مزدش هم مطمئناً نزد خداوند با نماز اجباری تفاوت دارد.

از نظام تشویق هم استفاده می‌کنیم. دقت کنید: فقط تشویق؛ تنبیه برای نظام تربیت دینی کودک جواب نمی‌دهد. ما بین دو نماز مطالبی را در موضوعات مختلف دینی گفتیم و براساس آن در همان زمان، مسابقه برگزار می‌کردیم که در تمام آنها جایزه بود. امتیاز خاصی برای دانش‌آموز بود. دانش‌آموزی که به نماز جماعت نمی‌آمد، از آن امتیاز و جایزه بی‌بهره بود؛ لذا با سر می‌دوید که این امتیازات و جوایز را بگیرد.

همه اینها را نمی‌شود با کتاب و مجله و روزنامه و منبر و حرف انجام داد، باید در دل مشکلات بود، باید دغدغه داشت و برای آن دغدغه میان مردم بود. ■

هنر و رسانه

{ دین بدون نماز! }

روزبه‌روز حلقه فشار و شکنجه را بر او تنگتر می‌نمودند؛ خصوصاً که حامیان خود را از دست داده بود و این ماجرا، جسارت دشمنان را دوچندان کرده بود. هر روز با دیدن و شنیدن مناظر رقت‌بار شکنجه، طاقتش کمتر می‌شد؛ اما مأمور به صبر بود. مقدمات هجرت به شهر یثرب را فراهم دید، تصمیم خود را گرفت؛ دستور داد هر کس تحمل آزار مشرکان را ندارد، به سمت یثرب حرکت کند.

کم‌کم همه مسلمانان هجرت کردند و در آن شهر به پیروزی‌های چشمگیری دست یافتند. به همین دلیل، طالبان حق و جویندگان علم و معرفت، از گوشه و کنار شهرها و روستاهای دورافتاده به شهر یثرب که اکنون به احترام پیامبر، مدینه نامیده می‌شد، پناه آوردند. بزرگان قبایل عرب یکی پس از دیگری به مدینه نزد رسول الله آمدند و اظهار کردند که: «ما مسلمان می‌شویم، به شرط اینکه از نماز خواندن معاف باشیم».

حضرت فرمود: «دینی که در آن نماز نباشد، خیری در آن نیست»^۱. خداوند نماز را واجب کرد و در این وجوب رازهایی نهفته است. اگر مردم بدون تکلیف رها شوند، سرنوشتی جز سرنوشت گذشتگان خود، نخواهند داشت. در میان گذشتگان، انبیایی صاحب شریعت بودند که چه بسا به خاطر آیین خود، جنگ‌ها نمودند؛ ولی به مرور زمان و بر اثر کم‌توجهی مردم، آیین آنان به طور کلی از بین رفت. خداوند متعال اراده نمود که امت اسلام دچار چنین سرگذشتی نگردد؛ پس واجب کرد تا در پنج نوبت، نام پیامبر برده شود و نماز به یاد خداوند برپا گردد تا مبادا یاد خدا و آیین پیامبر در چالش‌های زندگی گم شود و از یاد رود.^۲

● بی‌نوشت

۱. «لاخیر فی دین لیس فیه رکوع وسجود» طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۲۱۱.
 ۲. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۴۳۹؛ ذیل آیه: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْکُؤْا لَا تَرْکُؤْا؛ و هنگامی که به آنها گفته شود رکوع کنید، رکوع نمی‌کنند». مراسلات: ۴۸.

نماز، هنری شهودی و شخصی

توجه به بُعد زیبایی‌شناسی نماز

محمد امین صادقی

هنر و زیبایی در طول تاریخ اندیشه بشری دستخوش تغییرات فراوانی شده‌اند؛ اما آنچه همیشه مورد توجه اندیشمندان و هنرمندان بوده، بُعد معرفتی و حسی هنر است. تا قبل از دوران مدرن جای هیچ شک و تردیدی وجود نداشت که هنر بُعدی معرفتی دارد و از آن می‌توان به عنوان یک دانش نام برد. اندیشمندان و فیلسوفان قبل از دوران مدرن هنر را زیرشاخه علم و دانش قرار می‌دادند. اما بعد از دوران مدرن - از زمانی که مسئله انسان و محوریت انسان مطرح شد - هنر و به طور کلی زیبایی‌شناسی در مقوله علم جای نگرفت و یکسره به احساسات مرتبط شد. یعنی احساس لذت انسان باعث خلق مقوله‌ای به نام زیبایی شد. زیبایی از بیرون انسان به درون انسان کوچ کرد. در دوران مدرن به بُعد معرفتی هنر و زیبایی‌شناسی آن کمتر توجه شد، اما هیچ‌وقت نفی نشد؛ چراکه هنر را نمی‌توان خالی از معرفت و اندیشه دانست.

اگر به نماز که یکی از مهم‌ترین اعمال دین اسلام است، توجه کنیم، مشاهده می‌کنیم که همین نسبت برقرار است؛ یعنی نماز،

هم معرفت دارد و هم زیبایی. در مورد معرفتی که در نماز موج می‌زند، به‌قدری روایت وجود دارد که در این مسئله جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی‌گذارد. خواندن سوره حمد در نماز که به مثابه دوسوم قرآن قلمداد شده است^۱ در یک طرف و سوره توحید و رکوع و سجده که بهترین حالت انسان نسبت به پروردگار است از طرف دیگر، باعث شده است که بُعد معرفتی نماز آن‌قدر بالا باشد که برخی از انسان‌های مخلص هنگام نماز احساس عروج کنند. اما بُعد زیبایی آن را نباید حسی قلمداد کرد؛ یعنی اگر زیبایی هم در نماز باشد، این زیبایی هیچ وقت زیبایی مدرن نیست. زیبایی نماز از آنجا نشئت می‌گیرد که انسان با نماز خواندن احساس لذت می‌کند؛ یعنی از اینکه نماز می‌خواند و زمانی که در حال نماز است، لذت می‌برد. این لذت بردن مقدمه احساس خوشایندی است؛ احساسی که به انسان آرامش و سکونت قلب می‌دهد. حتی می‌توان گفت احساس زیبا و لذتی که در نماز وجود دارد، به مراتب از احساس زیبایی که در برخورد با شیء زیبا به انسان دست می‌دهد، بالاتر است. احساس لذتی که از نماز نشئت می‌گیرد، با روح و جان آدمی عجین می‌شود و از عاطفه و حس خارج می‌شود و به سکونت و آرامش قلب می‌انجامد. مهم‌ترین تفاوت هنر و نماز از بُعد احساس لذت و

در نتیجه زیبایی‌شناسی، این است که نماز یک امر فردی و به تعبیر دیگر شهودی است و مانند هنر نیست که بتواند در معرض عموم واقع شود و دیگران هم از آن لذت ببرند. اگر چه ممکن است به واسطه تسلط انسان بر عالم ماده و عبور از آن و رسیدن به جایگاه بلندمرتبه انسانی، حتی به این مرحله هم برسد؛ مانند آیت‌الله بهجت که علاوه بر اینکه نماز ایشان باعث لذت فوق‌العاده ایشان می‌شد، این لذت و احساس خوشایند از ایشان سرازیر می‌شد و به مأمومان و اطرافیان می‌رسید و باعث می‌شد که دیگران نیز احساس لذت مضاعفی بکنند. اما به هر حال عموماً این اتفاق برای انسان‌ها کمتر می‌افتد. بنابراین چون نماز امری فردی و شهودی است، تفاوت عمده‌ای با هنر دارد و نمی‌تواند در معرض عموم قرار داده شود؛ به نحوی که عموم هم از در معرض قرار گرفتنش احساس لذت کنند.

ذات هنر در معرض قرار دادن زیبایی است. ممکن است هنرمند هنر را برای خویش و صرفاً در جهت

بُعد زیبایی و عاطفی نماز به علم و تحصیل و درک عقلانی نیاز ندارد؛ بلکه همه مردم با توجه به نکاتی که باعث ایجاد و برانگیخته شدن این احساس می‌شود، می‌توانند به اندازه خود این زیبایی و خوشایندی را درک کنند. بنابراین زمانی که دست عامه مردم از بُعد معرفتی کوتاه بود، باید به بُعد عاطفی و حسی نماز توجه کرد. زمانی که این بُعد در جامعه گسترش پیدا کند و همه بتوانند این لذت و خوشایندی را که منجر به احساس زیبایی می‌شود، درک کنند، بی‌دریغ به دنبال این لذت و خوشایندی خواهند رفت.





نماز در سینمای ایران

تحلیل ضرورت توجه به مقوله نماز در سینمای ایران | مهدی بهرامی

فیلم‌ساز سرشناس ایتالیایی که در مکان دهم برترین فیلم‌های هنری تاریخ سینمای جهان قرار دارد، مصائب مسیح، مخفیگاه و بسیاری از دیگر فیلم‌هایی که با مضمون و محتوای مسیحیت ساخته شده‌اند، همگی نمونه‌هایی از بهره‌برداری مسیحیت از ابزار سینما هستند. در بیشتر این فیلم‌ها کلیسا نقش برجسته‌ای دارد و اعمالی همچون به کلیسا رفتن در روزهای یکشنبه به عنوان جنبه‌ای مهم از سبک زندگی یک فرد مسیحی به مخاطبان ارائه می‌شود. کمتر فیلم یا سریال مسیحی را می‌توان یافت که در آن رفتن به کلیسا در روز یکشنبه یا نقش و تصویر کلیسا به عنوان نهادی دینی در زندگی مردم، نقشی نداشته باشد. به هر حال در بسیاری از فیلم‌ها، کلیسا و کشیش نقش برجسته و مهمی دارند. حتی در فیلم‌هایی که تم مسیحی ندارند، اما زندگی مسیحیان را به نمایش می‌گذارند نیز سعی شده است به این مسائل توجه شود.

با بررسی اسلام و سبک زندگی اسلامی، متوجه می‌شویم که نماز و مسجد در سنت اسلامی همواره به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین اعمال مسلمانان معرفی شده؛ به نحوی که نماز ستون دین و نور چشم پیامبر ﷺ عنوان شده است.^۱ حتی اگر این تأکیدها در مورد نماز و مسجد وجود نداشت، به هر حال به واسطه نقش برجسته این دو مقوله در زندگی مسلمانان و مواجهه همیشگی و هرروزه

سینما یکی از محصولات دوران مدرن است و یکی از تکنولوژی‌هایی است که در دوران مدرن و با پیشرفت صنعت و فناوری پدید آمده است. از این‌رو بسیار طبیعی است که خصوصیات نرم‌افزاری اندیشه مدرن، همچون سکولاریسم و اومانیسم را به همراه خود داشته باشد و توجه اصلی این محصول، همواره به سمت تصویرگری براساس اندیشه مدرن و حتی پُست‌مدرن باشد. اما این موضوع به هیچ‌وجه دلیل نمی‌شود که دینداران از این ابزار برای نمایش و تحقق اندیشه‌های دینی بهره نگیرند.

به نظر می‌رسد اندیشه مدرن در ذات سینما نهادینه شده است؛ اما این امر همیشه توانایی بروز و ظهور ندارد؛ بلکه صاحب این ابزار است که می‌تواند اندیشه و تفکر را در آن جای دهد؛ از همین‌رو ادیانی که در مهد مدرنیته قرار داشتند، توانستند از این ابزار برای خلق آثار دینی بسیار فاخر و تأثیرگذار استفاده کنند. روی آوردن مسیحیان و یهودیان به عرصه سینما و صرف هزینه‌های فراوان، باعث شکل‌گیری مفهومی با عنوان سینمای مسیحی یا دینی در دنیای سکولار شده است.

پرداختن به زندگی و شخصیت مسیح، سهم عمده‌ای از سینمای مسیحیت را به خود اختصاص داده است. فیلم‌هایی مانند انجیل به روایت متی به کارگردانی و نویسندگی پیر پائولو پازولینی،

دست عامه مردم از بُعد معرفتی کوتاه بود، باید به بُعد عاطفی و حسی نماز توجه کرد. زمانی که این بُعد در جامعه گسترش پیدا کند و همه بتوانند این لذت و خوشایندی را که منجر به احساس زیبایی می‌شود، درک کنند، بی‌دریغ به دنبال این لذت و خوشایندی خواهند رفت.

به نظر می‌رسد انتشار این بُعد نماز تنها به دست هنر و هنرمند مسلمان است؛ کسی که نماز را زیبایی می‌داند. هنر می‌تواند با به تصویر کشیدن ابعاد زیبای نماز که عموماً از جنس ماده نیست، این نوع احساس لذت را برای دیگران ملموس کند و باعث شود عامه مردم که توجهی به این بُعد نماز ندارند و از درک این احساس در نماز محروم هستند، به آن توجه و تا حدی آن را درک کنند.

به هر حال به نظر می‌رسد از لحاظ تئوری تنها مقوله‌ای که می‌تواند با تکیه بر بُعد عاطفی، لذت و خوشایندی نماز و این احساس‌ها را برای مردم ملموس کند و از این طریق، باعث توسعه و گسترش فرهنگ نماز شود، هنر است. هنر می‌تواند احساس شهودی یک انسان را به دیگران منتقل سازد و آنان را به درک آن ترغیب کند. ■

بی‌نوشت

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۳۰.





مخصوصاً ایرانیان این گونه نیست.

به عبارت واضح‌تر، در فیلم‌های ایرانی به ندرت پیش می‌آید شخصیت‌های خاکستری فیلم‌ها نمازخوان باشند یا حداقل تصویری از نماز خواندن آنها نمایش داده شود یا حتی افرادی در این سینما نمایش داده شوند که آخرت وقت یا اواسط وقت نماز بخوانند؛ درحالی‌که واقعیت جامعه ایرانی - اسلامی این گونه نیست و اغلب شخصیت‌های خاکستری جامعه نماز می‌خوانند.

نماز یکی از مقوله‌های مهم شریعت اسلامی است که دولت‌مردان باید برای نهادینه کردن این آموزه دینی مهم در سینما اقدامات لازم را انجام دهند. عدم پرداختن به مسئله‌ای که وظیفه روزانه مسلمانان است، نشان‌دهنده شکل‌گیری امری خلاف واقعیت اجتماعی در سینمای ایران است. ممکن است این موضوع برنامه‌ریزی شده و از روی سوء نیت نباشد، اما عدم توجه به این مسئله باعث شده است که این مقوله به طور ناخودآگاه در سینمای ایرانی نهادینه نشود؛ درحالی‌که به نظر می‌رسد در سینمای دینی غرب تقریباً چیزی خلاف آن نهادینه شده است.

همواره با آن در ارتباطاند، توجهی ندارند. بدون تردید نمایش نماز خواندن یا به مسجد رفتن شخصیت‌های فیلم، آن را دینی یا غیردینی نمی‌کند؛ اما عدم توجه به این مقوله - به نحوی که در کمتر فیلمی می‌توان توجه بازبینان را به این مسئله مشاهده کرد - می‌تواند مخاطب را به این سمت رهنمون کند که میان فیلم‌سازان، بازیگران و دیگر دست‌اندرکاران سینمای ایران با مردم جامعه - که اغلب به نماز پایبندند - شکافی وجود دارد. این امر از نظر آنان بیانگر این است که سیاست‌گذاری‌های حکومت اسلامی در این امر ناکام بوده است.

از طرفی دیگر وقتی فیلم‌های سینمایی ایران را از منظر توجه به نماز تحلیل می‌کنیم، می‌توانیم شخصیت‌های همه فیلم‌ها را به دو دسته تقسیم کنیم: یا نمازخوان هستند یا نمازخوان نیستند که متأسفانه تقریباً غالبشان نمازخوان نیستند و آنهایی که نمازخوان هستند، عموماً از منظر اجتماعی و دینی جایگاه خوبی ندارند. در سینمای ایران فقط کسانی که کاملاً مذهبی و به بسیاری از موازین اسلامی پایبند هستند، نماز می‌خوانند که عموماً نماز را اول وقت و در مسجد اقامه می‌کنند. به طور نمونه در این سینما کمتر شخصیتی را پیدا می‌کنیم که ریشش تراشیده باشد و نماز بخواند؛ کمتر شخصیتی را پیدا می‌کنیم که برخی از گناهان را انجام دهد، اما نماز هم بخواند. درحالی‌که واقعیت زندگی مسلمانان و

مسلمانان با آنها، یکی از ارکان زندگی مسلمانان به شمار می‌آیند. نماز وجوه مختلفی دارد که نماز جمعه و نمازهای عید از بُعد اجتماعی و سیاسی، در زندگی مسلمانان قابل توجه و تأمل هستند. پس به طور طبیعی اگر قرار است فیلمی در ساحت اجتماعی مسلمانان ساخته شود، باید در آن توجه ویژه‌ای به نماز یا مسجد شود؛ چراکه این دو مقوله‌هایی هستند که مسلمانان هر روزه حداقل سه بار با آن مواجه می‌شوند.

تحلیل و بررسی سینمای ایران که در جامعه و نظامی اسلامی شکل گرفته است، نشان می‌دهد سینمای ما آن‌چنان که باید و شاید، رویکرد مناسبی به مقوله نماز و مسجد ندارد. وقتی از نماز و مسجد و حضور آن در سینمای ایران سخن به میان می‌آید، مراد ساخت فیلم و سریال با محوریت نماز و مسجد نیست. البته ساخت فیلم‌هایی نه به صورت کلیشه‌ای، بلکه با فیلم‌نامه‌های جذاب و مخاطب‌پسند در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد؛ چراکه سینمای ایران در این زمینه دست خالی است. اما سخن در این است که سینمای ایران و به عبارتی کارگردانان ایرانی، به مقوله‌ای که مسلمانان

به هر حال به نظر می‌رسد سینما باید به سمتی هدایت شود که در آن نماز به عنوان بُعدی از زندگی مسلمانان در نظر گرفته شود و نمایش نماز به عنوان ستون دین، حداقل نشانه مسلمان بودن شخصیت‌های فیلم‌ها باشد. نماز نباید در چادری‌ها، مذهبی‌ها، کسانی که ریش دارند، کسانی که بسیار موجه یا انسان‌های بسیار مثبتی هستند، منحصر باشد. شخصیت‌های منفی فیلم‌ها نیز می‌توانند نمازخوان باشند. همچنین نماز نباید منحصر در فیلم‌هایی باشد که موضوعشان مذهبی است؛ بلکه نماز می‌تواند در فیلم‌های اجتماعی، انتقادی و حتی کمدی - البته با ملاحظات خاص خود - ظهور و بروز داشته باشد. ■





بفرمایید چای با طعم خدا!

اکرم عیسی آبادی



متولد ۱۳۵۳ و استاد دانشگاه تهران است. دکترای ادبیات فارسی دارد و کتاب‌هایش به زبان‌های بسیاری از جمله انگلیسی، فرانسه، ترکی و عربی ترجمه شده است. دستی هم در ادبیات کودک و نوجوان دارد. برای همین کوله‌پشتی‌اش را برمی‌دارد و در جستجوی قله خدا دل به کوه می‌سپارد:

خدای خوب من کجایی؟
سری بزنی به این طرفها
خبر نداری از دل من
که گم شده همین طرفها
کجا است این دل عجیبم؟
گمان کنم که پر زده باز
دوباره آمده سراغت
به خانه تو سر زده باز
خدا مواظب دلم باش
یکی دو جای آن شکسته
کبوتری شده دل من
به بام مسجدت نشست
گره بزنی خدا دلم را
به یک ضریح آسمانی
و روی زخم‌های این دل
پیشش گرد مهربانی

برگرفته از کتاب «کوله‌پشتی‌ات کجا است؟»

بعضی وقت‌ها ذهنم خیلی آشفته و درگیر است. این‌جور وقت‌ها دلم می‌خواهد مثل کسانی باشم که دو رکعت نماز می‌خوانند و گره ذهن و دلشان باز می‌شود. اما نماز من پُر است از گره و دست‌انداز. بعد فکر می‌کنم مهم این است که چراغ‌های رابطه‌ام با خدا روشن باشد. آن وقت است که اگر فتیله نماز را بالا بکشم، دلم روشن می‌شود. آن وقت است که دیگر بال‌هایم را جا نمی‌گذارم.
... آن وقت خدا بر شانه کوچک انسان دست گذاشت و گفت: «یادت می‌آید تو را با دو پا و دو بال آفریده بودم؟ زمین و آسمان هر دو برای تو بود. اما تو آسمان را ندیدی. راستی عزیزم، بال‌هایت را کجا گذاشتی؟»
انسان دست بر شانه‌اش گذاشت و جای خالی چیزی را احساس کرد. آن وقت رو به خدا کرد و گریست.

برگرفته از کتاب «بال‌هایت را کجا جا گذاشتی؟»

خانم عرفان نظر آهاری نویسنده‌ای است که دغدغه‌اش کشف چراغ رابطه با خدا است. این دغدغه را در تمام کتاب‌هایش می‌توان دید؛ هم در کتاب نامه‌های خط‌خطی که نامه‌اش را برای خدا نوشته و هم در سایر آثارش.

التحقیق فیما وقع من امر الصلوة... فی العصر البوق و البیق

از بیخ تا بیخ... در همه جای تاریخ!

محمد علیان

دارالصلواتها پر شد، بی‌آنکه نمازی اضافه شود؛ چون عده‌ی کثیری به جای ادای صلاه، ادای صلاه را درمی‌آوردند. مستأجر عباسی به این حرکتش مغرور بود و هر کس حرفی از گسترش ریا می‌زد به جلا داد می‌داد که او را بیرون اندازند.
متأخر بن مسئول قَلت نمازگزاران را از قَلت ساعات نماز دانست و دستور به دوساعته کردن وقت نماز داد و ساعتی به ساعات استراحت کارمندان افزود.
وی به منظور تباه نشدن وقت اداری، دستور داد که در آن دو ساعت در نمازخانه کارهای فرهنگی انجام شود؛ اعم از برگزاری جشنات و همایشات و یادبودات و بزنگویات و غیره و ذلکات. فوقع ما وقع، فجری ماجری و کتب ما کتب و اخرج ما اخرج (و همین طور دیگه خودت می‌تونی از اینجا به بعد ادامه بدی).^۳ به‌همین ترتیب عده کثیری آمدند که برای بی‌نمازان طرحی نو برانداختندی، ولی به فکر نمازخوانان نبودندی.^۴

- بی‌نوشت
- ۱. اختلاف نسخه.
- ۲. نوعی دار ملایم برای مجازات، ادارات.
- ۳. اختلاف نسخه.
- ۴. گفتنی است نویسنده این نوشته، پس از نوشتن این نوشته ناپدید شد و تاکنون اطلاعی از او در دست نیست. از یابنده خواهشمند است که ایشان را به بخش اشیاء گمشده ببخشید پیدا شده تحویل دهد و مزدگانی دریافت نماید.

سال‌ها بود که اوضاع مسلمین به هرنحوی که بود با نماز گره خورده بود و در جای‌جای خطه اسلام در مساجد و دارالصلواتها، مردم از جمله در دارالحکومات نماز می‌خواندند^۱ و اموری شایسته در امر ترویج نماز در این امرکینه بینجامید که در تاریخ ذکر آنها آمده است. چیزی که در تواریخ نیامده است، ذکر امور ناشایسته برای ترویج نماز است که نگارنده حقیق، تبر ابن چماق، در این سطور قطور، به ذکر آن می‌پردازم.
و چون کار حکومت مسلمین به دست متمسول ابن متاهل آن یگانه روزگار خویش افتاد، بر آن شد تا کاری شگرف در امر نمازخوانی اعمال و کارگزار کند و جمعیت نمازخوانان را بیش از پیش سازد. پس کمبود نمازخوانان را از کم بودن دارالصلواتها دانست و دستور به بنای دارالصلاتی بزرگ‌تر در دارالحکومه داد. چون به سمعش رساندند که: «بیشتر ساختن نمازخانه، نمازخوان بیشتر نساخت»؛ سخت برآشفتم و امر به بنای دارالصلاتی بزرگ‌تر در همان ادارات نمود و در مرات بعد نیز همین امر بداد تا کار به جایی رسید که داخل یک امارت چهارصد ذری، چهارهزار ذرع دارالصلاه ساخته بودند. دیگر، مریدان می‌ترسیدند چیزی بگویند که مبادا بزرگ‌ترش بنا شود.

چون دور به مستأجر ابن مقروض رسید، حق‌الصلاتی برای کارمندان نمازخوان قرار داد. بدین‌ترتیب



{ دفتر شعر }

چند رکعت با نسیم

■ اکرم عیسی آبادی

رکعت اول:
با یاری نسیم
مشغول یک نیایش آرام و ساده است
چادر نماز مادرم
بر روی بند رخت

رکعت دوم:
با یاری نسیم
موج از دل دریا شده آماده قیام
با سجده بر سجاده ساحل نماز موج
آرام شد تمام

رکعت سوم:
برگ از قنوت شاخه جدا شد
حرف دل درخت به گوش خدا رسید
با یاری نسیم

باید به آب و آینه ایمان بیاورم

■ رضا یزدانی مابونی

باید به آب و آینه ایمان بیاورم
یک آیه از طراوت انسان بیاورم
از بغض خیس علقمه باید وضو گرفت
از چشم‌های مرثیه باران بیاورم

باید برای حرمت سجاده‌های شب
تسبیح نور و تربت و قرآن بیاورم

قدقامت قیام تو را قد کشیده‌ام
گفتم که در برابر تو جان بیاورم

با خاتم عقیق علی خو گرفته‌ای
حتی اگر نگین سلیمان بیاورم

فانوس اشک‌های مرا غرق نور کن
تا شب برای غربت ایوان بیاورم

در یاسهای سبز اجابت گریستم
گفتم برای باغچه باران بیاورم

قنوت خالی دست‌ها

■ میثم حمیدی

به پیشگاه خودت خوانده‌ای مرا آنک
چراکه منتظرم بوده‌ای خدا آنک

منم مقابل تو با تمامی غم‌ها
منم که دور شدم از تو بارها آنک

سری به خاک و دلی رو به آسمان دارم
مرا به لحظه‌ای از خود مکن جدا آنک

در این حضور به غیر از صفا نمی‌بینم
بین چگونه تو را می‌کنم صدا آنک

قنوت خالی دست مرا بگیر خدا
تضرعی است در این شور ربنا آنک



شما هم اگر دلتان خواست لحظاتی را با نوشته این نویسنده باشید، می‌توانید به کتاب‌های او سری بزنید. چای با طعم خدا، روی تخته سیاه جهان با گچ نور بنویس، پیامبری از کنار خانه ما رد شد، در سینه‌ات نهنگی می‌تپد، هر قاصدکی یک پیامبر است، دو روز مانده به پایان جهان و... این چند سطر برگرفته از کتاب پیامبری از کنار خانه ما رد شد، هدیه ما به شما که در این صفحات با ما همراه بودید:

قطاری که به مقصد خدا رفت

قطاری که به مقصد خدا می‌رفت، لُختی در ایستگاه دنیا توقف کرد و پیامبر رو به جهان کرد و گفت: مقصد ما خدا است، کیست که با ما سفر کند؟ کیست که رنج و عشق توأمان بخواهد؟ کیست که باور کند دنیا ایستگاهی است تنها برای گذشتن؟ قرن‌ها گذشت، اما از بی‌شمار آدمیان، جز اندکی بر آن قطار سوار نشدند.

از جهان تا خدا هزار ایستگاه بود. در هر ایستگاه که قطار می‌ایستاد، کسی کم می‌شد. قطار می‌گذشت و سبک می‌شد؛ زیرا سبکی قانون راه خدا است.

قطاری که به مقصد خدا می‌رفت، به ایستگاه بهشت رسید. پیامبر گفت: اینجا بهشت است. مسافران بهشتی پیاده شوند؛ اما اینجا ایستگاه آخرین نیست.

مسافرانی که پیاده شدند، بهشتی شدند؛ اما اندکی، باز هم ماندند. قطار دوباره راه افتاد و بهشت جا ماند.

آنگاه خدا رو به مسافرانش کرد و گفت: دورود بر شما! راز من همین بود. آن‌که مرا می‌خواهد، در ایستگاه بهشت پیاده نخواهد شد.

و آن هنگام که قطار به ایستگاه آخر رسید، دیگر نه قطاری بود و نه مسافری... ■

پرونده ویژه: جوان و نماز



اکرم عیسی آبادی | تابلوی نماز

قصد مسافرت به سمت خدا دارم؛ اما درست نمی‌دانم کدام شکسته است: دلم یا نمازم؟

فرازی از مناجات شعبانیه: «إِلَهِي وَ أَلْهَمِي وَ لَسَا بِذِكْرِكَ إِلَهِي ذِكْرِكَ وَ هَمَّتِي فِي رُوحِ نَجَاحِ أَسْمَائِكَ وَ مَحَلِّ قُدْسِكَ؛ معبودا، همراه مرا شیفته یادت گردان؛ آن‌سان شیفتگی که جلوه نام‌هایت وجودم را فرا گیرد و مرا به مقام قدس تو رساند.»

سرچشمه دریای حیات است نماز
مفتاح تمام مشکلات است نماز
از تیر بلا واهمه‌ای نیست به دل
هنگام خطر چتر نجات است نماز

می‌شود پهن سجاده‌ها
باز هم رو به سوی خدا
من پیر از بار گمراهی‌ام
مؤمنان! التماس دعا

ای نماز ای محور آینه‌ها
چلچراغ افروز دل در سینه‌ها
موج‌ها را آشنا با وصل کن
کثرت ما را به دریا وصل کن

مرا که یادت هست خدای مهربانم؟ من آدم فرزند آدم هستم؛ ترکیبی از خاک و نفس تو. این روزها اما خیلی بوی خاک گرفته‌ام. انگار که ترکیب جسمم به هم خورده. باز هم به نفس خدایی تو محتاجم.

تا خدا راهی نمانده وقتی در مسیر رسیدن، گل‌های سجاده‌ات شکوفا می‌شود.

ای خدای دریاها و رودها و چشمه‌ها و ...! مقدمه همه حرف‌های من با تو تنها در وضو خلاصه می‌شود.

چه خوش نقش می‌شود دلم هنگامی که مشق عشق را هفده بار در روز تکرار می‌کنم.

الهی با من سخن می‌گویی و دستان زمین خیس می‌شود. می‌فهمم منظورت را؛ یعنی من هم آستینی بالا زنم و با تو حرف بزنم.

هر شب ساعت ستاره‌ها را کوک می‌کنم تا قبل از آفتاب به ملاقات خدا بروم.

باید رابطه‌ام با آفتاب گرم‌تر شود. هر صبح با او قرار بگذارم برای یک سلام تازه به خدا.

نماز، روشنی دل

به کوشش: علی مهدی زاده

توصیه‌های مقام معظم رهبری به جوانان درباره اهمیت نماز



ماه نماز و دعا

رجب، بیشتر ماه نماز است. شعبان، بیشتر ماه دعا و روزه است... در این سه ماه، آن‌چه می‌توانید، برای ذخیره‌گیری معنوی استفاده کنید؛ چون این متکی به روح جوانی است و برای شما ماندگار خواهد شد. همه‌ی چیزهای جامعه این‌گونه است. هر چیزی که به جوانان متکی باشد، این در جامعه اولاً ماندگار است، ثانیاً همیشه باطراوت و تر و تازه است. (۱۳۸۳/۰۷/۱۳)

این رابطه را حفظ کنید

جوانان عزیز، این ارتباطی را که به برکت این روزهای مبارک و شب‌های نورانی با خدای متعال پیدا کرده‌اند، نگذارند قطع شود. این رابطه‌ی با خدا را حفظ کنید. وسیله‌ی حفظ این رابطه هم در اختیار همه هست. اگر همین نماز پنج‌گانه، با توجه، با حضور قلب و با این توجه که در مقابل خدا ایستاده‌ایم، خوانده شود، بهترین رابطه است و روز به روز دل شما را نورانی‌تر خواهد کرد. آن جوان‌هایی در مساجد، حسینیه‌ها و حرم‌های مطهر گرد هم آمدند، گریه کردند، دعا خواندند، قرآن سر گرفتند، احیاء گرفتند و دل‌هایشان را با نور محبت الهی نورانی کردند، این رابطه را حفظ کنند که از آن بهره‌مند خواهند شد. ان شاء الله در طول زمان، در سال‌های دیگر، روز به روز این رابطه بیشتر خواهد شد. انسان از این راه هست که به کمال مطلوب و غایت خلقت خود، دست خواهد یافت. موفقیت در همه‌ی میدان‌های زندگی هم به همین وابسته است. (۱۳۸۵/۰۸/۰۲)

توصیه به جوانان

من به جوان‌ها سفارش می‌کنم. راه برای ما روشن است، موانع راه هم برای ملت ایران روشن است. باید این موانع را بردارید؛ هم موانع درونی و هم موانع بیرونی را. موانع درونی را باید با تضرع به درگاه پروردگار، با دعا، با توجه، با تربیت و تهذیب نفس، با تقویت اخلاق، با عبادت و با توسل، از پیش پا بردارید. اگر دل ما سالم نباشد، نمی‌توانیم دنیای سالمی درست کنیم. اگر در درون خودمان معیوب باشیم، نمی‌توانیم عیب جامعه و جهان را برطرف کنیم. ملت ایران بار سنگینی بردوش دارد و باید آن را به منزل برساند. باید دنیایی بسازد که هم برای خودش شیرین باشد و هم برای جوامع دیگر. شما می‌توانید چنین کاری بکنید؛ اما شرطش این است که هر یک از ما، درصد تهذیب نفس خودمان باشیم. نماز با توجه، انس با قرآن، دعا و توسل، تضرع، روزه‌ی ماه رمضان و عبادات نیمه‌شب، مخصوصاً برای جوانان که تأثیرپذیری‌شان زیاد است، می‌تواند مهذب نفس باشد. (۱۳۷۱/۰۱/۱۵)

خودآ

زهرة شریعتی



سخت

است، سخت. وقتی تنها می‌شوم، غمگین، خسته، عصبانی، ناراحت، افسرده، ستم‌دیده، گرفتار، بیمار و قدر نادیده... اولین چیزی که به ذهنم می‌رسد، قهر با خداست. حالا چطور قهر کنم؟ آها! نماز نمی‌خوانم! قهر از این بدتر؟!

از

دین که نه، از رفتار اشتباه دینداران و مدعیان دین دلخورم. دروغی بوده، غیبتی، تهمت‌ی و ظلمی. زورم که بهشان نمی‌رسد، زبان که ندارم، می‌ترسم حرفی بزنم، بلد هم نیستم چه کار باید بکنم. تلافی‌اش را سر چه کسی دریاورم؟ آها! نماز نمی‌خوانم! تلافی از این بدتر؟!

چشم‌هایش

را بسته، دهانش را باز کرده. مادر است، پدر است، همسر است، معلم یا بزرگتری. ولی آزارم داده، به دست یا به زبانش. حق بر گردنم دارد؟ بله. خدا گفته دارد. تکلیف؟! وقتی حق من ادا نشده، کدام تکلیف؟! نمی‌خواهم. این چه خدایی است با این بندگان ظالمش؟! فقط تکلیف من؟ باشد، بلد نیستم حق خودم را بگیرم، یا حق مردم را بخورم، حق خدا را که می‌توانم! پس نماز نمی‌خوانم! لجاجت از این بدتر؟!

قهر،

تلافی، لجاجت، به خاطر خودم. چون بندگان خدا مرا تحویل نگرفته‌اند، من هم خدا را تحویل نمی‌گیرم. خدا را؟! وقتی نماز نمی‌خوانم، خدا را تحویل نگرفته‌ام دیگر. خدا را؟! یا خودم را؟! یا خود را؟!

نماز مربی

نقش نماز در تربیت دینی

محمد خاکپور نمر... آبادی

آثار تربیتی نماز

۱. از بین بردن روحیه تکبر

وقتی کسی این وظیفه را باور داشته باشد که باید روزی پنج بار در ازای نعمات بی‌پایان الهی در مقابل ذات لایزال الهی سر به سجده تعظیم فرود آورد، این خصلت در او نهادینه می‌شود که در مقابل لطف و محبت دیگران نیز بی‌توجه نباشد.

نماز، ابزار تعالی معنوی و محور تربیت انسانی

خداوند ظرف وجودی موجودات را متفاوت قرار داده؛ از این رو رسیدن هر کدام از آنها به نهایت کمال، سعادت و رستگاری‌شان نیز متفاوت است. کمال حیوانات و جمادات و ... به علت کوچک و محدود بودن، به وسیله غریزه‌شان دست‌یافتنی است. اما کمال و سعادت را که خداوند برای انسان قرار داده است، به صرف غرایز قابل دستیابی نیست و به برنامه‌ای خاص نیاز دارد. خداوند به‌گونه‌ای زیبا امر هدایت را در قالب برنامه عبادتی مثل نماز برای انسان قرار داده است که می‌تواند انسان را به نهایت سعادت و رضوان الهی برساند. در روایات و آیات قرآن، شرط قبولی یا رد همه عبادات را قبولی یا رد نماز ذکر فرموده‌اند: «ان قُبلت قُبلت ما سواها و ان رُدت رُدت ما سواها»^۱ و محافظت از نماز از نشانه‌های مؤمن شمرده شده است: «والذین هم علی صلواتهم یحافظون»^۲ جدای از آثار اخروی نماز، مهم‌ترین اثر دنیوی آن، نقش تربیتی نماز در به سعادت رساندن انسان است که در ادامه آن را بررسی می‌کنیم.

کسی که هنگام نمازهای روزانه به نکات بهداشتی اهمیت می‌دهد، ناگزیر است در غیر آن مواقع هم نسبت به پاکیزگی مراقبت داشته باشد.

۴. عزت نفس

انسان نمازگزار می‌داند که همه هستی خود را از ذات قادر متعال دارد و خود را بنده ذلیل و کوچک خدا می‌شمارد. حضرت علی (علیه السلام) در بیانی زیبا فرموده است: «الهی کفا بی عزاً أن تکون لی ربا و کفی بی فخراً أن اکون لک عبداً»^۳ چنین بنده‌ای دیگر خود را در مقابل دیگران ذلیل نمی‌یابد و عزتمند است.

۵. رعایت حقوق دیگران

از جمله شرایط صحت نماز مباح بودن آب وضو، لباس و مکانی است که نمازگزار برای اقامه نماز به آنها احتیاج پیدا می‌کند. نماز، بنده را به رعایت حقوق دیگران دعوت می‌کند و این نکته را می‌آموزد که به حقوق دیگران بی‌توجه نباشیم.

۶. رعایت قوانین

برای اقامه نماز باید به قوانین و احکام نماز پایبند باشیم و نمی‌توان بدون ضابطه به اقامه نماز پرداخت. به همین جهت امروزه در کل زمین تمام نمازگزاران به یک‌گونه با پروردگارشان به راز و نیاز می‌پردازند. مسلماً رعایت قوانین که چنین نمازگزاران را متحد و یک‌دست قرار داده، می‌تواند آنها را به رعایت قوانین اجتماعی ترغیب نماید.

۷. تقویت صبر و پایداری

همه خوبی‌های نماز برای بندگان مشخص نیست و خوبی‌های مشخص نماز هم برای همه روشن نیست. لذا انجام این فریضه هدایت‌کننده برای برخی سخت می‌نماید. نبی مکرم فرموده‌اند که: «مَثَل من نسبت به نماز مَثَل گرسنه‌ای است که غذا در برابرش قرار دارد؛ با این فرق که او از غذا سیر می‌شود، ولی من از نماز سیر نمی‌شوم»^۴ نمازگزاری که نسبت به اقامه نماز صابر است، اهل صبر می‌شود و بر بردباری نسبت به سختی‌ها تربیت می‌شود.

۲. پاکیزگی

از جمله مقدمات برپایی نماز، طهارت است. کسی که اهل نماز باشد، نمی‌تواند به نظافت و پاکیزگی محیط اطراف خود بی‌توجه باشد. هنگام اقامه نماز برخی از احکام شرعی، نمازگزار را وادار می‌کند به تمیزی و طهارت لباس خود، توجه داشته باشد و کسی که هنگام نمازهای روزانه به نکات بهداشتی اهمیت می‌دهد، ناگزیر است در غیر آن مواقع هم نسبت به پاکیزگی مراقبت داشته باشد.

۳. وقت‌شناسی

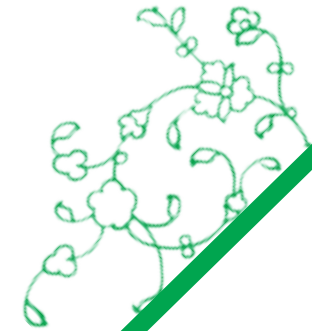
کسی که اهل نماز است، اهل وقت‌شناسی نیز است. هر وعده از نمازها باید در زمان خاص خودش اقامه شوند و نمی‌توان زمان اقامه نمازهای پنج‌گانه را جابه‌جا نمود؛ بلکه باید با توجه به زمان معین‌شده از طرف شارع مقدس به اقامه نماز پرداخته شود.



آیا جوانان بی‌نماز شده‌اند؟

← آسیب‌ها و راهکارها

عبدالرضا آتشین‌مدف |



۸. ایستادگی در مقابل هواهای نفسانی

نمازگزار نمی‌تواند هنگام نماز بخندد، بخورد، و... باید خود را در مقابل خواسته‌های درونی و نفسانی‌اش مهار کند تا اقامه نماز به پایان برسد. تربیت‌یافته چنین برنامه‌ای می‌تواند در مقابل هواهای نفسانی‌اش در خارج از نماز نیز بایستد.

۹. منتسب بودن به نماز عامل تربیت نزدیکان و خانواده

در ادبیات قرآنی هر کسی نمی‌تواند ادعای داشتن خانواده کند.^۵ در صورتی شخص می‌تواند ادعا کند در زمره خانواده صالح قرار دارد که در رفتار و عملش این انتساب را نشان دهد. فرزندان که والدین آنها اهل نماز هستند، اگر خود نیز اهل نماز باشند می‌توانند ادعای انتساب داشته باشند. رعایت کرامت و منزلت خانواده به سبب این انتساب از عجایب و زیبایی‌های تربیتی نماز است.

۱۰. ترک گناه

وقتی انسان طوق بندگی بر گردن آویخت و نشان زیبای عبد بودن را از خداوند به ودیعت گرفت و پنج مرحله در شبانه‌روز فریضه نماز را اقامه کرد، دیگر نمی‌تواند به هر کاری دست زند و به رفتار و کردارش بی‌توجه باشد. با این برنامه است که انسان برای همیشه حیاتش از گناه دور می‌ماند.

۱۱. تربیت انسان برای رسیدن به حداقل کمال

هیچ انسان عاقلی نمی‌تواند ادعا کند که به دنبال کمال طلبی نیست. برخی کمال و سعادتشان را در دنیای فانی جستجو می‌کنند و غافل از این هستند که سعادت حقیقی فقط و فقط در کسب رضایت الهی نهفته است. حد و اندازه سعادت انسان‌ها نیز فرق می‌کند. برخی سعادتشان رضوان الهی است و برخی دیگر اولین مرتبه از بهشت. اگر کسی به نماز توجه نماید به حداقل کمال که همان بهشت نعمات الهی است، خواهد رسید.

آنچه ذکر شد، کمتر از قطره‌ای بود در برابر اقیانوس بی‌کران آثار تربیتی فریضه نماز که خداوند تبارک و تعالی با حکمت بی‌نهایت خود در لابه‌لای این عبادت انسان‌ساز قرار داده است. ■

● بی‌نوشت

۱. سید ابن طاووس، فلاح‌السائل، ص ۱۲۷.

۲. مؤمنون: ۹.

۳. مناجات حضرت علی علیه السلام.

۴. مصباح یزدی، ره توشه، ج ۱، ص ۱۲۱.

۵. نفی انتساب فرزند حضرت نوح (علی نبینا و آله و علیه السلام) به ایشان، از نمونه‌های آشکار این قضیه است.



چقدر امروز این ساعت زنگ می‌خورد!!! یکی نیست خاموشش کنه؟! ببینم ساعت چنده. خیلی خوب هنوز وقت هست؛ یه کم دیگه بخوابم.... آخ‌خ‌خ.. چرا هوا اینقدر روشنه؟ مگه ساعت چنده؟ باز هم نمازم قضا شد....

آسبیبی که امروزه متأسفانه دامنگیر بسیاری از خانواده‌ها شده، ضعف تأثیر والدین بر باورها و رفتارهای دینی و مذهبی فرزندان است. گویی والدین به دلایلی همچون گسست نسلی، توانایی ترغیب فرزندان خود به نماز و دیگر وظایف مذهبی را ندارند. چنین امری یکی از عوامل و موانع بازدارنده جوانان و نوجوانان از انجام فریضه نماز به شمار می‌آید.

در محیط‌های آموزشی نیز، مسئولان فرهنگی افراد را به نماز دعوت می‌کنند؛ اما هنگام اذان فارغ از دغدغه اقامه آن، با دوستان و همکاران به گفتگو می‌نشینند! جوان و نوجوان وقتی ببیند که مبلغ نماز و نمازخوانی، خلاف گفته‌های خود عمل می‌کند،

مثلاً از اهمیت نماز اول وقت می‌گویید، بدون آنکه خود اهمیت لازم را به آن بدهد، گاهی از آثار نماز می‌گویید، بدون اینکه آثار نماز در او جلوه کرده باشد، مسلماً از نمازخوانی و توجه به آن دلسرد می‌شوند.

راهکارهای ترغیب و افزایش گرایش جوانان و نوجوانان به نماز

نقش رسانه‌ها

رسانه‌ها یکی از عوامل مؤثر و مهم زندگی است و باید با خواست و ارزش‌های معنوی خانه و خانواده و جامعه، همسو و هماهنگ باشد تا بتواند گرایش به نماز اول وقت را در نوجوانان و جوانان زنده نگه دارد. رسانه‌ها فناوری فوق‌العاده‌ای هستند که دنیای ما را به تسخیر خود درآورده‌اند و از نخستین دوران زندگی تا پایان حیات انسان، به عنوان عاملی آموزنده و تأثیرگذار، نقش بسیاری بر زندگی ما دارند. بنابراین، رسانه‌ها، دنیای جدیدی هستند که بدون توجه به آثار تربیتی آن، توفیق در آموزش و گرایش به نماز امکان‌پذیر نیست.

آنچه در تربیت و آموزش نماز اهمیت دارد، رسوخ روح معنوی نماز به اعماق دل او است، نه تحمیل شکل و قالب نماز به او. زمانی آموزش نماز فرین موفقیت می‌شود که با احساسی خوشایند همراه باشد.

نهارز

۲ نقش خانواده

یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر اقامه نماز و سایر ارزش‌های دینی در جوانان، والدین و نقش مهم تربیتی و رفتاری آنان است. آموزش نماز و پرورش روحیه مذهبی مناسب برای انجام آن، ابتدا از خانه شروع می‌شود و خانواده نقشی مهم در انتقال فرهنگ نماز از خود بروز می‌دهد. آنچه در مورد فرزند در گرایش به نماز مهم است، وجود انگیزه است و آنچه در تربیت و آموزش نماز اهمیت دارد، رسوخ روح معنوی نماز به اعماق دل او است، نه تحمیل شکل و قالب نماز به او. زمانی آموزش نماز قرین موفقیت می‌شود که با احساسی خوشایند همراه باشد. در کانون خانواده است که گرایش دینی افراد تقویت می‌شود و خمیرمایه شخصیت مذهبی در آنان تکوین می‌یابد. در همین مکان است که رغبت‌ها، احساسات خوشایند و ناخوشایند، رفتارهای متعادل و نامتعادل و نگرش‌ها و باورهای درست یا غلط منعقد می‌گردد.^۱ امام علی علیه السلام خطاب به امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

نحوه آشنا کردن فرزندان با نماز و امور مذهبی، باید از سن ویژه‌ای آغاز شود و به صورت مرحله‌به‌مرحله اجرا گردد؛ نه آنکه به یکباره کودک را در سن و وضعیتی نامناسب، به نماز و همه مقدمات و شرایط اجبار نماییم.

«قلب نوجوان، همچون زمین خالی است، هر بذری که در آن افکنده شود، می‌پذیرد. من پیش از آنکه دلت سخت و فکرت مشغول شود، به ادب و تربیت تو مبادرت ورزیدم».^۲

۳ فرهنگ‌سازی و آموزش مرحله‌ای

فرهنگ نماز باید از سنین کودکی و نخست در محیط خانواده به فرزندان منتقل شود؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که کودکی به سه‌سالگی رسید، هفت مرتبه «لااله الا الله» برای او بگویند، سپس او را آزاد بگذارید تا هفت ماه و بیست روز بگذرد. آنگاه هفت مرتبه «محمد رسول الله» برایش بگویند. وقتی چهار ساله شد، هفت مرتبه «صل علی محمد و آل محمد» و در پنج سالگی دست راست و چپش را به او یاد بده. پس از آن او را با قبله آشنا کن و به او بگو به سمت قبله سجده کند. سپس تا شش سالگی او را رها کن. بعد از آن نماز خواندن در رکوع و سجود را به او یاد بده و هنگامی که هفت‌ساله شد، شستن دست و صورت و تمرین نماز و پس از آن نماز

جوانان

کامل و وضوی کامل و مراقبت بر ادای آن را به وی بیاموزید».^۳ این دو روایت ما را با نکته‌ای ظریف و اساسی درباره تربیت مذهبی و به‌ویژه سن آغاز آموزش نماز آشنا می‌سازد. از منظر امام صادق علیه السلام نحوه آشنا کردن فرزندان با نماز و امور مذهبی، باید از سن ویژه‌ای آغاز شود و به صورت مرحله‌به‌مرحله اجرا گردد؛ نه آنکه به یک‌باره کودک را در سن و وضعیتی نامناسب، به نماز و همه مقدمات و شرایطش اجبار نماییم. ما با این کار فقط موجب گریز وی در نوجوانی و جوانی از این فریضه مهم می‌گردیم.

۴ دانش و بصیرت‌افزایی

علم و بصیرت، اساس معرفت و ایمان به خدا است و هرچه آدمی از ایمان و شناخت ژرف‌تری برخوردار باشد، به خداوند نزدیک‌تر می‌شود و بهتر او را می‌پرستد. این موضوع در قرآن چنین بیان شده است: «انما یحیی الله من عباده العلماء»^۴ فقط دانایان از خداوند بیم دارند». این بیم و هراس به سبب درک عظمت و جلال و جبروت الهی است. هرچه انسان

بیشتر به آن پی ببرد، خود را در برابر او کوچک‌تر می‌بیند و خودبه‌خود در برابر آفریدگار بزرگ به کرنش و پرستش می‌ایستد و باور می‌کند که در برابر جمال حق، باید بنده‌ای سپاسگزار باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «به‌راستی خداوند به سبب دانش اطاعت می‌شود و به سبب دانش پرستش می‌شود و خوبی دنیا و واپسین، همراه دانش است؛ چنان‌که بدی آن دو با نادانی است».^۵

۵ بیان معارف نماز

معرفت به نماز عامل مهمی برای پایبندی به آن است؛ لذا برای تقویت پایه و اساس عمل که معرفت و شناخت است، باید ابعاد مختلف روحی و روانی، سلامتی و تندرستی، جاودانگی و کمال اخروی نماز را برای جوانان و نوجوانان تشریح کرد. مقام معظم رهبری در پیامی فرمود: «برای تبیین ژرفای نماز و معرفی رازها و زیبایی‌های آن، دست به تلاش پیگیر و همه‌جانبه‌ای زده شود. در کتاب‌های معارف دانشگاه‌ها و کتب درسی دوره‌های پیش از دانشگاه و جزوه‌های

مبلمان دین نه تنها مردم را در مرحله شناخت‌دهی و آگاهی‌بخشی رهبری می‌کنند، بلکه در مرحله عمل نیز به واسطه رفتار و کردار خود راهبر مردم هستند.



{ بالاترین فریاد }

نماز در کلام امام خمینی (ره)

رامین کریمی |

● «معلوم می‌شود که حقیقت این عبادت الهی [نماز] و نسخه جامعه، برای خلاصی این طایفه‌های قدسی از قفس تنگنای طبیعت به کشف تام محمدی ترتیب داده شده و به قلب مقدسشان نازل گردیده...»^۱

● «ما با ذکر خدا، با اسم خدا پیش بردیم و نماز بالاترین ذکر خداست. اگر در نماز کوتاهی بشود؛ هر کس بگوید خوب من خودم تنهایی می‌روم توی خانه‌ام می‌خوانم، خیر نماز را در جماعت بخوانید. اجتماع باید باشد. مساجد را پر کنید... این‌ها از مسجد می‌ترسند. من تکلیفم را باید ادا کنم، به شما بگویم. شما دانشگاهی‌ها، شما دانشجویها، همه‌تان مساجد را بروید پر کنید. سنگر است اینجا. سنگرها را باید پر کرد...»^۲

● «در اسلام، از نماز هیچ فریضه‌ای بالاتر نیست... نماز پشتوانه ملت است، سیدالشهدا در همان ظهر عاشورا که جنگ بود - آن جنگ بزرگ بود و همه در معرض خطر بودند - وقتی یکی از اصحاب گفت ظهر شده است، فرمود که یاد من آوردید، یاد آوردید نماز را، خدا تو را از نمازگزاران حساب کند و ایستاد همان جا نماز خواند. نگفت که ما می‌خواهیم جنگ بکنیم، خیر، جنگ را برای نماز کردند... جنگ برای این است که ... آن‌هایی که مانع از پیاده شدن اسلام هستند، آن‌ها را از بین راه بردارند؛ مقصد این است که اسلام را پیاده کنند و با اسلام انسان درست کنند. نماز یک کارخانه انسان‌سازی است، نماز خوب فحشا و منکر را از یک امتی بیرون می‌کند...»^۳

● پی‌نوشت

۱. اسرار نماز یا معراج السالکین و صلوة العارفین، امام خمینی (ره)، ص ۱۰.
۲. صحیفه نور، جلد ۷، صفحه ۲۸۹.
۳. صحیفه امام، ج ۱۲.

کوچک و قابل فهم همه، سخنان نغز و پرمغز و مضمون‌های تازه فراوان در این باره وارد شود»^۶.

۶ تناسب گفتار و رفتار الگوهای مذهبی

الگوهای مذهبی باید این واقعیت را بپذیرند که هر نوع رفتار، کردار و عملکرد آنان، در دینداری، معنویت‌گرایی و ایمان‌خواهی مردم تأثیر خواهد داشت و این سخن پیغمبر ﷺ را به دقت توجه کنند که می‌فرماید: «دو گروه از امت من هستند که اگر صالح شوند، مردم صالح می‌شود و هنگامی که فاسد شوند، مردم فاسد می‌شوند. اول عالمان و دوم سلاطین». حاکمان و بزرگان دینی در طول تاریخ نقش محوری و اساسی داشته و صلاح مردم به دست آنها بوده است. مبلغان دین نه‌تنها مردم را در مرحله شناخت‌دهی و آگاهی‌بخشی رهبری می‌کنند، بلکه در مرحله عمل نیز به واسطه رفتار و کردار خود راهبر مردم هستند. مسلماً اگر مردم حرف و عمل رهبران دینی را هماهنگ ببینند، به دین و اعتقادات خود علاقه بیشتر پیدا می‌کنند. اما چنانچه چیزی غیر از این ببینند، موجب دلسردی

از دین و دیانت آنان می‌شود. چه بسا یک جوان با یک رفتار مناسب انسانی و الهی گرایش شدیدی به دینداری پیدا کند و گاهی برعکس چنین اتفاقی رخ دهد.

۷ پاکیزگی و جذابیت محیط نماز

طبع جوانان به مکان‌های پاکیزه، زیبا، جذاب و دلپذیر بیشتر گرایش پیدا می‌کند؛ بنابراین برای جذب آنان به نماز باید محیط برگزاری نماز، همچون مسجد را آراسته و پاکیزه ساخت. استفاده از فرش‌های تمیز و پاکیزه، روشنایی در حد مطلوب و معطر و خوشبو بودن فضا و آراسته بودن نمازگزاران، از جمله مهم‌ترین مواردی است که باعث افزایش جلب جوانان به محیط‌های برگزاری نماز می‌گردد.^۷

● پی‌نوشت

۱. رضا فرهادیان، «عوامل مؤثر در گرایش نوجوانان و جوانان به نماز»، مجله گلستان قرآن، شماره ۲۹، شهریور ۱۳۸۰.
۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱.
۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۳.
۴. فاطر: ۲۸.
۵. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۲۰۴.
۶. روزنامه جمهوری اسلامی؛ ۱۳۷۵/۷/۲.



حتی شما دوست عزیز!

← نقش دوست در فرهنگ نماز خوانی

■ زهرا بشری موحد

«میایی امروز عصر بریم به دوری بزیم؟»
 «دو سه روز ماشین دست منه، بریم نمایشگاه کتاب».
 «قرارمون فردا، همون کافه همیشگی».
 همه ما کم و بیش از این دست پیامها برای دوستان فرستاده‌ایم و علاقه‌مندیم، لذت‌های مادی و معنوی مان را با هم شریک شویم؛ به ویژه تا وقتی جوان و نوجوانیم، مایلیم که لحظه‌های خوبی در کنار رفقایمان داشته باشیم؛ و این خیلی خوب است! شاید این جمله کلیشه باشد، ولی باز هم باید

تکرار کرد که: «انسان موجودی اجتماعی است». انسان در انزوا، افسرده می‌شود. جوان و نوجوان با آن همه شور و انرژی در تنهایی کسل می‌شود. داشتن چند دوست صمیمی و متعهد و دلسوز، برای همه ما انسان‌ها ضروری است تا بتوانیم در کنار آنها اجتماعی‌تر زندگی کنیم.
 دوستی و محبت، نقش بسیار پررنگی در زندگی انسان دارد. آن قدر پررنگ که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: «کسانی که در دنیا ما را دوست دارند، در آخرت هم با ما خواهند بود».^۱ این کلام ارزشمند علاوه بر اینکه ارزش حب اهل بیت علیهم‌السلام



را نشان می‌دهد، به طور ضمنی بیانگر این نکته است که دوستی‌های دنیایی، آینه‌ای از دوستی‌های اخروی هستند. کاش از امروز کاغذ و قلمی برداریم و اسم کسانی را که دوستشان داریم بنویسیم. بعد با خودمان فکر کنیم چرا این آدم را دوست داریم؛ چون مثلاً وقتی با هم هستیم، خیلی به ما خوش می‌گذرد؟ یا مثلاً چون هروقت می‌رویم بیرون، ذنگ ما را هم او حساب می‌کند؟! یا چون خیلی آدم سرخوش و شادی است و لطیفه‌های بامزه‌ای می‌داند؟! یا نه! چون هروقت هرجا باشیم و صدای اذان را بشنویم، می‌گویید برویم مسجد؟ کاش از امروز تلفن همراهمان را برداریم و بگردیم دنبال آدم‌هایی که برایمان پیامک زده‌اند: «سلام رفقا! قرارمون، امشب مسجد، نماز مغرب و عشا» یا «اگه دوست داشتی بیا ظهر بریم نماز جماعت، نمازمون رو با هم بخونیم و بعدش هم یه نهار دو نفره». بله! لابد الان با خودتان فکر می‌کنید شاید این پیامک‌ها ریاکارانه باشد! شاید در آن لحظه‌ای که این پیام را دریافت کنیم، یک جایی ته دلمان بگوییم: «مثلاً می‌خواد بگه اهل نماز جماعتم!». اما رابطه دوستانه، جای گمان‌های ناروا نیست. رابطه دوستانه محملی است برای حسن ظن به خلق خدا. آدمی که به خلق خدا حسن ظن نداشته باشد، برایش سخت است که به خدا حسن ظن داشته باشد؛ چون حسن ظن داشتن را تمرین نکرده است. اصلاً فرض می‌کنیم که دوستان برای ریا و تظاهر، ما را به نماز و نماز جماعت دعوت می‌کنند. بی‌شک چنین دوستی برای ما نعمت است و باید با نگاهی خوشبینانه به رفتار او، شاکر این نعمت باشیم.

چند رفیق و دوست داریم که وقتی در محوطه مدرسه و دانشگاه با هم بحث علمی و سیاسی و فوتبالی و فرهنگی می‌کنیم، یادمان بیندازد وقت نماز است؟ چند تا از دور و بری‌هایمان یک ربع - بیست دقیقه به اذان دنبال آب می‌گردند برای وضو؟ چند تا از اسم‌های لیست دوستانمان در تلگرام و واتس آپ و وایبر و شبکه‌های اجتماعی، موقع نماز online نیستند؟ ای کاش از امروز بگردیم دنبال این دوست‌ها! دنیا به تنهایی آن قدر شلوغ است که انسان را از خدا غافل کند. اگر دنیایمان را از آدم‌هایی پر کنیم که آنها هم ما را از یاد خدا دور کنند، کارمان سخت‌تر می‌شود. «الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ»^۲ روزی می‌آید که همه دوستی‌ها و پیوندها تمام می‌شود. برادر از برادر فرار می‌کند، پسر از پدر، پدر از پسر، و دوست از دوست. اما یک عده هستند که در آن روز هم باهم دوستند؛ آنها متقینند. آنها کسانی هستند که به دوستشان توصیه می‌کنند زودتر بیاید سر قرار تا جایشان در صف اول نماز پر نشود. آنها کسانی هستند که نمازشان فقط نماز نیست، نمازشان امر به معروف هم هست. نمازشان دیدار با برادر و خواهر دینی هم هست. نمازشان صله ارحام هم هست. هنگام اذان باید همه روابط انسان با دنیایش قطع شود تا با خدایش تنها باشد. هنگام اذان رفاقت با غیر خدا تعطیل! حتی شما دوست عزیز! ■

● بی‌نوشت
 ۱. شیخ صدوق، امالی، ص ۲۱۰.
 ۲. زخرف: ۶۷.



یاور نماز، کسی است که علاوه بر اینکه خودش نماز می‌خواند، برای اقامه نماز در جامعه تلاش می‌کند. تفاوتش در اینجا است. بعضی‌ها خودشان نماز می‌خوانند، چه بسا در نماز جماعت هم شرکت می‌کنند، اما وقتی یاور نماز می‌شوند که به اقامه نماز کمک کنند و موافق جامعه را به اندازه وسعتشان برطرف سازند.

نماز یاور جوان

مهدی طالقانی |

مصاحبه با سیدعلی منیری؛ معاون توسعه مشارکت‌های مردمی ستاد اقامه نماز کشور

می‌گویند که هدفشان پیوند و آشتی جوانان با نماز است، با یک جنبش اجتماعی و هزار البته یک برنامه‌ریزی مدون. یاوران نماز این روزها در حال سازماندهی، با یک هدف مقدس هستند: پیوند و آشتی جوانان با نماز. در ادامه گفتگو با «سیدعلی منیری؛ معاون توسعه مشارکت‌های مردمی ستاد اقامه نماز کشور» درباره نقش جوانان یا همان یاوران نماز در آینده اقامه نماز در کشور را می‌خوانید.

جناب منیری، تشکیل مجموعه یاوران نماز با هدف آشتی جوانان با نماز است یا اصلاح وضعیت نماز در جامعه با نیروی جوان؟
 در خصوص یاوران نماز دو بحث را دنبال می‌کنیم که در سؤال شما هر دو حالت وجود دارد. یکی نماز شناسی است، دیگری شیوه‌های دعوت به نماز. مشخصاً نماز شناسی باعث می‌شود معارف نماز به آگاهی‌های فرد اضافه شود و معلومات

دینی افزایش پیدا کند. شیوه‌های دعوت به نماز، هر دو بخش مدّ نظر ما، یعنی بحث نماز شناسی و شیوه‌های دعوت را در برمی‌گیرد. در طرح یاوران نماز به دنبال این هستیم که فرد در درجه اول نمازش اصلاح شود و رشد یابد و اگر شبهه‌ای درباره نماز دارد، احکامی را نمی‌داند یا در خصوص معارف نماز به دانش بیشتری نیاز دارد، به آن دست یابد. در گام دوم نیز شیوه‌های دعوت به نماز را فرا بگیرد و بتواند دیگران را به نماز دعوت کند.

بحث نماز شناسی از طریق چه فرآیندی برای یک جوان یاور نماز صورت می‌پذیرد؟

مرحله ابتدایی مرحله سنجش دانش و آگاهی است که در حال طراحی سامانه‌ای هستیم که در درجه اول یک آزمون تعیین سطح از معارف نماز از افراد گرفته شود، بر اساس دوره‌هایی که برایشان در نظر گرفته شده و گذرانده‌اند و شناختی که از ویژگی‌های نماز دارند. علاوه بر این، یک بخش هم خوداظهاری در اعضا است که می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

در واقع نماز شناسی از مباحث ساده و ابتدایی، صورت نماز شروع می‌شود و با سیرت نماز، کار ادامه پیدا می‌کند.

ساده‌ترین تعریف شما از جوان یاور نماز چیست؟

اگر بخواهم یاوران نماز را در یک جمله تعریف کنم، یاور نماز کسی است که سعی می‌کند یک کار

را در زندگی شخصی و اجتماعی خود به نحو کاملی اجرا کند. آن کار، ادا کردن حق نماز است. قرآن درباره نماز، از عبارت خواندن استفاده نکرده، بلکه لفظ اقامه را به کار برده است. یاوران نماز کسانی هستند که به اقامه نماز کمک می‌کنند.

همین نکته تفاوت او با جوانی است که به صورت عادی و براساس عادت نمازش را ادا می‌کند.

بله، یاور نماز، کسی است که علاوه بر اینکه خودش نماز می‌خواند، برای اقامه نماز در جامعه تلاش می‌کند. تفاوتش در اینجا است. بعضی‌ها خودشان نماز می‌خوانند، چه بسا در نماز جماعت هم شرکت می‌کنند، اما وقتی یاور نماز می‌شوند که به اقامه نماز کمک کنند و موافق اقامه نماز در جامعه را به اندازه وسعتشان برطرف سازند.

کسی که می‌خواهد دیگران را به نماز - و البته هر کار خیر دیگری - دعوت کند، باید به قول گذشتگان «نفس» داشته باشد. این قضیه در مورد یاوران نماز چگونه است؟

نماز شناسی با این نگاه گذاشته شده و استراتژی راهبری ما برای نماز شناسی، بر اساس این تفکر بوده است. اینکه ما می‌گوییم طرف اول خودش باید اهل نماز باشد، اول نماز خودش ارتقا پیدا کند، با کیفیت و تکمیل شود، برای همین است.

یاور نماز می‌تواند جوانی باشد که مقاله‌ای در باب

هنرمندی که با هنر خودش، نویسنده‌ای که با قلم خودش، گوینده‌ای که با سخن خودش، مدیری که با امکانات خودش، معلمی که با تدریس خودش، دانشجویی که با بیان خودش، طلبه‌ای که با منبر خودش، محقق‌ای که با تحقیق خودش به اقامه نماز یاری می‌رساند، یاور نماز است.

ما در بحث نماز به یک تلاش همگانی نیاز داریم. اگر می‌خواهیم در جامعه نماز به عنوان ستون خیمه دین برپا شود، مانند ستون یک خانه به قوی‌ترین مصالح و مستحکم‌ترین ابزارآلات نیاز داریم. قطعاً استحکام وقتی شکل می‌گیرد که ذرات زیادی تحت شبکه قدرتمندی به هم متصل شده باشند.

نماز می‌نویسد یا فیلمی را کارگردانی می‌کند و...؟
 دقیقاً همین‌طور است. هنرمندی که با هنر خودش، نویسنده‌ای که با قلم خودش، گوینده‌ای که با سخن خودش، مدیری که با امکانات خودش، معلمی که با تدریس خودش، دانشجویی که با بیان خودش، طلبه‌ای که با منبر خودش، محقق‌ای که با تحقیق خودش به اقامه نماز یاری می‌رساند، یاور نماز است. این کار اصلاً محدودیت ندارد. هرکس به فراخور بضاعتی که دارد، داشته‌های خودش را در زمینه اقامه نماز می‌آورد، این می‌شود یاور نماز.

چگونه این جوانان می‌توانند در ساختار یاوران نماز حضور یابند؟

در حال طراحی کانون‌ها و شبکه‌های مختلفی در این باره هستیم. ان‌شاءالله امسال در اجلاس سراسری نماز، پورتال جامعه نماز رونمایی خواهد شد. فضای مجازی مرزها را برداشته و محدودیت‌های فضای حقیقی را ندارد؛ لذا می‌خواهیم از این فضا بهره ببریم تا اعضا بتوانند در قالب تشکیلاتی، کنار هم باشند.

نخبگان جوانی در جامعه هستند که برای جلب حمایت و توانمندی‌های‌شان باید قدمی بردارید. شما به عنوان معاون توسعه مشارکت‌های مردمی و البته از سازمان‌دهندگان تشکل یاوران نماز، برنامه‌ای برای جذب نخبگان دارید؟

ما چند نگاه داریم و بدین منظور دو صورت را دنبال کرده‌ایم؛ یعنی هم نگاهمان گزینشی است که موضوعات مختلفی در بردارد، از قبیل اینکه کانون‌هایی را برای جذب افراد فراهم آوریم. کار بزرگی برای این امر در ورود به فضای مجازی داریم. همچنین به دنبال جامعه‌ای هستیم که

ظرفیت‌شناسی داشته باشد و یک جریان اجتماعی را دنبال می‌کنیم که نخبگان دانشگاه‌ها، مدارس علمیه، تشکل‌های فرهنگی مثل بسیج و غیره هم بتوانند به ما بپیوندند.

آیا فرانخه‌گرایی نیز مدنظر تان است؟ مشارکت حداکثری اقشار مختلف جامعه در بحث نماز امکان‌پذیر است؟

بله، ما تمام اقشار جامعه جوان را مد نظر داریم. ورزشکاران، شخصیت‌های سینمایی و اجتماعی، اشخاص مملکتی و... می‌توانند یاور نماز باشند و ما اصلاً محدودیتی نداریم. می‌خواهیم همه به اندازه بضاعتشان در این طرح سهیم باشند.

ما در بحث نماز به یک تلاش همگانی نیاز داریم. اگر می‌خواهیم در جامعه نماز به عنوان ستون خیمه دین برپا شود، مانند ستون یک خانه به قوی‌ترین مصالح و مستحکم‌ترین ابزارآلات نیاز داریم. قطعاً استحکام وقتی شکل می‌گیرد که ذرات زیادی تحت شبکه قدرتمندی به هم متصل شده باشند. مگر می‌شود بدون همراهی و در نظر گرفتن تمام اقشار جامعه کار فرهنگی انجام داد؟ نویسنده، فیلمنامه‌نویس، کارگردان و... تمام اینها می‌توانند در این موضوع نقش داشته باشند.

اعتقاد دارید که بحث یاوران نماز، می‌خواهد مقوله ترویج نماز را از دست طلبه‌ها و روحانیان خارج سازد و به تمام مردم تسری دهد؟

این‌گونه نیست؛ بلکه می‌خواهیم به کمک آنها، این کار را انجام دهیم. ما نیروهای مختلف اجتماعی را سازماندهی می‌کنیم تا در کنار روحانیان، در کنار کسانی که پرچم‌دار دین هستند و لباس دین به تن دارند و در حوزه‌های فرهنگی کار می‌کنند، مشغول



فعالیت شوند. می‌خواهیم کاری کنیم که بگوییم اقامه نماز فقط وظیفه امام جماعت مسجد محل نیست، اقامه نماز وظیفه همه مردم آن محل است. یکی کاسب است، یکی دانشگاهی است، یکی راننده تاکسی است، یکی معلم است، یکی... فرق نمی‌کند، هرکسی در جامعه اسلامی زندگی می‌کند و خدای متعال برایش تمکن ایجاد کرده است، باید به این امر مبادرت بوزرد؛ چراکه قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ إِِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» تا تمکن پیدا کنند به اقامه نماز می‌پردازند.

ساختار ستاد اقامه نماز چطور؟ آیا این ساختار به ظاهر قدیمی، می‌تواند جوانان علاقه‌مند را جذب کند و در قالب‌های مختلف در این امر مشارکت دهد؟
 ستاد اقامه نماز با تفکرات حاج آقای قرائتی که بر جوان‌باوری تأکید دارد، ایجاد شده؛ بنابراین می‌تواند جوانان را جذب کند. ستادهای اقامه نماز به شدت مشغول ایجاد سازوکارهای مناسب هستند که بتوانند برای جوان‌هایی که می‌آیند، تولید محتوا و برنامه کنند.

مقوله فعالیت جوانان اگر با مبانی علمی و پژوهشی همراه باشد، مسلماً نتیجه‌بخش‌تر خواهد بود. برای رونق بخش تحقیق و پژوهش با مشارکت جوانان در ستاد اقامه نماز برنامه‌ای وجود دارد؟

یکی از بحث‌های جدی ما بحث تحقیق و پژوهش خواهد بود که از طریق پورتالمان به دنبال



آن هستیم که بزرگ‌ترین بانک تحقیقاتی کشور را ایجاد کنیم تا زمینه‌ای برای بینش واقعیت‌محور و خردمندانه در مورد وضعیت نماز کشور، یافتن راهکارهای ارتقای فرهنگ نماز در جامعه و الگوهای موفق برای ترویج نماز در جهان اسلام فراهم آوریم. اینها موضوعاتی است که به فضل الهی در برنامه‌های نرم‌افزاری این سخت‌افزار پیاده خواهد شد.

در این مدت با مشکلی برای سپردن امور اقامه نماز به جوانان روبرو بوده‌اید؟

مشکل نه؛ اما ما به یک عزم همگانی نیاز داریم برای اینکه باور کنیم می‌شود به جوان‌ها اعتماد کرد و فضای نماز را به جوان‌ها انتقال داد.

اما مشکل اصلی ما کمبود کانال‌های ارتباطی هدفمند با نسل نواست. امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: «شما اگر زیبایی‌های کلام ما را برای مردم بیان کنید، مردم از ما لحظه‌ای جدا نمی‌شوند». اگر بتوانیم حوزه کار رسانه‌ای و کانال‌های ارتباطی‌مان را تقویت کنیم، همه مشکلات حل خواهد شد. منتها یک عزم ملی برای برطرف کردن آن می‌خواهد.

جامعه باید بداند خواندن نماز و اقامه آن تفاوت دارد. قرآن از ما خواندن نماز را نخواست، اقامه نماز را خواسته است. هرکس باید ببیند که برای اقامه نماز چه کار می‌تواند انجام دهد. اصلی‌ترین مانع پیش‌روی ما، این است که نتوانستیم این مطلب را به جامعه انتقال دهیم.

جامعه باید بداند خواندن نماز و اقامه آن تفاوت دارد. قرآن از ما خواندن نماز را نخواست، اقامه نماز را خواسته است. هرکس باید ببیند که برای اقامه نماز چه کار می‌تواند انجام دهد. اصلی‌ترین مانع پیش‌روی ما، این است که نتوانستیم این مطلب را به جامعه انتقال دهیم.



من فطرتی پاک دارم

آسیب‌شناسی رفتار خانواده در فرهنگ‌سازی نماز | فاطمه جوادی

بپذیرفته‌های دوران کودکی، به ویژه مسائل مربوط به مذهب را زیر پرشی می‌برد و می‌خواهد با توجه به شخصیت شکل‌پذیر و استقلال‌جویی، نظامی از ارزش‌ها را درباره دین، حقیقت، زیبایی و قدرت به دست آورد.

یک روز که به مدرسه‌ای برای سخنرانی در جمع مادران دانش‌آموزان رفته بودم، بعد از جلسه مادری از من پرسید: دختری شانزده ساله دارم که نماز نمی‌خواند یا گاهی نماز می‌خواند و گاهی نمی‌خواند. با او چه کنم؟

این پرسش او این سؤالات را به ذهنم متبادر ساخت: چرا در میان نوجوانان و جوانان برخی آن‌چنان که باید، به نماز اهمیت نمی‌دهند یا چرا بعضی از آنان ارتباط چندانی با نماز ندارند یا عده‌ای از نوجوانان و جوانان در حالی که از خانواده مذهبی هستند، نماز نمی‌خوانند؟

قبل از ورود به بحث در این مورد بهتر است نگاهی گذرا داشته باشیم به ویژگی‌های جوانان. جوانان، بحران انقلاب ژرف و شدید شخصیتی را می‌گذرانند. مهم‌ترین نکته قابل ذکر در دوره جوانی، آن است که جوان، همه پذیرفته‌های دوران کودکی، به ویژه مسائل مربوط به مذهب را زیر پرسش می‌برد و می‌خواهد با توجه به شخصیت شکل‌پذیر و استقلال‌جویی، نظامی از ارزش‌ها را درباره دین، حقیقت، زیبایی و قدرت به دست آورد. نظام ارزش‌ها، مبتنی بر شیوه نگرش جوان به زندگی و موقعیت او در جهان و در مورد پدیده‌های پیرامونی است.



جوانان را از دیدگاه باورمندی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. جوانان معتقد
۲. جوانان اعتقاد‌گریز
۳. جوانان متزلزل

در این نوشتار درباره گروه دوم و سوم بحث می‌کنیم.

جوانان اعتقاد‌گریز

در برگیرنده جوانانی است که به دلیل نابسامانی‌های موجود در محیط خانوادگی، آموزشی و اجتماعی از یک سو و نبود پرورش و آموزش درست، برخوردار نبودن از دیدگاه‌های اندیشه‌ای و شناختی، برخورداری از امکانات مالی و رفاهی مهارنشده، اثرپذیری از تجددگرایی و رفاه‌زدگی، تهیدستی فرهنگی و شناختی در مقوله‌های گوناگون، خودشیفتگی ناشی از پوچ‌گرایی فرهنگ خانواده و گروه همسالان، خودباختگی اعتقادی و اندیشه‌ی، پذیرش ضد ارزش‌های طبقه‌ای و ناپهنجاری‌های دیگر، بر گریبان جامعه و خانواده در آویخته‌اند. اینان همواره در تعلیق فکری، روحی، شخصیتی و رفتاری به سر می‌برند، بی‌آنکه ارزش زمان را دریافته باشند. این گروه صرفاً رفاه را معیار ارزش‌گذاری طبقات اجتماعی جامعه می‌دانند.

جوانان متزلزل

در برگیرنده جوانانی است که در طبقه‌های گوناگون (بالا، متوسط، پایین) وجود دارند. پیشینه این گروه، نشانگر آن است که باورمندی مذهبی در آنان، ناشی از وضعیت موجود در محیط خانه بوده است. این عده با برخی از ارزش‌ها و اخلاقیات و معتقدات آشنایی دارند و از دیدگاه روان‌شناختی، از شخصیتی متزلزل برخوردارند.

عوامل متعددی در باورمندی این جوانان در مورد اقامه نماز نقش بازدارنده دارد که محیط خانواده یکی از این عوامل است.

عوامل بازدارنده در محیط خانواده که به گونه‌ای در ارتباط با اقامه نماز است، ناشی از چند عامل عمده است که سازش گذرای دوره خردسالی را به ایستادگی و ناسازگاری روحی و رفتاری تبدیل می‌کند. بحث درباره اجزای آن بسیار گسترده و نیازمند بررسی بیشتر است؛ به همین دلیل در ادامه اشاره‌ای مختصر به آنها خواهیم داشت:

الف رفاه‌زدگی و تجدد

در برخی محیط‌های خانوادگی، پدر و مادر، نقش انفعالی یا بازدارنده دارند. چنانچه پدر و مادر در برابر

ب عدم هماهنگی گفتار و کردار بزرگسالان

حالت دوگانگی اندیشیدن، به دلیل پیدایش دگرگونی‌های ذهنی در جوان، هم‌زمان با رویارویی

فریضه نماز، بی‌توجه باشند یا آن را کاری عبث و بی‌نتیجه و ناسازگار با مسائل علمی روز بدانند، آثار نامطلوبی در روحیه جوان بر جا می‌گذارد که عامل مهمی برای ایستادگی در برابر ارزش‌ها خواهد بود. برای مثال فرزند اگر در خانه‌ای رشد نماید که در آن کسی به نماز اهمیت ندهد یا در قبال مسائل دینی خود را مسئول ندانند یا خود اهل نماز باشند ولی فرزند خانواده را تشویق به نماز نکنند، قطعاً فرزند آن خانواده اهل نماز و عبادت نخواهد شد. البته شاید در آینده بر اثر عوامل دیگر به نماز روی آورد که این احتمال ضعیف است. نوجوانی نوشته بود که چگونه از من انتظار نماز خواندن می‌رود، در حالی که در خانه ما هیچ يك اهل نماز نیستند؟ دیگری بیان کرد که توقع نماز خواندن از کسی که هیچ يك از اعضای خانواده‌اش اهل نماز نباشند، توقع بیجایی است. در خانواده‌هایی که در آنها مقوله‌ای به نام دین هويت ندارد، چه انتظاری می‌رود که فرزندشان برخلاف فکر و اندیشه پدر و مادرش به امری نظیر خدا و قیامت معتقد شود.

عوامل بازدارنده در محیط خانواده که به گونه‌ای در ارتباط با اقامه نماز است، ناشی از چند عامل عمده است که سازش گذرای دوره خردسالی را به ایستادگی و ناسازگاری روحی و رفتاری تبدیل می‌کند.



با تناقض‌ها و تضادهای رفتاری و گفتاری والدین، موجب گسستن رشته‌های وابستگی اعتقادی می‌شود.

ج بی‌توجهی والدین به تربیت اخلاقی
اگر کانون خانواده را مهم‌ترین عامل شکل‌گیری شخصیت جوانان بدانیم، مسلم است که هرگونه برخورد و واکنشی نسبت به مسائل مذهبی و نماز، تأثیر مستقیمی در نحوه نگرش جوان به این مسئله خواهد داشت. چه بسیار والدینی که به تربیت جسمی فرزند اهمیت می‌دهند، اما چشم از تربیت دینی فرزند خود پوشیده‌اند و اعتقاد دارند که فرزند باید آزاد باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده‌اند: «بدا به حال بچه‌های دوره آخرالزمان از دست پدر و مادر ایشان. به خاطر اینکه پدر و مادرها به فکر دنیای بچه‌هایشان هستند، اما به فکر آخرت آنها نیستند. به فکر تأمین آتیه برای فرزندانشان هستند، اما به فکر تربیت صحیح، ادب و دین آنها نیستند». بعد فرمودند: «من بری هستم از این‌گونه مردم و آنها هم از من بری هستند». بنابراین هسته اولیه علت بی‌رغبتی جوانان، ریشه در نحوه نگرش پدر و مادر به جنبه‌های رفتاری دینی دارد.
از سوی دیگر بعضی والدین عبادات

کاملی دارند، اما لزومی نمی‌بینند که آنها را به فرزندانشان خویش منتقل سازند و معتقدند که هرکس در آخرت، خود جوابگوی اعمالش است. این دسته از والدین نه فقط دنیا و آخرت فرزندانشان را تباه می‌سازند، بلکه آخرت خود را هم نابود می‌کنند. جوانی که نسبت به سایر امور زندگی فردی و اجتماعی، سر به زیر و تسلیم است، اهل نماز و دیانت نیست. این بدان جهت است که والدین در آن امور تأکید داشته‌اند، اما در امور دینی اصراری به خرج ندادند. مطمئناً اگر به بُعد دینی آنها نیز توجه می‌شد، خللی در آن مشاهده نمی‌شد.

د سخت‌گیری و خشونت
فشارهای شدید و کتک خوردن بچه‌ها از سوی خانواده‌ها، سرخوردگی زیادی نسبت به اعتقادات دینی به وجود می‌آورد. این احساس ناخوشایند برای اقامه مناسک دینی تا جوانی و بزرگسالی ادامه پیدا می‌کند. به طور کلی تربیت دینی دارای اهمیت فراوانی بوده و نوع تربیت دینی فرزندانشان از نوع خانواده آنان نشئت می‌گیرد. بنابراین والدین باید با گفتار و کردار برخاسته از آموزه‌های اسلامی، فضایی را شکل دهند که فرزندانشان خود را معتقد به اصول دینی تربیت کنند. ■

اگر کانون خانواده را مهم‌ترین عامل شکل‌گیری شخصیت جوانان بدانیم، مسلم است که هرگونه برخورد و واکنشی نسبت به مسائل مذهبی و نماز، تأثیر مستقیمی در نحوه نگرش جوان به این مسئله خواهد داشت.

نقش والدین در فرهنگ‌سازی نماز

تعام فرزندانشان نمازخوان من

گردآوری و تدوین: سارا موسوی



یکی از دغدغه‌های همیشگی والدین، به‌ویژه والدین مذهبی، این بوده که چه عواملی می‌تواند در گرایش فرزندانشان به فریضه مقدس نماز مؤثر باشد تا بتوانند با شناخت و آگاهی از آنها، در جلب و جذب فرزندانشان خویش به نماز کمک گیرند. خانواده در انتقال باورهای مذهبی به کودکان، نقش تعیین‌کننده و تأثیرگذاری دارد. یکی از رسالت‌های ظریف و لطیف والدین در تربیت دینی فرزندانشان، بیدارسازی نیازهای فطری آنان از دوران کودکی است تا آنها انجام تکالیف مذهبی، از جمله نماز را به عنوان یکی از نیازهای روانی و معنوی خود احساس کنند. بنابراین لازم است روش‌هایی را برای ترغیب فرزندانشان به نماز به کار گیرند که عبادت آنها از روی تقلید نباشد، و همراه تفکر و آگاهی و عشق باشد. یعنی همان عبادتی که انسان را از منکر بازمی‌دارد. والدین باید توجه داشته باشند که فقط با روش‌های سازنده و برخورداری از اطلاعات فراوان دینی می‌توانند انگیزه عبادت را در فرزندانشان به وجود آورند تا آنها خود در پی عبادت روند.

شیوه‌های آموزش و جذب فرزندانشان به نماز

برای آموزش و جذب فرزندانشان به نماز، روش‌های گوناگونی وجود دارد که می‌توان به فراخور سن و وضع روحی ایشان آنها را به کار گرفت.

۱ اقامه نماز توسط والدین

اولین و مهم‌ترین روش عامل بودن والدین به نماز خود، روش مشاهده‌ای و غیرمستقیم برای آموزش نماز به کودکان و نوجوانان است. منظور از آن این است که اگر والدین که الگوهای عملی برای کودکان و نوجوانان خود هستند، برای نماز اهمیت ویژه‌ای قائل شوند و در این اندیشه پایدار و ثابت‌قدم بمانند، فرزندانشان نیز به نماز گرایش پیدا می‌کنند و به آن رو می‌آورند. وقتی کودک از همان آغاز کودکی خویش، بارها و بارها مشاهده کند که پدر و مادر مهربان و دل‌سوز و محبوب او در خانه، سفر، گردش، میهمانی، کار و در هر وضعیت و موقعیتی به ندای اذان و اقامه نماز بی‌ش از هر چیز دیگر اهمیت می‌دهند و بزرگ‌ترین رسالت خویش را هنگام اذان، تحت هر شرایطی نماز خواندن و سخن گفتن با خدا می‌دانند؛ بدون تردید، نگرش و روش برداشت کودک از نماز نیز چنین خواهد بود.



سفارش و نصیحت به فرزندانشان اگر همراه با محبت و مهربانی و دل‌سوزی باشد، پذیرش بهتر و همراه با اطاعت خواهد بود. اما اگر با سرزنش و تحکم یا زور همراه باشد، فرزندانش را به جبهه‌گیری و مقاومت خواهد داشت و نتیجه مطلوب نیز حاصل نخواهد شد.



اگر والدین برای نماز اهمیت ویژه‌ای قائل شوند و در این اندیشه پایدار و ثابت قدم بمانند، فرزندان ایشان نیز به نماز گرایش پیدا می‌کنند.

۲ آگاهی بخشی

احیای فرهنگ نماز در خانواده در قالب امر به معروف، امری است که در چند آیه قرآن به آن اشاره شده است؛ از جمله آیه شریفه ای که خداوند متعال در آن، حضرت اسماعیل علیه السلام را معرفی می‌کند و می‌فرماید: «و کان یأمر أهله بالصلوة و الزکوة و کان عند ربه مرضیاً! او (حضرت اسماعیل) خانواده اش را به نماز و زکات دستور می‌داد و خدایش از او راضی بود».

از سخن قرآن کریم و ماهیت امر به معروف آشکار می‌شود که محور و سرپرست خانواده، این حق و ولایت را از سوی خداوند دارد تا افراد خانواده را به نمازگزاری وادارد، و این نشان از اهمیت فوق‌العاده نماز دارد.^۲ از جمله «کان یأمر» نیز استنباط می‌شود که حضرت اسماعیل علیه السلام در فرمان دادن خانواده‌اش به نماز استمرار داشته است. این روش یک روش اساسی در تشویق و ترغیب فرزندان به نماز است؛ چراکه خداوند متعال در همین آیه شریفه آن را به عنوان یک رفتار پسندیده برای حضرت اسماعیل علیه السلام نقل می‌فرماید. همچنین از جمله «و کان عند ربه مرضیاً» استفاده می‌شود که امر کردن فرزندان به نماز توسط حضرت اسماعیل علیه السلام، با روش پسندیده و مناسب روحیه آنان انجام می‌شده، نه همانند برخی والدین که با روش‌های غلط و تذکرات ناپسند و عصبانیت و توهین و تحقیر به این امر مبادرت می‌ورزند.^۳

۳ روش عاطفی

ایجاد انگیزه نماز خواندن باید از همان دوران کودکی و با کلمات محبت‌آمیز آغاز شود. این روش نیز به زیبایی در قرآن مجید بیان شده است؛ آنجا که لقمان حکیم به فرزندش می‌فرماید: «یا بُنَّیَّ اُمِّ الصلوة»^۴ پسر من نماز را برپادار». در این آیه شریفه لقمان حکیم صریحاً فرزندش را سفارش به نماز نموده است. نکته حائز اهمیت در این آیه، به کار بردن لفظ «یا بُنَّیَّ» است که به صورت اسم تصغیر آمده و حکایت از محبت و دلسوزی دارد؛ نه تحقیر و کوچک شمردن.^۵

محبت یکی از مهم‌ترین نیازهای فرزندان است. از قدیم گفته‌اند: «از محبت خاها گل می‌شوند»؛ والدین باید انتظارات و توقعات خود را از فرزندان، از طریق محبت و مهرورزی برآورده سازند. مقام معظم رهبری علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«امروز بچه‌های شما به یک کوره محبت احتیاج دارند و آن کانون خانواده است... بهترین پدرها آنهایی هستند که با پسر و دختر خود رفیقند. هم بزرگتری، ارشاد، راهنمایی و محبت کارگشای پدری را دارند، هم همدلی یک رفیق را».^۶ سفارش و نصیحت به فرزندان اگر همراه با محبت و مهربانی و دلسوزی باشد، پذیرش بهتر و همراه با اطاعت خواهد بود. اما اگر با سرزنش و تحکم یا زور همراه باشد، فرزندان را به جبهه‌گیری و مقاومت و خواهد داشت و نتیجه مطلوب نیز حاصل نمی‌شود.

۴ روش برانگیزاننده

تشویق از مسائل بسیار مهم تربیت اسلامی و از بهترین شیوه‌های تربیت کودک به شمار می‌آید. فرزندان از تحسین و تشویق لذت می‌برند و این از تمایلات فطری آنان است که باید به بهترین شیوه برای گرایش دادن آنها به فعالیت‌های ارزشمند، از آن بهره برد. فرزندان در مقابل هر عمل نیکی که انجام می‌دهند، انتظار پاداش دارند، و والدین باید این انتظار آنها را به بهترین شکل پاسخ دهند. موفقیت در تأثیر تشویق فرزندان به نماز توسط والدین و جذب آنان به این امر مهم، به عواملی چون توجه به روش‌های مناسب، جذاب و اصولی تبلیغ و تشویق نماز، عدم اصرار بر تنبیه‌های سخت و ارائه الگوهای عملی در این خصوص وابسته است که پدرها و مادران گرامی باید این نکات را مد نظر قرار دهند.^۷

● پی‌نوشت

۱. مریم: ۵۵.
۲. سید ابراهیم سید علوی، نماز در قرآن، ص ۷۲.
۳. آثار تربیتی نماز، ص ۹۹-۹۸.
۴. لقمان: ۱۷.
۵. فضل بن حسن طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ص ۳۱۹.
۶. شیوه‌های رفتار با جوانان از منظر ولایت، ص ۱۶۲.

از سخن قرآن کریم و ماهیت امر به معروف آشکار می‌شود که محور و سرپرست خانواده، این حق و ولایت را از سوی خداوند دارد تا افراد خانواده را به نمازگزاری وادارد، و این نشان از اهمیت فوق‌العاده نماز دارد.

نماز صبح با سرعت صد کیلومتر در ساعت

جامعه‌شناسی فرهنگ اقامه نماز در بین جوانان | ابوذر کمال



اولین بار نبود که این حالت را در مسافرت تجربه می‌کرد. در گرگ و میش قبل از طلوع خورشید، زیاد نمی‌توانست با راننده اتوبوسی که دیشب از تهران راه افتاده بود، کل کل کند. بیشتر مسافران خواب بودند و اندکی که بیدار بودند، فقط به رفت‌وآمد او در راهروی اتوبوس و دلپرهانش برای قضا شدن نماز چشم دوخته بودند. جوان خوش‌پوشی که در صندلی کنار او نشسته بود، گاهی چشم‌های خواب‌آلودش را باز می‌کرد و زیرچشمی ماجرا را می‌پایید. دیشب قبل از خواب بحث مفصلی با او درباره دینداری مردم این دوره کرده بود. مردمی که خود را مسلمان می‌دانند و ارادتشان را به امامان معصوم، به ویژه امام حسین (ع)، نشان می‌دهند؛ ولی در اجرای احکام دین کاهلی می‌کنند. جوان خوش‌پوش دیشب نماز مغرب و عشاءش را در مسجد بین راه خوانده بود؛ اما الآن تنها با چشمان پف کرده‌اش نظاره‌گر ماجرا بود.

راننده فقط جوان را به صبور بودن تا ایستگاه بعدی حواله می‌داد. اما اگر راننده قبل از طلوع به ایستگاه بعدی نمی‌رسید چه؟!...

کمک‌راننده کم سن و سال هم بی‌خیال روی صندلی جلو لم داده بود و بی‌توجه به اضطراب جوان، متلک‌هایی نثارش می‌کرد: آقا! داریم می‌رسیم خونه. قضا شو خونتون بخون!... حالا یه بار نماز صبح نخونی چی میشه؟! اما جوان تصمیمش را گرفته بود. به فضای خالی وسط ماشین رفت و با آب اندکی که در بطری مانده بود وضو گرفت. خود را آماده می‌کرد تا نماز صبحش را در اتوبوس در حال حرکت بخواند. بار دیگر به ساعتش نگاه کرد. حالا دیگر فقط هفت دقیقه تا طلوع خورشید مانده بود. مدت‌ها پیش در یکی از مسافرت‌ها هم مجبور به این کار شده بود. در همین حین یک باره راننده

سرعت ماشین را کم کرد و به سمت استراحت‌گاهی در حاشیه جاده انحراف مسیر داد و هم‌زمان فریاد زد: «نمازخوناش برن نمازشون رو بخون!» جوان و چند نفر دیگر به سرعت پیاده شدند...

جوان دانشجو آرام بر روی صندلی‌اش نشست. حالا دیگر می‌توانست منظره طلوع باشکوه خورشید از پشت کوه‌ها را تماشا کرده و ذکرهای بعد از نماز را زیر لب تکرار کند. جوان خوش‌پوش کناری‌اش حالا کاملاً خواب از چشمانش پریده بود و دنبال فرصتی می‌گشت تا دوباره سر صحبت را با جوان همسفرش باز کند و درباره این رفتارش از او بپرسد.

اما جوان دانشجو او را با گفتن این جمله غافل‌گیر کرد: «ما آگه توی سفرهای زمینی نتونیم خودمون رو واسه لحظات حساس آماده کنیم، توی سفر آخرت حتماً وامی‌مونیم.»

همسفر جوان که ته‌مانده خواب نیز از چشمانش پریده بود، گفت: «یعنی سفر آخرت این‌قدر سخته؟! من که ترجیح می‌دم زیاد بهش فکر نکنم. حالا اونجا مراحل سختش کجاشه؟!» جوان دانشجو که از دیدن لحظه طلوع سیر نمی‌شد، سرش را به سمت همسفرش برگرداند و گفت: «اونجایی که از آدم‌ها درباره نمازشون می‌پرسن. آگه نمازشون قبول بشه باقی اعمالشون هم پذیرفته می‌شه و آگه نمازشون به هر دلیلی رد بشه بقیه اعمالشون هم به هدر رفته. این رو پیامبر اسلام فرموده: «اولین چیزی که از بندگان در روز محشر مورد محاسبه قرار می‌گیرد، نماز است. اگر قبول شود بقیه اعمال هم پذیرفته می‌شود و چنانچه رد شود، بقیه اعمال هم پذیرفته نخواهد شد»^۱.

جوان خوش‌پوش موهای به هم‌ریخته‌اش را با انگشتانش

مرتب کرد و از این حرف جوان دانشجو به فکر فرو رفت. با اینکه آفتاب، حسابی بالا آمده و چشم را می‌زد، به سمت آفتاب خیره شد؛ آفتابی که هر چه بالاتر می‌آمد، او را بیشتر به یاد نماز صبحش می‌انداخت که قضا شده بود. در دلش آشوبی شد. حالا طلوعی که برای بغل‌دستی‌اش مایه آرامش بود، او را مضطرب می‌کرد. نگاهی به تبسم جوان دانشجو کرد و باز به فکر فرو رفت. در آن لحظه، آرامش جوان همسفرش بزرگ‌ترین دلیل برای درستی حرفش شده بود.

در این اندیشه غوطه‌ور شد: عاقبت سخت آخرت به کاهلی و خجالت‌مندی برای انجام به موقع نماز می‌ارزد؟! ■

● بی‌نوشت
۱. سید بن طاووس، فلاح السائل، ص ۱۲۷.





دین در رسانه

آسیب شناسی نقش رسانه در فرهنگ سازی نماز

به کوشش: سعید فیاضی

محمد رضا زائری نام آشنا تر از آن است که نیاز به معرفی داشته باشد. روحانی دانشگاه رفته‌ای که تحصیلات خود را در حوزه علمیه تا سطح خارج پیش برده و مدرک دکترای خود را در رشته علوم ادیان از دانشگاه قدیس یوسف بیروت گرفته است. شاخصه زائری فهم دقیق از دین و دغدغه روز آمدی تبلیغ دین است. شاخصه‌ای که اندیشه‌های استاد مطهری (ره) را به خاطر می‌آورد و با همین نگاه روز آمد است که زائری برای ترویج دین موضوع دین رسانه‌ای را برای ما تبیین می‌کند.

نوع نگاه زائری را رضا امیر خانی - نویسنده - با مثالی ساده تعبیر کرده: «فقط زائری است که خود روزه است و شما را به یک فنجان قهوه دعوت می‌کند». شاید بتوان گفت زائری عینیتی است از تلفیق درست دین و مدرنیته! در میان کوچه‌های شلوغ میدان بهارستان به محیط آرام مؤسسه سرچشمه رفتیم و با او به گفتگو نشستیم:

اینها چیزهایی است که ما می‌بینیم و ملموس است مخصوصاً در کوتاه مدت. حالا در نظر بگیرید که رسانه‌ها همین تاثیر را در عقاید قلب و جان مردم دارند که البته خیلی به سرعت قابل مشاهده نیست، ولی در طی زمان و در یک فرآیند طولانی تری اثر خود را بجا می‌گذارد و باعث تغییر سبک زندگی مردم بر اساس پیام مدنظر آن رسانه می‌شود.

با این تعریف می‌توانیم ادعا کنیم که آنچه امروزه در جامعه به لحاظ هویت دینی و سبک زندگی جوانان می‌بینیم متأثر و نتیجه عملکرد رسانه‌هاست؟

معتقدم بیش از هرچیز، متأثر از رسانه است. ما اگر در زمان به عقب برگردیم بیشتر آموزه‌های سبک زندگی در داخل خانواده و در ارزش‌های خانوادگی منتقل می‌شد و عوامل دیگری مثل

می‌خواهیم در مورد رسانه برای ما بگویید که واقعا رسانه چه تأثیری بر مخاطب به‌ویژه مخاطب جوان دارد؟

رسانه‌ها فارغ از شکل و قالب در رسانه‌های جدید مثلاً شبکه‌های اجتماعی و یا شکل قدیمی آن مثل منبر بیشترین تاثیر را در القای یک فکر، اقتناع مخاطب و زمینه‌سازی برای تغییر نگاه و نگرش افراد دارند. به هر حال ما در اجتماعی به سر می‌بریم که رسانه‌ها بسیار موثر هستند، بویژه برای مخاطب جوان که این تاثیر دو چندان است. همه ما بطور خاص دیده‌ایم که یک سریال خاص یا یک آگهی بازرگانی چطور و چقدر در تغییر پوشش یا تغییر رفتار مردم موثر هست. یا یک تکیه کلامی که در یک سریال مطرح شده، در سطح عامه جامعه چطور در زبان روزمره مردم افتاده است.

در مورد نسل جدید واقعیت این است که آنچه سبک زندگی جوان را شکل می‌دهد، رسانه است و آن تصویری است که از رسانه در ذهن مخاطب می‌ماند. من چه بخوام و چه نخواهم تصویري که رسانه از نوع رفتار و پوشش یک شخصیت محبوب ارائه می‌کند باعث سمت و سو گرفتن شاخه ذهنی مخاطب است.

محیط تحصیلی و گروه همسالان در درجه بعدی اثرگذار بودند و در واقع فضای داخل خانواده یعنی پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ سبک زندگی جوان را شکل می‌دادند. اما در مورد نسل جدید واقعیت این است که آنچه سبک زندگی جوان را شکل می‌دهد، رسانه است و آن تصویری است که از رسانه در ذهن مخاطب می‌ماند. من چه بخوام و چه نخواهم تصویری که رسانه از نوع رفتار و پوشش یک شخصیت محبوب ارائه می‌کند، باعث سمت و سو گرفتن شاخه ذهنی مخاطب است.

آیا ما در جامعه ایرانی توانسته‌ایم از این ظرفیت برای ترویج فرهنگ دینی استفاده کنیم؟

اگر بخواهیم جواب را به‌صورت کلی بگوییم، بله؛ ما حداقل در این سی‌وپنج شش سالی که ظرفیت رسانه در اختیار نیروهای متدین و انقلاب بوده، از آن استفاده شده است. منتهی دو نکته وجود دارد: اول اینکه متأسفانه گاهی برای انتقال مفاهیم غیر

دینی و ضد دینی از همین ظرفیت رسانه انقلاب استفاده شده و دوم اینکه به موازات حرکت ما حرکت قوی و گسترده جبهه دشمن هم بسیار قوت پیدا کرده است؛ از یک طرف دشمن شبکه‌ای گسترده از رسانه‌ها مثل شبکه‌های ماهواره‌ای، پایگاه‌های اینترنتی و استفاده از رسانه‌های تعاملی را در کنار کتاب و نشریات و رسانه‌های دیگر توسعه داده است و از طرف دیگر گاهی وقتها متأسفانه در رسانه مهم خودمان، صدا و سیما، بسیاری از مجموعه‌های تلویزیونی، آگهی بازرگانی و فیلم‌های سینمایی ما پیام‌هایی داشتیم کاملاً متناقض! یعنی مثلاً ما در پیام‌های دینی می‌خواستیم به ایمان به غیب دعوت کنیم یا به اولویت زندگی اخروی دعوت کنیم می‌خواستیم به بی‌اعتنایی به مادیات دعوت کنیم، اما دقیقاً نقطه مقابل این پیام‌ها با تاثیرگذاری بیشتر پخش می‌شود. این

گاهی وقتها متأسفانه در رسانه مهم خودمان، صدا و سیما، بسیاری از مجموعه‌های تلویزیونی، آگهی بازرگانی و فیلم‌های سینمایی ما پیام‌هایی داشتیم کاملاً متناقض! یعنی مثلاً ما در پیام‌های دینی می‌خواستیم به ایمان به غیب دعوت کنیم یا به اولویت زندگی اخروی دعوت کنیم می‌خواستیم به بی‌اعتنایی به مادیات دعوت کنیم، اما دقیقاً نقطه مقابل این پیام‌ها با تاثیرگذاری بیشتر پخش می‌شود.



اتفاق ۳۷ سال است که رخ داده و شما تصور کنید مخاطب معمولی که با تربیت خاص مذهبی بیمه نشده، به طور طبیعی از این آسیب متضرر شده و ضربه می‌خورد.

با این توضیح مسلم است که ما برای داشتن یک جامعه دینی رسانه دینی می‌خواهیم؛ حال سوالم این است که کدام یک از انواع رسانه‌ها که اشاره داشتید در کشور ما و میان مخاطبان ایرانی موثرتر است؟

اینکه بخواهیم بگوییم اولویت با کدام است نیاز به مطالعه علمی و نظرسنجی تحلیلی دقیق دارد. چون در هر زمان متفاوت است و البته بسیار در حال تغییر. شاید پنج سال پیش تلویزیون بیشترین تاثیر را داشت، سه سال پیش بازی‌های کامپیوتری بسیار قابل ملاحظه بود و الان شاید شبکه‌های موبایلی است که بیشترین تاثیر را دارد و حتما تا ۲،۳ سال دیگر تحلیل و آمار و اطلاعات جدیدی به دست می‌آید.

اما آنچه مسلم است اینکه هر کدام جای خود را دارند. نکته مهم‌تر اینکه ما یک وقتی صحبت از رسانه دینی داریم و یک وقت حرفمان دین رسانه‌ای است. رسانه دینی همین است که الان هم وجود دارد. مثلا شبکه قرآن بین شبکه‌های سیما

شرایط اجتماعی به سمتی رفته است و وضعیتی را تجربه می‌کنیم که نشان می‌دهد ما الان بیشتر از گذشته به یک دین رسانه‌ای نیاز داریم به این معنا که بتوانیم پیام‌های مختلف دینی را در قالب‌های مختلف عرضه کنیم. یعنی نگاه به دین و فهم‌مان نسبت به دین و نحوه عرضه‌مان از دین طوری باشد که این مفاهیم در قالب‌های جدید قابل عرضه باشد.



یک رسانه دینی است و یا مجله خیمه یک رسانه دینی است. در رسانه‌های سنتی هم منبر ماه مبارک رمضان و منبر ماه محرم رسانه دینی است. اما از طرفی شرایط اجتماعی به سمتی رفته است و وضعیتی را تجربه می‌کنیم که نشان می‌دهد ما الان بیشتر از گذشته به یک دین رسانه‌ای نیاز داریم به این معنا که بتوانیم پیام‌های مختلف دینی را در قالب‌های مختلف عرضه کنیم. یعنی نگاه به دین و فهم‌مان نسبت به دین و نحوه عرضه‌مان از دین طوری باشد که این مفاهیم در قالب‌های جدید قابل عرضه باشند.

اگر بخواهیم از ظرفیت رسانه برای ترویج دین و فرهنگ نماز بهره بگیریم، مهمترین و تاثیرگذارترین رسانه به عنوان قدم اول کدام است؟

معتقدم که طراحی کمپین تبلیغاتی مثل آنچه که در جهان انجام می‌شود یک کار تخصصی و حرفه‌ای است که باید شامل همه ابزارهای تبلیغاتی باشد. اما

اگر بخواهیم به‌طور ویژه عرض کنم موثرترین رسانه در میان رسانه‌ها تلویزیون و موثرترین در تلویزیون همان آگهی بازرگانی تلویزیونی است.

مشکلی که ما داریم این است که متأسفانه زبان گفتگویمان با مخاطب در مورد مسایل دینی بسیار زبان کهنه‌ای است. یعنی زبان مستقیم و بسیار رو. این آن چیزی است که مطالعه و بررسی جدی و بدون جانبداری می‌خواهد که آیا اگر بخواهیم برای نماز تبلیغ کنیم با این شیوه‌های موجود اثری دارد یا خیر. واقعا بررسی کنیم چقدر از مخاطبین ما با نمایش صحنه‌هایی از نماز جمعه در پنجشنبه شب رغبت پیدا می‌کنند فردا بروند نماز جمعه یا چقدر از مخاطبان ما با پخش صحنه‌های نماز جماعت در هنگام اذان صبح و ظهر و شب از تلویزیون به حضور در مسجد ترغیب می‌شوند؟

اما چطور است که من وقتی یک رمان از شهر پراگ می‌خوانم دوست دارم اولین فرصت بروم و این شهر را ببینم ولی راجع به نماز و مسجد ما داستان و رمان قوی‌ای ندارم. چرا آگهی بازرگانی پیتزا را که می‌بینم با اینکه شام خوردم دوباره هوس خوردن پیتزا دارم؟ چرا یک آگهی بازرگانی قوی برای نماز خواندن نداریم. چرا ما نباید چیزی داشته باشیم که بعد از دیدنش احساس کنیم دلتنگم برای خدا. و همان موقع وضو بگیرم و نماز بخوانم.



تجربه‌ای که برخی روحانیون ما داشتند و رفتند به ورزشگاه‌ها و با تماشاچیان نشستند و ارتباط برقرار کردند تجربه متفاوتی بود و یا تجربه افرادی که در مساله حجاب در خیابان با یک شاخه گل و یک کارت پستال با مردم برخورد کردند تجربه متفاوتی بود. اینها در واقع خواستگارش همان نگاه رسانه‌ای به دین است.



یعنی با زیبایی و اختصار و تاثیرگذاری همان پیام بازگانی؛ و این خلاء ماست.

■ برای داشتن چنین رسانه‌ای چه کار باید کرد؟ باید رو بیاوریم به تغییر نگرش مدیران یا اقدام کنیم به پرورش هنرمند و متخصص؟

■ باید این فرهنگ سازی را ایجاد کرد و این نگاه است که باید تغییر کند البته در میان عامه مردم. یعنی همانطور که مومنین برای ساخت مسجد و نذر هیات پول می‌دهند برای ساخت آگهی بازرگانی خوب پول بدهند و نذر کنند. نگاه من دولتی و حکومتی نیست. اتفاقاً اینجا هم مردم باید بیایند و کار مذهبی را باید نهادهای دینی مردمی انجام بدهند.

■ این نگرش و نگاه متفاوت را چگونه ایجاد کنیم؟
■ باید واقعیت‌های بیرونی را در نظر بگیریم، آمار جمعیت، تغییر گروه‌های مرجع، واقعیت‌های بیرونی زندگی جوانان. هر کس در جایگاه خودش اگر می‌خواهد کار فرهنگی و دینی انجام دهد باید اینها را در نظر بگیرند تا خود اذعان کنند به لزوم و ضرورت این زبان و نگاه جدید. اما اگر تلقی من این باشد که همه مردم متدین هستند و همه مردم همین‌هایی هستند که پشت سر من در مسجد نماز جماعت می‌خوانند، طبیعتاً نیازی به کار جدید

مشکلی که ما داریم اینست که متأسفانه زبان گفتگویمان با مخاطب در مورد مسایل دینی بسیار زبان کهنه است. یعنی زبان مستقیم و بسیار رو. این آن چیزی است که مطالعه و بررسی جدی و بدون جانبداری می‌خواهد که آیا اگر بخواهیم برای نماز تبلیغ کنیم با این شیوه‌های موجود اثری دارد یا خیر.

نمی‌بینم. اما اگر آمار و اطلاعات داشته باشیم که همه اهالی محل همین چند نفر احتمالاً پیرمرد داخل مسجد نیستند و چندین هزار نفر هستند که به مسجد نیامده‌اند، آن وقت بنا را می‌گذارم به کار و فکر جدید. الگوی ما کسی بود که به تعبیر علی علیه السلام «طیب دوار بطبه» پیامبر کسی بود که سراغ مریض‌ها می‌رفت. من امام جماعت باید به فکر جذب مخاطب باشم.

■ سؤال آخرم ساده است و کوتاه: چه کنیم که فرهنگ اقامه نماز در جامعه جاری و ساری شود؟

■ نماز رفتار بیرونی ماست بر اساس باور توحیدی. باور توحیدی یک بال، یک همراه و یک توأمانی دارد که اگر نباشد این هم محقق نمی‌شود. در اندیشه دینی و در پیام پیامبران الهی، توحید و قسط با هم است. اگر عدالت اجتماعی نبود توحید هم محقق نمی‌شود. ما اگر بخواهیم فقط یکی از اینها را به تنهایی سراغش برویم نمی‌شود. این دوتا باهم معنی پیدا می‌کنند و انجام‌شدنی خواهند بود. زمانی نماز در جامعه رونق می‌گیرد که عدالت اجتماعی هم در جامعه باشد.

■ متشکرم از زمانی که در اختیار ما قرار دادید.



نماز راهی به رهایی از اشتغالات عصر مدرنیسم

راهی به رهایی

حسن مقدمی شهیدانی

مدرنیته و سبک زندگی جوان امروزی

عصری که در آن به سر می‌بریم، عصر ارتباطات، عصر مدرنیسم و عصر انفجار اطلاعات نام گرفته، و به واسطه تسهیل، تسریع و گسترده‌گی ارتباطات انسانی، برخی از آن تعبیر به دهکده جهانی کرده‌اند! مناسبات حاکم بر این دهکده مدرن، بیش از هر چیز سبک زندگی و سیره رفتاری انسان امروز را متأثر کرده است. سهم جوان‌ترها در این تأثیرپذیری - جبری - بیش از سایر اقشار و طبقات اجتماعی بوده است.

نخستین ره‌آورد عصر جدید برای جوان‌ها، غوطه‌ور شدن در ورطه اشتغالات مختلف است؛ گسترش قارچ‌گونه شبکه‌های اجتماعی، افزایش روزافزون مشتربان بازی‌های رایانه‌ای آن‌لاین، سریال‌های ناتمام شبکه‌های ماهواره‌ای، فراوانی

بی حد و حصر سرانه استفاده از اینترنت - آنهم در فضاهای غیر علمی - تمرکز بر ارتباطات مجازی، هرکدام می‌تواند نقطه‌ای کانونی در جلب توجه جوان، و مشغول داشتن او باشد. در واقع این بمباران ارتباطی و اطلاعاتی، چنان سهمگین است که کوچک‌ترین روزنه‌ای برای تماشای آزادانه دنیای خویشتن و کمترین وقتی برای تأمل و تفکر مستقل و حتی ارتباط آزادانه و عمیق با خالق، باقی نگذاشته است. چنانکه اگر فرصتی هم برای عبادت باقی مانده باشد، هنگامه عبادت، آوردگاه همه انواع تفکرات و تخیلاتی است که در امتداد همین اشتغالات عصر رسانه، به ذهن متبادر می‌شود. این است که بیراهه نرفته‌ایم اگر عبادت را مأمن و آرامشگاه انسان ناآرام عصر مدرن بنامیم و بیراهه نگفته‌ایم، اگر نماز را فرصتی برای بازگشت به





با حقیقت نماز را گرفته، او را قدم به قدم، به سوی حقیقت گمشده فطری اش، نزدیک و نزدیک تر کند. تشکیلی گروه‌های همسالان و تبلیغ تخصصی در مجامع فکری و فرهنگی (مدرسه، دانشگاه، مسجد، کانون‌های فرهنگی و...)، راه دیگری است که در استحکام بخشیدن به گرایش جوانان به نماز، ضروری است. دعوت به نماز جماعت، راهبرد نهایی در نهادینه کردن نمازخوانی در میان جوانان است.

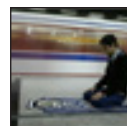
تجربه خلوت با خدا در قامت نماز

آنچه تا کنون گفته آمد، توصیفی از واقعیت‌هایی از زندگی امروز بود و توصیفی از نماز به عنوان راهی به رهائی از اشتغالات عصر امروزی. اما آنچه مهم است اینکه تنها وقتی می‌توان نماز را به عنوان راهی از اشتغالات خودساخته و منبع آرامش روحانی معرفی کرد که هر کسی با نفس و جان خود، این مدعاها را تصدیق کرده باشد. چه اینکه تا وحدت آرامش بخش حاصل از نماز تجربه نشود، جوان امروز نماز را به عنوان راه حل مشکلات و گمشده فطرت و دورن خود نمی‌یابد و هرگز سعی نمی‌کند با این معبر به مرکز آرامش و سکون اتصال یابد. این است که ایجاد انگیزه و بسترسازی و فرصت تجربه نماز، اصلی‌ترین گام در راه اثبات کارکردهای روحانی نماز در زندگی جوانان است. به تعبیر دیگر، با همه‌گیر کردن نماز به عنوان یک محور آرامش‌آفرین، جوان را باید در مقام احتیاج با درون خویش قرار داد تا وقتی که آن را به مثابه آبی بر آتش جان یافت، در کششی درونی مدام به تکرار این لذت بی‌مثال مبادرت ورزد. ■

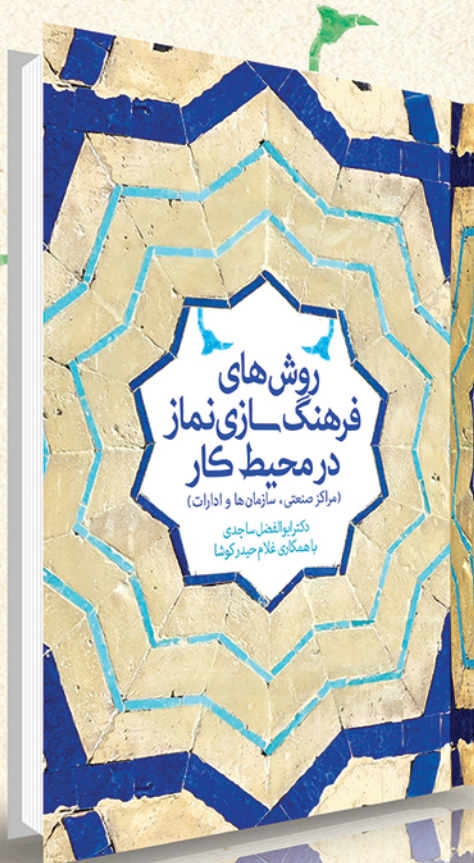
خویشتن و خلوتی برای رازگفتن بدانیم. در حقیقت آرامش و آسایش، گمشده‌ای است که جوان گرفتار در بند اسارت رسانه‌ای، با وارد شدن در دنیای متعالی نماز، و دست یازیدن به خلوت انس با خدا، می‌تواند، پیدایش کند، و خود پیدا شود!

نماز، سیر معنوی از تکاثر به کوشش

با توجه به مطالب پیشگفته، توجه به این نکته ضروری است که اساساً نماز چگونه می‌تواند در زندگی متفاوت جوان امروز، به نقش‌آفرینی در زمینه تعالی روحانی و توفیق معنوی وی بپردازد؟! اساساً آیا می‌توان با وجود جاذبه‌های دنیای مجازی فعلی، به دنیای پر رمز و راز نماز وارد شد؟ چگونه می‌توان با همه تکاثرها و اشتغالات پرشمار، لذت انس با خدا در قالب نماز را چشید؟ پاسخ البته در قالب یک نوشتار کوتاه نمی‌گنجد، اما گفتنی آنکه، ماهیت نماز، دعوت به توحید است و توحید ماهیتاً با تکاثر و چندگانگی - این گرفتاری فراگیر - ناسازگار است. این است که اهل نماز، آسان‌ترین راه را در جهت‌دهی و مدیریت اشتغالات این‌زمانی برگزیده‌اند؛ چه اینکه به ریسمان توحید چنگ زده‌اند. می‌ماند وارد شدن در دنیای نماز، و مهم‌تر از همه، چشیدن و چشاندن لذت نماز که قدم اصلی است. با توجه به خارج شدن جوانان از دسترسی و کم‌رنگ شدن فرصت ارتباط فیزیکی به منظور تبیین جایگاه و کارکردهای نماز، شاید اولین گام، استفاده از عنصر هنر و تبیین تصویر جذابیت‌های نماز، آن‌هم در فضای رسانه و دنیای مجازی است. آنچنان که زبان گیرای هنر، دست مخاطب ناآشنا



مقام معظم‌تر هبیری (مدظله‌العالی):
کتاب‌خوانی و علم‌آموزی نه تنها یک وظیفه ملی،
که یک واجب دینی است.



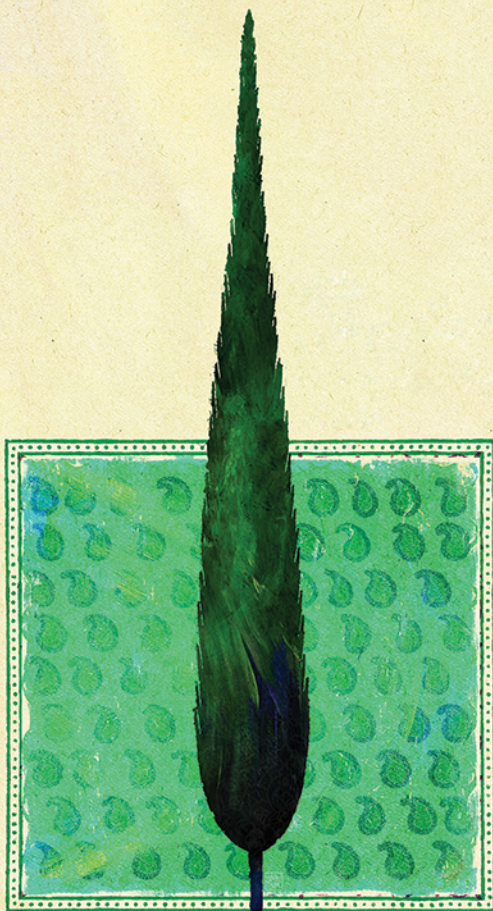
اثر برگزیده در دومین
جشنواره ارتقای کیفیت آثار،
محصولات و
فعالیت‌های فرهنگی



کتاب «روش‌های فرهنگ‌سازی نماز در محیط کار»

این اثر به سفارش مرکز تخصصی نماز
و به همت حجت‌الاسلام ابوالفضل ساجدی و همکاری غلامرضا کوشا نگارش شده است.
کتاب فوق پژوهشی برای ارایه شیوه‌های اقامه نماز در محیط کار است و به موضوعاتی
چون آسیب‌شناسی معرفتی، اندیشه‌ای و رفتاری اقامه نماز در محیط اداری می‌پردازد.

مؤذن کرب و بلا؛ یا علی اکبر علیه السلام



قیامت قامت و قامت قیامت
قیامت می کند آن قد و قامت
مؤذن گر ببیند قامت را
به قد قامت بماند تا قیامت